

۴۱۱

کیمپان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۲۲ تا ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۷۷

نه
به
اعدام!



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۷۷ (۴۱۱)

جمعه ۲۲ تا ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

۱۲ تا ۱۸ مه ۲۰۲۳



مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



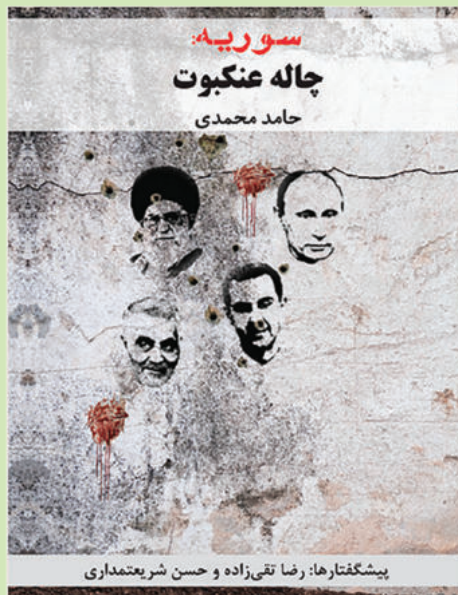
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم **حامد محمدی (افسر خلبان)**

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با **کیهان لندن** ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۳۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

۴ سرمقاله - افراطیون در قدرت و حکومت اند! / الاهی بقراط

۴-۵ نه به اعدام! / احمد رأفت

۵ (نوفدی): انفعال دولت بایدن رژیم ایران را در اجرای احکام اعدام ... /

۶ مراسم تاجگذاری اعلیحضرت چارلز سوم پادشاه بریتانیا برگزار شد ... /

۷ رأی تمام نمایندگان پارلمان سوئد به طرح قرار دادن سپاه پاسداران ... /

۸-۹ روزنامه «نیویورک پست»: رضا پهلوی ولیعهد ایران مثل یک دولت مرد عمل می کند ... /

۹ روزنامه «تایمز»: سپاه قدس به دنبال ایجاد مکانیسم هماهنگ علیه اسرئیل ... /

۱۰ اقدام قرون وسطایی جمهوری اسلامی؛ یوسف مهراد و صدرالله فاضلی زارع ... /

۱۱ جسارت به سقراط زمانه ... / احمد احرار

۱۲-۱۴ آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۱۲) ... / دکتر هوشنگ نهاوندی

۱۴-۱۵ چرا باید به ادعای دولت بایدن در مورد «دفاع از صلح و ... / حامد محمدی

۱۶-۱۷ بیست روز تجمع پادشاهی خواهان سکولار دموکرات در مقابل دفتر صدر اعظم ... /

۱۷ میانجیگری مصر برای توقف درگیری میان اسرئیل و گروه های فلسطینی ... /

۱۸-۱۹ شمار اتومبیل های رشوه داده شده به مقامات به ۳۰۰ عدد رسید ... /

۱۹ هشدار در مورد تلفات بالای مأموران نیروی انتظامی در «کف خیابان ها» ... /

۲۰-۲۱ اعتبار قرار دادهای جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر ... / محمود مسائلی

۲۲ نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به دنبال جنگ با اسرئیل هستند؟! ... /

۲۳ فشار و شکنجه روانی مأموران حکومت علیه فاطمه سپهری در بیمارستان ... /

۲۴-۲۵ تعیین ۱۰ نقطه در تهران برای برگزاری تجمعات قانونی! ... /

۲۵ مشاور امنیت ملی کاخ سفید: جمهوری اسلامی سلاح اتمی ندارد ... /

۲۶ نیویورک تایمز: پرش دیگر این نیست که آیا ایرانیان جمهوری اسلامی را ... /

۲۷ تأکید بر پوشش اجباری برای مردان: استقرار بسیج در مراکز تجاری، مترو ... /

۲۸-۲۹ احتمالاتی درباره آینده سیاسی ایران؛ از ثبات تا هرج و مرج ... / بهرام فرخی

۲۹ زمستان ۱۴۰۲: سخت تر از گذشته؛ دستکاری یادستبرد ... / حمید انزلی

۳۰-۳۱ به مناسبت اجرای نمایش کمدی - تراژدی «موش و تله» در لس آنجلس ... /

۳۱ جمهوری اسلامی حبیب اسبود شهر و نندایرانی - سوئدی را به اتهام «افساد» ... /

۳۲-۳۳ تجمعات و اعتراضات آموزگاران، بازنشستگان و کارگران ... /

۳۳-۳۴ ادامه تورم و گرانی و بلبشوی اقتصادی ... /

۳۴-۳۵ قوه قضاییه هم لایحه «حجاب و عفاف» تدوین کرد! ... /

۳۶-۳۷ انتخابات ترکیه؛ شکست احتمالی اردوغان نویدبخش تضعیف اسلام سیاسی ... /

۳۸ پشت جلد - عکس هفته / تاجگذاری چارلز سوم پادشاه انگلستان / شنبه ۶ آوریل ۲۰۲۳

بازنشر

بازنشر



سرمقاله

افراطیون در قدرت و حکومت‌اند!

جمهوری اسلامی چهار دهه با سرمایه‌گذاری نجومی در داخل و خارج کشور و انواع ترندها از ساختن «خندق» تا صادراتی و تطمیع‌های مختلف علیه مخالفان خود به ویژه طرفداران پادشاهی و مشروطه‌خواهان و مدافعان دموکراسی و لیبرالیسم تلاش کرد ولی در جامعه نتیجه‌ی عکس گرفت!



اکنون نیز با اسم رمز «افراطیون» موجی را علیه قدیمی‌ترین و راسخ‌ترین جریان آزادیخواه هدایت می‌کند که همواره بر طرفدارانش در جامعه افزوده شده است: مدافعان دموکراسی خواه پهلوی‌ها که در میان آنها هم طرفداران جمهوری و پادشاهی و هم چپ و راست دیده می‌شوند! گذشته از اینکه افراطیون در میان همه جریانات و همه جا به عنوان اقلیتی ناچیز وجود دارند، اما آنها که نتوانستند با «همبستگی»، جریان ملی‌گرا و طرفدار پهلوی‌ها را منزوی کنند، حالا با این اسم‌رمز به دنبال هدف خود هستند و ترجیح می‌دهند تمرکز را بر اقلیتی افراطی بگذارند تا شاید اکثریت را ناکار کنند! در یک تناقض آشکار آنها بیشتر تمایل دارند مخاطبان خود را افراطیون فحاشی بدانند که ارتش سایبری رژیم به دلیل اقبال پهلوی‌ها بخش مهمی از آن را تشکیل می‌دهد و نه افرادی که با اسم و رسم خود به ابراز نظر می‌پردازند و نه تنها نزدیکی با زشت‌گویان ندارند بلکه از اینکه سایبری و غیرسایبری بجای آنها فحاشی و فضای عمومی را مسموم کند نیز اصلاً خوشحال نمی‌شوند چرا که به سود قدرت تفکر و استدلال آنها نیست! نکته قابل توجه اینکه سازندگان موج‌های تصنعی اتفاقاً با آنهایی نزدیک هستند که با وجود ژست دموکراسی و حقوق بشر، درست مانند جمهوری اسلامی، عقاید مذهبی دیگران را «نجس» خوانده و برخلاف اصل حقوق بشری «آزادی وجدان و مذهب»، «مبتکر» هشتگ‌های زشت و حذفی علیه مذاهب و همچنین صدور «انقلاب زنانه» بجای انقلاب اسلامی هستند! در چنین فضایی، این جریان‌سازان مجازی و تصنعی به کمک برخی رسانه‌های فارسی‌زبان تلاش می‌کنند یکسری حساب کاربری عمدتاً مستعار در فضای مجازی را به عنوان «پایگاه اجتماعی» ملی‌گرایان و پهلوی‌ها قلمداد کنند و نه مردم معتزلی که در خیابان‌ها شعار می‌دهند و یا آنان که اعدام شده و یا در چنگ رژیم اسپرند و همین جریان‌سازان، البته بطور گزینشی، برای آنها دل می‌سوزانند!

جامعه سیاسی ایران اما به خردمندی نیاز دارد و خوب است آنها که مشغول «رقابت انتخاباتی» در شرایطی هستند که با تداوم جمهوری اسلامی اساساً جایی در سیاست عملاً جاری ایران ندارند، از جریان‌سازی‌های تصنعی مانند «همبستگی» و «منشور» و اتهام «افراطی» به هر آنکه مانند آنها به دنبال «جمهوری دوم» نیست، دست بردارند و آزادی ملت و آبادی مملکت را در صدر اهداف خود قرار دهند. در اینصورت همبستگی نیز بطور طبیعی شکل گرفته و افراطیون جریانات مختلف هم منزوی خواهند شد. فعلاً افراطی‌ترین افراد و جریانات با تمامی ابزار مرگبار سرکوب ۴۴ سال است در حکومت و قدرت قرار دارند و تحریف و تخریب و تفرقه و افراط را هدایت می‌کنند و هرگاه با ناکامی در پروژه‌های خود مواجه شوند، سرکوب در داخل و حمله در خارج و فضای مجازی را علیه ملی‌گرایان میهن‌دوست تشدید خواهند کرد.

تیر هفته

نه به اعدام!



● در عمل آنچه به نام «مجازات» و «اعدام» در ایران روی می‌دهد، چیزی جز جنایت و قتل عمد دولتی نیست. دادگاه‌های نمایشی بدون حضور وکلای مدافع انتخابی و بر مبنای اعتراضاتی که در عمده موارد زیر شکنجه اخذ شده‌اند، نشانی از عدالت و دادگستری ندارند که بتوان از رای آنها با عنوان حکم و «مجازات» نام برد. در بسیاری موارد احکام این دادگاه‌ها قبل از برگزاری اولین جلسه صادر شده و جلسات آنها تنها جنبه نمایشی و تبلیغاتی دارد.

از زمانی که مردم با شعار «زن، زندگی، آزادی» بار دیگر به خیابان آمدند البته پدیده جدیدی نیست. در ۴۴ سال گذشته هر بار حرکت‌های اعتراضی شکل گرفتند، اعدام‌ها نیز با هدف ایجاد رعب و وحشت در جامعه افزایش یافتند؛ درست همانگونه که همزمان با انتخابات نمایشی برای کشاندن مردم پای صندوق‌های رای، اعدام‌ها برای مدتی متوقف می‌شود.

بلوچ‌ها، گردن‌های کم‌هزینه برای طناب دار

در سال گذشته میلادی ۱۷۴ بلوچ در جمهوری اسلامی در رابطه با جرائم مرتبط با مواد مخدر اعدام شدند که برابر با ۳۰ درصد کل اعدام‌ها در سال ۲۰۲۲ بود. این در حالیست که بلوچ‌ها بین ۳ تا ۴ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. در جمهوری اسلامی قاچاق مواد مخدر در دست مافیاهایی است که با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سر در یک آخور دارند. در این رابطه گزارش‌های بسیاری از سوی نهادهای بین‌المللی نیز تهیه و گاهی نیز انتشار همگانی یافته است. با توجه به این واقعیت نمی‌توان گفت که هدف اعدام یک جوان بلوچ که تنها جابجا کننده مواد مخدر است، می‌تواند پیشگیرانه باشد. در واقع پرسش درست این است که چرا یک بلوچ در ازای پانصد هزار تا یک میلیون تومان حاضر است ریسک بازداشت و اعدام را بپذیرد؟! در اینصورت پاسخ بسیار ساده است. بیش از نیم میلیون از بلوچ‌ها حتی شناسنامه ندارند. نداشتن شناسنامه یعنی نداشتن کد ملی، نداشتن کد ملی یعنی محرومیت کامل از تمام همان حقوق شهروندی نیم‌بندی که در جمهوری اسلامی می‌توان داشت، از حق آموزش تا برخورداری از خدمات درمانی و البته حق کار به صورت قانونی، اگر که اصلاً امکان یافتن کاری وجود داشته باشد. بلوچی که حتی شناسنامه

جمهوری اسلامی در هفته‌های اخیر بیش از گذشته به دنبال گردن‌هایی برای طناب‌های دارش می‌گردد. دست‌کم ۶۶ سر در کمتر از دو هفته بالای دار رفتند. جان‌هایی که برای افزودن چند صباحی به عمر رژیمی فدا شدند که از همان روزهای اول نه تنها بنا را بر قتل مخالفانش گذاشت بلکه تلاش کرد تا هر مشکلی را نه با حذف و اعدام افراد حل کند.

جمهوری اسلامی همانگونه که اخیراً مولوی عبدالحمید رهبر اهل سنت زاهدان به درستی گفت تنها هتزش اعدام است. برای هر جرمی حکم مرگ صادر می‌شود، اگر چه آمار و تجربه ثابت کرده که اعدام از ارتکاب به هیچ جرمی پیشگیری نمی‌کند.

البته هدف جمهوری اسلامی نیز از اعدام پیشگیری نیست بلکه بیشتر انتقام‌جویی و ایجاد رعب و وحشت در جامعه است. جمهوری اسلامی در این ۴۴ سال نشان داده است که نه می‌تواند و نه می‌خواهد که خواست‌های مردم را برآورده کند. از همین رو با سرکوب و اعدام تلاش دارد مردم را وادار به سکوت نماید. ولی آنچه در ماه‌های اخیر شاهدیم، نشان می‌دهد که این سیاست کارآیی خود را برای نظام از دست داده و مردم مصمم به گذر از این نظام پوسیده و دراوکلائی هستند که برای بقای خود می‌خواهد از خون مردم تغذیه کند.

روزانه دو نفر در جمهوری اسلامی اعدام می‌شوند از ابتدای سال جاری میلادی دست‌کم ۲۲۱ نفر در جمهوری اسلامی اعدام شدند، یعنی روزانه دو سر بالای دار رفته است: چه با حکم قصاص، چه به اتهام قاچاق مواد مخدر و چه به «جرم» داشتن عقیده‌ای متفاوت و یا به خاطر مبارزه با کلیت این نظام. شتاب گرفتن احکام اعدام

اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (نوفدی): انفعال دولت بایدن رژیم ایران را در اجرای احکام اعدام بی‌پروا تر کرده است



NUFDI STATEMENT ON EXECUTION SPREE IN IRAN

This weekend Yousef Mehrdad and Sadrollah Fazeli Zare were murdered by the Islamic Republic for the so-called crime of "insulting Islam". These young men, executed based on so-called confessions that their attorneys say were extracted by force, are just the most recent victims of the Islamic Republic's war on the Iranian people.

In recent weeks, the regime in Iran has launched a killing spree. The recent executions, however, cannot be seen as entirely unrelated to the indifference of many in the West, including the Biden administration that refuses to hold the regime accountable.

The regime's campaign of wanton violence is in fact emboldened by a U.S. policy towards Iran that refuses to prioritize human rights and recognize the people's democratic aspirations.

Unless the Biden Administration changes course to stand with the people of Iran and defend America's values and interests by applying maximum pressure on the regime and maximum support of the Iranian people, it will bear moral responsibility for its inaction in the face of such state violence.

There was a time when USAdarFarsi and other U.S. Government accounts would strongly condemn the regime's crimes. Under the current administration, they have turned into accounts that instead promote the hijab. In response to this travesty, the State Department should announce that it is sanctioning the perpetrators of this abhorrent crime and the White House should announce its support for the passage of H.R. 589 (the MAHSA Act), currently before the Congress with more than 100 Democratic and Republican co-sponsors.

This assault on human dignity deserves outright condemnation by the civilized world and requires swift punitive sanctions against the perpetrators of the state murder of Yousef and Sadrollah.

CONTACT
press@nufdiran.org

«آخر این هفته یوسف مهرداد [مهرداد] و صدرالله فاضلی زارع به اتهام «توهین به اسلام» توسط جمهوری اسلامی به قتل رسیدند. این مردان جوان که به گفته وکلایشان از آنها اعتراف اجباری گرفته و اعدام شدند جدیدترین قربانیان جنگ جمهوری اسلامی علیه مردم ایران هستند.

در هفته‌های اخیر، رژیم ایران دست به کشتار زده است. با این حال، اعدام‌های اخیر با بی‌تفاوتی بسیاری در غرب مرتبط است، از جمله دولت بایدن، که از پاسخگو کردن رژیم ایران خودداری می‌کند.

اقدامات خشونت‌بار حکومت در شرایطی که ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی از اولویت دادن به حقوق بشر و به رسمیت شناختن آرمان‌های دموکراتیک مردم ایران خودداری می‌کند، بی‌پروا تر شده است.

تا وقتی که دولت بایدن مسیر خود را تغییر ندهد تا در کنار مردم ایران بایستد و با اعمال فشار حداکثری بر رژیم و حمایت حداکثری از مردم ایران از ارزش‌ها و منافع آمریکا دفاع نکند، مسئولیت اخلاقی انفعال خود را در برابر خشونت‌های حکومتی از این قبیل موارد بر عهده خواهد داشت.

زمانی بود که «USAdarFarsi» و دیگر حساب‌های دولت آمریکا جنایات رژیم را به شدت محکوم می‌کردند. در دولت فعلی، این اکانت‌ها مبلغ حجاب شده‌اند. در پاسخ به این حماقت، وزارت خارجه باید اعلام کند که عاملان این جنایت شنيع را تحریم می‌کند و کاخ سفید باید حمایت خود را از تصویب «قانون مهسا» اعلام کند که در حال حاضر در کنگره بیش از ۱۰۰ نماینده دموکرات و جمهوریخواه از آن حمایت کرده‌اند.

این تجاوز به کرامت انسانی مستحق محکومیت علنی جهان متمدن و مستلزم مجازات‌های تنبیهی سریع علیه عاملان قتل حکومتی یوسف و صدرالله است.»

● اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (نوفدی) در بیانیه‌ای با محکوم کردن اعدام یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی به اتهام «سب النبی» و «ارتداد» از انفعال دولت جو بایدن در مقابل «اقدامات خشونت‌بار» رژیم ایران انتقاد کرده است.

● در این بیانیه تأکید شده «تا وقتی که دولت بایدن مسیر خود را تغییر ندهد تا در کنار مردم ایران بایستد و با اعمال فشار حداکثری بر رژیم و حمایت حداکثری از مردم ایران از ارزش‌ها و منافع آمریکا دفاع نکند، مسئولیت اخلاقی انفعال خود را در برابر خشونت‌های حکومتی از این قبیل موارد بر عهده خواهد داشت.»

● «در هفته‌های اخیر، رژیم ایران دست به کشتار زده است. با این حال، اعدام‌های اخیر با بی‌تفاوتی بسیاری در غرب مرتبط است، از جمله دولت بایدن، که از پاسخگو کردن رژیم ایران خودداری می‌کند.»

● «زمانی بود که «USAdarFarsi» و دیگر حساب‌های دولت آمریکا جنایات رژیم را به شدت محکوم می‌کردند. در دولت فعلی، این اکانت‌ها مبلغ حجاب شده‌اند.»

اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (نوفدی) در بیانیه‌ای که نهم ماه مه (۱۹ اردیبهشت) منتشر شد با محکوم کردن اعدام یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی به اتهام «سب النبی» و «ارتداد» از انفعال دولت جو بایدن در مقابل «اقدامات خشونت‌بار» رژیم ایران انتقاد کرده است.

در این بیانیه تأکید شده تا وقتی که دولت بایدن مسیر خود را تغییر ندهد تا در کنار مردم ایران بایستد و با اعمال فشار حداکثری بر رژیم و حمایت حداکثری از مردم ایران از ارزش‌ها و منافع آمریکا دفاع نکند، مسئولیت اخلاقی این انفعال خود را در برابر خشونت‌های حکومتی بر عهده خواهد داشت.

متن کامل این بیانیه به این شرح است:

نایدو در حقیقت وجود او انکار شده، غیر از حمل مواد مخدر و یا سوخت‌بری، چه راه دیگری برای گذاشتن تکه نانی بر سفره خانواده دارد؟! بگذریم از اینکه کم نیستند سوخت‌برانی که در جاده‌ها با شلیک نیروهای انتظامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به صورت فراقانونی به قتل رسیده و درواقع اعدام می‌شوند.

افزایش مخالفت با احکام قصاص

در سال گذشته میلادی بیشترین اعدام‌ها با احکام قصاص صورت گرفت. ۲۸۸ نفر، برابر با ۴۹ درصد کل اعدام‌ها در سال ۲۰۲۲، با حکم قصاص صورت گرفته است. حکم قرون وسطایی قصاص که در ادبیات بین‌المللی از آن با عنوان «چشم در مقابل چشم» یاد می‌شود به گفته مهاتما گاندی می‌تواند به کور شدن کل جامعه بیانجامد! هر فرد که اعدام شود، خانواده‌ای را به شمار کسانی می‌افزاید که برای خود حق انتقام قائل هستند و به این ترتیب چرخه خشونت و انتقام را شدت و شتاب می‌بخشد. قوانین جزایی در جمهوری اسلامی برخلاف بسیاری از کشورها بین قتل عمد و غیرعمد تمایزی قائل نشده و در نتیجه برای هر قتل حکم قصاص صادر می‌شود. یک تغییر کوچک در قوانین می‌تواند شمار احکام قصاص را به صورت قابل توجهی کاهش دهد. البته در جامعه کم نیستند کسانی که به عنوان اولیای دم از حق قصاص خود صرف نظر می‌کنند و حاضر نیستند ردای قاتل را به تن کنند و چهارپایه از زیر پیکر فرد دیگری، اگرچه مجرم و گناهکار، بکشند. در سال گذشته میلادی در مقابل ۲۸۸ حکم قصاصی که به اجرا گذاشته شد، در ۶۲۴ مورد دیگر، اولیای دم از این حق صرف نظر کردند و از کشتن قاتل عزیزشان سر باز زدند.

هزینه سیاسی اعدام‌ها را باید افزایش داد

تا زمانی که نظام کنونی بر سر کار باشد، لغو مجازات اعدام، که با پنهان شدن پشت احکام دینی توجیه می‌شود، امکانپذیر نیست. البته باید افزود که در جمهوری اسلامی استفاده از کلمه حقوقی «مجازات» برای اعدام نیز نادرست است چراکه آنچه شاهدیم در عمل چیزی جز جنایت و قتل عمد دولتی نیست. دادگاه‌های نمایشی بدون حضور وکلای مدافع انتخابی و بر مبنای اعترافات که در عمده موارد زیر شکنجه اخذ شده‌اند، نشانی از عدالت و دادگستری ندارند که بتوان از رای آنها با عنوان حکم و «مجازات» نام برد. در بسیاری موارد احکام این دادگاه‌ها قبل از برگزاری اولین جلسه صادر شده و جلسات آنها تنها جنبه نمایشی و تبلیغاتی دارد. در چنین شرایطی تنها با بالا بردن هزینه سیاسی برای حکومت می‌توان اعدام‌ها را کاهش داد.

تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که جامعه بین‌المللی با فشارهای جدی می‌تواند جمهوری اسلامی را وادار به عقب‌نشینی کند. عدم صدور و اجرای احکام قرون وسطایی سنگسار، نمونه موفق این سیاست و فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی است، وگرنه آنها هنوز هم چنین احکامی را صادر و اجرا می‌کردند. متأسفانه جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر توانسته است با برنامه هسته‌ای خود غرب را گروگان بگیرد و وادار به سکوت کند. ما شاهد سکوت جوامع غربی در قبال افزایش احکام اعدام هستیم. البته گاهی، مانند اعدام امسال دو شهروند دوتابعیتی (علیرضا اکبری شهروند ایرانی- بریتانیایی/ اعدام در ژانویه و فرج‌الله حبیب جعب شهروند ایرانی- سوئدی/ اعدام در مه ۲۰۲۳) ما شاهد اعتراض‌های جدی‌تری بودیم، در حالی که غرب در مقابل اعدام‌های بی‌رویه و فله‌ای بلوچ‌ها در ماه‌های اخیر و حتی احکام اعدام برای معترضین و مخالفان جمهوری اسلامی هم از صدور یک بیانیه فراتر نرفت.

احمد رأفت

مراسم تاجگذاری اعلیحضرت چارلز سوم پادشاه بریتانیا برگزار شد: خداوند نگهدار پادشاه باشد



شاهزاده ویلیام ولیعهد بریتانیا و همسرش کیت و فرزندان



چارلز سوم پادشاه بریتانیا در مراسم تاجگذاری / ۶ ماه مه ۲۰۲۳

همسرش کیت و فرزندان همگی در این مراسم حضور داشتند اما برادر کوچکتر وی، شاهزاده هری، که با خانواده اختلاف دارد، به تنهایی در مراسم حضور یافت. همسرش مگان و فرزندانشان در کالیفرنیا ماندند و به این مراسم نرفتند.

مردم از گوشه و کنار بریتانیا به خیابان‌های لندن سرازیر شده بودند تا بتوانند پادشاه و ملکه را از فاصله‌ای نزدیک‌تر ببینند.

پس از مراسم تاجگذاری پادشاه و ملکه در «صفوف پادشاهی» و با کالسکه، به کاخ باکینگهام بازگشتند. سایر اعضای خانواده سلطنتی نیز در این مسیر به آنان ملحق شدند.

جو بایدن در توثیقی ضمن تبریک به پادشاه بریتانیا نوشت: «تاجگذاری را به پادشاه چارلز سوم و ملکه کامیلا تبریک می‌گویم. دوستی پایدار بین ایالات متحده و بریتانیا سرچشمه قدرت برای ملت‌های ما است.»

آنچه در این مراسم جلب توجه می‌کرد شمار زیادی از سران کشورهای عربی خلیج فارس بود که به تاجگذاری چارلز سوم دعوت شده بودند.

برخی رسانه‌ها تأکید کردند این مراسم پرخرج در شرایطی برگزار شده که بسیاری از مردم انگلیس برای تأمین هزینه زندگی دچار مشکل هستند. البته برخی هم در برابر ایرادی که به هزینه‌ی این مراسم گرفته می‌شود، عنوان می‌کنند که هزینه‌های برگزاری هر چهار یا پنج سال مراسم انتخابات ریاست جمهوری در نهایت به مراتب بیشتر از یکبار تاجگذاری است!

گفتنی است که در میان جمعیت عظیمی که برای نزدیک بودن به برگزاری این مراسم و همچنین تماشای پادشاه و ملکه انگلیس در مسیر حرکت آنها از محل تاجگذاری به سوی کاخ باکینگهام جمع شده بودند چند پرچم ملی شیروخورشیدنشان ایران به اهتزاز درآمده بود که همراه آنها عکس‌هایی از شاه فقید و شهبانو و شاهزاده رضا پهلوی نیز دیده می‌شد.

ریشی سوناک نخست‌وزیر بریتانیا روز تاجگذاری را «یک لحظه‌ی خارق‌العاده از غرور ملی» و نمایش روشن از شخصیت مدرن بریتانیا توصیف کرد.



اهتزاز پرچم شیر و خورشید ایران در مراسم تاجگذاری پادشاه چارلز سوم

آسوشیتدپرس در گزارشی نوشت پادشاه همچنان رئیس دولت بریتانیا و نماد هویت ملی است و اعلیحضرت چارلز سوم باید برای متحد کردن یک ملت چندفرهنگی و انسجام نهاد سلطنت در زمانی که حمایت از آن به ویژه در میان جوانان رو به کاهش است، تلاش کند.

گروه ضد پادشاهی «جمهوری» اعلام کرد که شش تن از اعضای آنها، از جمله مدیر اجرایی این گروه، هنگام پیوستن به تظاهرات ضدسلطنتی دستگیر شده‌اند. وارث تاج و تخت پادشاهی بریتانیا، شاهزاده ویلیام،

بیش از دو هزار مهمان از سراسر دنیا از جمله رهبران کشورهای مختلف، اعضای خانواده‌های اشراف و افراد سرشناس در این مراسم حضور داشتند.

جو بایدن به پیروی از سایر رؤسای جمهوری آمریکا که در مراسم تاجگذاری پادشاه بریتانیا شرکت نمی‌کنند به این مراسم نرفت اما همسر وی جیل بایدن بانوی اول ایالات متحده در مراسم تاجگذاری حضور یافت.

هیچکدام از مقامات یا نمایندگان از روسیه، بلاروس، جمهوری اسلامی، میانمار، سوریه، افغانستان و ونزوئلا به این مراسم دعوت نشده بودند.

آنچه در این مراسم جلب توجه می‌کرد شمار زیادی از سران کشورهای عربی خلیج فارس بود که به تاجگذاری چارلز سوم دعوت شده بودند.

چارلز سوم پادشاه بریتانیا روز شنبه ششم ماه مه ۲۰۲۳ (۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۲) در کلیسای «وست مینستر» لندن به عنوان چهلیمین پادشاه این کشور تاجگذاری کرد.

در گزارش‌ها آمده است که بیش از دو هزار مهمان از سراسر دنیا از جمله رهبران کشورهای مختلف، اعضای خانواده‌های اشراف و افراد سرشناس در این مراسم حضور داشتند. جو بایدن به پیروی از سایر رؤسای جمهوری آمریکا که در مراسم تاجگذاری پادشاه بریتانیا شرکت نمی‌کنند به این مراسم نرفت اما همسر وی جیل بایدن بانوی اول ایالات متحده در مراسم تاجگذاری حضور یافت.

هیچکدام از مقامات یا نمایندگان از روسیه، بلاروس، جمهوری اسلامی، میانمار، سوریه، افغانستان و ونزوئلا به این مراسم دعوت نشده بودند.

تاج پادشاهی توسط جاستین ولبی اسقف اعظم کلیسای کانتبری بر سر چارلز سوم گذاشته شد. اسقف اعظم کانتبری، شاهزاده ویلیام ولیعهد بریتانیا و مدعوین در این مراسم سوگند وفاداری به پادشاه یاد کرده و بعد از تاجگذاری حضار یکصدا فریاد زدند: خداوند نگهدار پادشاه باشد.

رای تمام نمایندگان پارلمان سوئد به طرح قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی



نیروهای مسلح در اهواز در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۹۷ بود. نوربرت روتگن نماینده پارلمان آلمان و عضو کمیسیون سیاست خارجی این پارلمان در توییتی نوشت: «به همکارانم در سوئد تبریک می‌گویم. شرم‌آور است که فراکسیون‌های حاکم در مجلس آلمان، آمادگی پیشبرد یک ابتکار فراجحیی را ندارند تا صریح و روشن از قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تروریستی دفاع کنند.»

مخالفان و منتقدان این درخواست مطرح می‌کنند که برای تروریستی اعلام کردن سپاه توسط اتحادیه اروپا موانع مختلف حقوقی وجود دارد از جمله جوبز بولر مسئول سیاست خارجی این اتحادیه گفته بود برای این کار حکم دادگاه یکی از کشورهای عضو اتحادیه ضروری است. برخی دیگر بر پیامدهای سیاسی و اقتصادی این اقدام تأکید می‌کنند. شاهزاده رضا پهلوی در جریان سفر به اسرائیل و ایتالیا و پیشتر از آن در سفر به کانادا و همچنین تور اروپایی خود در مونیخ، لندن و بروکسل تأکید کرد که تحریم‌های تازه علیه وابستگان سپاه پاسداران اقدامی مثبت اما ناکافی است و اقدام ضروری و مؤثر، قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا، انگلیس، کانادا و سایر کشورهای همسو است که می‌خواهند از مبارزات مردم ایران برای دموکراسی و علیه جمهوری اسلامی پشتیبانی کنند. در همین ارتباط، علیرضا آخوندی نماینده ایرانی تبار پارلمان سوئد، چندی پیش در اینستاگرام و توییت خود نوشته بود که «پرونده شکایت» علیه سپاه پاسداران و حسین سلامی در پلیس سوئد با عنوان «جنایت علیه بشریت» باز شده است. آخوندی اعلام کرده بود که «دادخواهان و شاکیان دیگر مقیم سوئد نیز می‌توانند در تکمیل این پرونده به این شکایت بپیوندند.»

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حال حاضر در فهرست تروریستی ایالات متحده آمریکا قرار دارد. پارلمان اروپا نیز در ژانویه ۲۰۲۳ بر رأی قاطع قطعنامه‌ای را تصویب کرد که بر اساس آن از دولت‌های اتحادیه اروپا خواسته شده تا سپاه پاسداران را در لیست تروریستی این اتحادیه قرار دهند.

اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، رای مثبت دهد تاریخ را نوشتیم. این اقدام نتیجه تلاش‌هایی سخت بود. برای تمامی حمایت‌های شما متشکرم. اکنون ما به مبارزه



نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از برگزاری راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن» حوالی میدان «آزادی» (شهید) / ۲۲ بهمن ۱۴۰۱

برای متوقف کردن ظلم در ایران و رسیدن مردم به حق اساسی آزادی ادامه خواهیم داد.»

چارلی وایمرز نماینده حزب دموکرات‌های سوئد در پارلمان اروپا نیز در توییتی به تصویب طرح قرارگرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی واکنش نشان داد نوشت «به تلاش‌های حزبیم در استکهلم افتخار می‌کنم.»

این طرح چهار روز بعد از اعدام حبیب اسیدو شهروند ایرانی- سوئدی تصویب شد. اتهامی که به وی نسبت داده شد، «افساد فی‌الارض» از طریق طراحی حمله به رژه

هیچکدام از هشت حزب چپ و راست حاضر در پارلمان سوئد که متشکل از ۳۴۹ نماینده است با این طرح مخالفت نکردند. سوئد در حال حاضر ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را بر عهده دارد.

● مارکوس ویکل نماینده پارلمان سوئد در توییتی نوشت: «امروز زمانی که پارلمان سوئد به اتفاق آرا تصمیم گرفت به پیشنهاد من مبنی بر تروریستی بودن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، رای مثبت دهد تاریخ را نوشتیم. این اقدام نتیجه تلاش‌هایی سخت بود. برای تمامی حمایت‌های شما متشکرم. اکنون ما به مبارزه برای متوقف کردن ظلم در ایران و رسیدن مردم به حق اساسی آزادی ادامه خواهیم داد.»

● چارلی وایمرز نماینده حزب دموکرات‌های سوئد در پارلمان اروپا نیز در توییتی به تصویب طرح قرارگرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی واکنش نشان داد نوشت «به تلاش‌های حزبیم در استکهلم افتخار می‌کنم.»

● این طرح چهار روز بعد از اعدام حبیب اسیدو شهروند ایرانی- سوئدی تصویب شد. اتهامی که به وی نسبت داده شد، «افساد فی‌الارض» از طریق طراحی حمله به رژه نیروهای مسلح در اهواز در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۹۷ بود.

نمایندگان پارلمان سوئد که در حال حاضر ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را بر عهده دارد روز چهارشنبه ۱۰ ماه مه (۲۰ اردیبهشت) طرح کمیته روابط خارجی این کشور برای قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی را تصویب کردند. بر اساس این طرح دولت سوئد موظف می‌شود تلاش کند تا نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تروریستی اتحادیه اروپا قرار گیرد.

هیچکدام از هشت حزب چپ و راست حاضر در پارلمان سوئد که متشکل از ۳۴۹ نماینده است با این طرح مخالفت نکردند. مارکوس ویکل نماینده پارلمان سوئد در توییتی نوشت: «امروز زمانی که پارلمان سوئد به اتفاق آرا تصمیم گرفت به پیشنهاد من مبنی بر تروریستی بودن سپاه پاسداران انقلاب

روزنامه «نیویورک پست»: رضا پهلوی ولیعهد ایران مثل یک دولتمرد عمل می‌کند



گیلا گاملیل و شاهزاده رضا پهلوی در محل یادبود قربانیان هولوکاست / ۱۷ فروردین ۱۴۰۲

رو به رشد نافرمانی مدنی به رهبری جوانان ایرانی، به ویژه زنان، مقابله کرده است.

اعتراضات کنونی در ایران یکی از سلسله قیام‌های طولانی است که از دسامبر ۲۰۱۷ (دی ۹۶) آغاز شده، زمانی که ایرانیان با صراحت جمهوری اسلامی را اصلاح‌ناپذیر اعلام کرده و خواهان پایان آن و جایگزینی با یک نظام دموکراسی سکولار شدند.

پهلوی وارث یک سلسله ۵۴ ساله است که - اگرچه سرنگون شد - اما به عقیده بسیاری، ایران را مدرن کرده است.

با وجود اینکه رژیم جمهوری اسلامی تحمل مخالفان را ندارد، ولی علاقه به خانواده سلطنتی در ایران هرگز از بین نرفت. در تظاهرات سال ۲۰۱۷ برای اولین بار بود که ایرانیان این احساسات خود را نسبت به دوران پهلوی بطور علنی ابراز کردند و حتا برخی از تظاهرکنندگان خواستار رهبری شاهزاده رضا پهلوی شدند.

شعاریایی مانند «رضا شاه، روح شاد» - که در ادای احترام به پدربزرگ رضا پهلوی، بنیانگذار ایران مدرن سر داده می‌شود - به شعار اصلی علیه رهبری فعلی جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

رشد محبوبیت پهلوی به احتمال زیاد ادامه خواهد داشت آنهم به این دلیل که بسیاری از ایرانیان به هدف وی برای تحقق یک دموکراسی سکولار بجای حکومت آخوندها امیدوار هستند.

رضا پهلوی همچنین توانایی عجیبی در برقراری ارتباط با مردم عادی دارد که می‌تواند موجب رشک سیاستمداران و خانواده‌های سلطنتی باشد. در دورانی که ایرانیان از بی‌اعتمادی ناشی از چهار دهه تفرقه‌افکنی توسط حکومت اسلامی رنج می‌برند، با ارزش‌ترین دارایی شاهزاده، اعتمادی است که در میان هموطنان خود به دست آورده است. شاید مهم‌تر از همه اینکه پهلوی توانسته شکاف بین طرفداران پادشاهی مشروطه و جمهوری را از بین ببرد.

با اینهمه رضا پهلوی اصرار دارد که سرنوشت ایران ←

مقطع فعلی ولیعهد ایران اگرچه مقام رسمی ندارد اما به مثابه یک دولتمرد در همه جا حضور دارد.

ماه گذشته پسر ۶۲ ساله شاه فقید ایران به همراه همسرش بانو یاسمین به اسرائیل سفر کرد. زمانی که پهلوی در آنجا بود و با اسحاق هرتزوغ رئیس جمهوری اسرائیل دیدار کرد، ایرانی‌های اسرائیلی که پس از تسلط اسلامگرایان بر ایران در سال ۱۹۷۹ مجبور به ترک وطن شدند از او با عنوان «ولیعهد» و «وارث پادشاهی» نام بردند.

پیش از این سفر تاریخی به اسرائیل، او در اواخر بهمن‌ماه دیدارهایی با فعالان ایرانی خارج کشور و رهبران اروپایی در «کنفرانس امنیتی مونیخ» داشت. رویدادی که معمولاً با حضور مقامات جمهوری اسلامی مانند محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین برگزار می‌شد.

پهلوی همچنین در اوایل اسفندماه در پارلمان بریتانیا درباره آینده ایران صحبت کرد و اندکی پس از آن در اتحادیه آکسفورد سخنرانی نمود و در آنجا مورد استقبال هزاران نفر از هواداران قرار گرفت.

شاهزاده پهلوی سپس در پارلمان اتحادیه اروپا در بروکسل حاضر شد و از نمایندگان خواست تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد.

اگرچه ممکن است حضور شاهزاده به این گستردگی در صحنه بین‌المللی تا زگی داشته باشد، اما محبوبیت او در ایران چیز جدیدی نیست. سال‌هاست که ایرانیان نه تنها عشق خود به پهلوی را در خیابان‌های کشور فریاد می‌زنند، بلکه فریاد بازگشت او به وطن را سر می‌دهند.

حمایت مردمی در صحنه و نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد که پهلوی چهره اصلی مخالف جمهوری اسلامی است. افزایش محبوبیت و صعود پهلوی در صحنه جهانی در چنین برهه‌ای از تاریخ ایران اتفاق می‌افتد.

جمهوری اسلامی پس از مرگ مهسا امینی ۲۲ ساله در سپتامبر گذشته به دلیل «کم‌حجابی» با خیزش مردمی روبرو شده است. از آن زمان، رژیم با تظاهرات گسترده و کارزار

علیرضا نادر پژوهشگر ارشد بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) و مدیر «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) با نگاهی به سفرهای بین‌المللی و دیدارهای شاهزاده رضا پهلوی با مقامات و سیاستمداران خارجی می‌نویسد در مقطع فعلی ولیعهد ایران اگرچه مقام رسمی ندارد اما به مثابه یک دولتمرد در همه جا حضور دارد.

اگرچه ممکن است حضور شاهزاده به این گستردگی در صحنه بین‌المللی تا زگی داشته باشد، اما محبوبیت او در ایران چیز جدیدی نیست. سال‌هاست که ایرانیان نه تنها عشق خود به پهلوی را در خیابان‌های کشور فریاد می‌زنند، بلکه فریاد بازگشت او به وطن را سر می‌دهند.

با وجود اینکه رژیم جمهوری اسلامی تحمل مخالفان را ندارد، ولی علاقه به خانواده سلطنتی در ایران هرگز از بین نرفت. شعاریایی مانند «رضا شاه، روح شاد» - که در ادای احترام به پدربزرگ رضا پهلوی، بنیانگذار ایران مدرن سر داده می‌شود - به شعار اصلی علیه رهبری فعلی جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

در دورانی که ایرانیان از بی‌اعتمادی ناشی از چهار دهه تفرقه‌افکنی توسط حکومت اسلامی رنج می‌برند، با ارزش‌ترین دارایی شاهزاده، اعتمادی است که در میان هموطنان خود به دست آورده است. شاید مهم‌تر از همه اینکه پهلوی توانسته شکاف بین طرفداران پادشاهی مشروطه و جمهوری را از بین ببرد.

اگرچه جامعه جهانی به محبوبیت مردمی و اعتبار دموکراتیک پهلوی توجه دارد اما اورشلیم با سفر پهلوی‌ها به اسرائیل در ابعاد یک سفر رسمی - که با دیدار با نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو تکمیل شد - بزرگترین آینده‌اندیشی را از خود نشان داده است.

در این میان، واشنگتن نه تنها امیدوار است که توافق اتمی ناکام ۲۰۱۵ را احیا کند، بلکه بطور کامل پهلوی و رشد جایگاه بین‌المللی رو به رشد او را نادیده گرفته است. در حالی که رژیم جمهوری اسلامی از احیای این قرارداد سود زیادی می‌برد و ده‌ها میلیارد دلار دارایی مسدود شده را برای تهران تأمین می‌کند. چنین بودجه‌هایی اما تنها باعث تقویت بیشتر رژیم می‌شود و تعداد بیشتری از مردم ایران را به خاک و خون خواهد کشید و در عین حال بیش از پیش امنیت منطقه‌ای و جهان را تهدید خواهد کرد.

به نظر می‌رسد این مسئله برای دولت بایدن که جنبش آزادخواهانه ایران را انحراف از برجام ارزیابی می‌کند و نه فرصتی برای تقویت منافع امنیت ملی ایالات متحده، آزاردهنده است! در هر حال، چنانکه پیداست با یا بدون حمایت ایالات متحده، مردم ایران مصمم‌اند رهبری کنونی خود را در حال آماده ساختن برای عبور از شرایط موجود ببینند. هدفی که اکنون نزدیکتر از هر زمان دیگری در تاریخ کنونی ایران در چشم‌انداز است.

روزنامه آمریکایی «نیویورک پست» در مقاله‌ای از علیرضا نادر پژوهشگر ارشد بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) و مدیر «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) با نگاهی به سفرهای بین‌المللی و دیدارهای شاهزاده رضا پهلوی با مقامات و سیاستمداران خارجی می‌نویسد در

روزنامه «تایمز»: سپاه قدس به دنبال ایجاد مکانیسم هماهنگ علیه اسرائیل است

به راه انداخته است. به ویژه آنکه اخیراً حملات ارتش اسرائیل به مواضع سپاه در سوریه رو به افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده، تلفات سپاه قدس در سوریه رو به افزایش است و بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل روابط بسیار نزدیکی با شاهزاده رضا پهلوی چهره شاخص و مخالف همیشگی جمهوری اسلامی برقرار کرده است. در دو هفته اخیر دو عضو سپاه قدس در کرانه باختری توسط دستگاه‌های امنیتی اسرائیل بازداشت شدند. در چنین شرایطی حکومت ایران به دنبال انتقام از اسرائیل است. ضمن اینکه آنها اسرائیل را یکی از اصلی‌ترین حامیان تظاهرات ضدحکومتی در ایران می‌دانند.

در همین ارتباط روزنامه «تایمز» به نقل از منابع منطقه‌ای روز پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت گزارش داد جمهوری اسلامی برای ایجاد یک «پیمان دفاعی» تلاش می‌کند تا گروه‌های شبه‌نظامی را در سراسر خاورمیانه برای اقدام هماهنگ از جمله پرتاب موشک علیه اسرائیل گرد بیاورد.

این سازمان‌ها شامل شبه‌نظامیان حزب‌الله و جنبش‌های فلسطینی حماس و جهاد اسلامی (PIJ) می‌شوند که همه آنها سال‌ها توسط رژیم ایران تأمین مالی شده‌اند اما بطور جداگانه فعالیت می‌کنند.

در حال حاضر، رهبران سیاسی حماس در غزه با این اقدام



جمهوری اسلامی و رژیم سوریه چند توافق همکاری در زمینه‌های اقتصادی و نظامی امضاء کردند

مخالف هستند. اما این سه سازمان سه هفته پیش بعد از درگیری بین نیروهای امنیتی اسرائیل و فلسطینیان در اورشلیم، در یکسری حملات موشکی از غزه، لبنان و سوریه به اسرائیل دست داشتند. حملات موشکی از غزه پس از مرگ خضر عدنان از چریک‌های فلسطینی به دلیل اعتصاب غذا آغاز شد. وی به جرم اقدام علیه امنیت اسرائیل زندانی شده بود که دست به اعتصاب غذا زد و در بیمارستان جان خود را از دست داد.

نهادهای اطلاعاتی غرب و منابع دیگر می‌گویند که نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در تلاش برای ایجاد مکانیسمی علیه اسرائیل است تا دست به اقدام هماهنگ بزند.

● ابراهیم رئیسی در جریان سفر به دمشق با شماری از رهبران و فرماندهان گروه‌های شبه‌نظامی فلسطینی دیدار کرد.

● نهادهای اطلاعاتی غرب و منابع دیگر می‌گویند که نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در تلاش برای ایجاد مکانیسمی علیه اسرائیل است تا دست به اقدام هماهنگ بزند.

● روزنامه «تایمز» به نقل از منابع منطقه‌ای روز پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت گزارش داد جمهوری اسلامی برای ایجاد یک «پیمان دفاعی» تلاش می‌کند تا گروه‌های شبه‌نظامی را در سراسر خاورمیانه برای اقدام هماهنگ از جمله پرتاب موشک علیه اسرائیل گرد بیاورد.

● اسماعیل قاتانی فرمانده «سپاه قدس» در نشست با حضور شماری از آخوندها گفت: «امروز به حول قوه الهی و به برکت حرکت جمهوری اسلامی و رشد فرزندان اسلام در زیر سایه فرهنگ مقاومت، بعضی از روزها بیش از ۳۰ عملیات در کرانه باختری انجام می‌شود که رسانه‌های آنان تلاش بر عدم بیان آن دارند».

● حکومت ایران به دنبال انتقام از اسرائیل است. ضمن اینکه آنها اسرائیل را یکی از اصلی‌ترین حامیان تظاهرات ضدحکومتی در ایران می‌دانند.

ابراهیم رئیسی در حاشیه سفر به دمشق پس از دیدار با بشار اسد رئیس جمهوری سوریه با شماری از رهبران و فرماندهان گروه‌های فلسطینی دیدار کرد و گفت «اضمحلال رژیم صهیونیستی را بسیار نزدیک می‌دانیم.» وی با تشویق گروه‌های مسلح برای اقدام علیه اسرائیل تأکید کرد «ابتکار عمل امروز دست مجاهدین و مبارزین فلسطینی در میدان است، نه پشت میزهای مذاکره.» رئیسی در دیدار با فیصل مقداد وزیر خارجه رژیم اسد نیز گفت «جریان مقاومت در فلسطین رژیم صهیونیستی را زمینگیر کرده است.»

مقامات ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز بعد از موشک‌پرانی اخیر به اسرائیل و همچنین چند رشته عملیات انتحاری علیه شهروندان اسرائیلی از جمله زیر گرفتن رهگذران به صراحت اعلام کردند که جمهوری اسلامی پشت این حملات بود.

اسماعیل قاتانی فرمانده «سپاه قدس» ۱۴ اردیبهشت در نشست با حضور شماری از آخوندها گفت: «اسرائیل در حال حاضر به نقطه‌ای از ذلت رسیده که دور تا دور خود را سیم و رادار قرار داده تا کسی وارد حریم او نشود.»

وی تأکید کرد: «امروز به حول قوه الهی و به برکت حرکت جمهوری اسلامی و رشد فرزندان اسلام در زیر سایه فرهنگ مقاومت، بعضی از روزها بیش از ۳۰ عملیات در کرانه باختری انجام می‌شود که رسانه‌های آنان تلاش بر عدم بیان آن دارند.» عباس نیلروشان معاون عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز که به دلیل نقض حقوق بشر و دخالت در سرکوب معترضان در فهرست تحریم‌ها قرار دارد مدعی شده «آزادسازی قدس بسیار نزدیک است و این وعده الهی به زودی محقق خواهد شد.»

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی کارزاری تازه علیه اسرائیل

باید توسط خود مردم در یک همه‌پرسی تحت نظارت بین‌المللی بعد از این رژیم تعیین شود. پهلوی براساس تئوری‌های مقاومت مدنی گاندی و نلسون ماندلا، از ایرانیان خواسته است که بدون خشونت در برابر رژیم مقاومت کنند تا از خونریزی‌هایی که در کشورهای همسایه مانند سوریه شاهد هستیم، اجتناب شود. وی که به خوبی از هرج و مرج پس از سرنگونی صدام حسین در عراق همسایه آگاه است، از تلاش‌های «آشتی ملی» برای بازگرداندن بدنه و رده‌های میانی دستگاه آیت‌الله‌ها به جامعه‌ای پس از گذار حمایت کرده و می‌کند. پهلوی با صراحت می‌خواهد از اشتباهات (و خشونت) بعضی‌زادایی و انحلال ارتش صدام در عراق اجتناب کند.

اگرچه جامعه جهانی به محبوبیت مردمی و اعتبار دموکراتیک پهلوی توجه دارد اما اورشلیم با سفر پهلوی‌ها به اسرائیل در ابعاد یک سفر رسمی- که با دیدار با نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو تکمیل شد- بزرگترین آینده‌اندیشی را از خود نشان داده است.

به رسمیت شناختن اهمیت پهلوی توسط دولت اسرائیل نباید تعجب‌آور باشد. اورشلیم که زمانی متحد سرسخت ایران قبل از سال ۱۹۷۹ بود، درک دقیقی از وضعیت داخلی ایران دارد، آنهم در حالی که موساد موفق شده است با کارآیی مگر با به سرویس‌های امنیتی رژیم نفوذ کند.

مهم‌تر از همه، رهبران اسرائیل بر این باورند که سرنگونی رژیم تنها راه مطمئن برای توقف تهدید موجودیت ناشی از برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است. متأسفانه، به نظر می‌رسد دولت بایدن احساس دیگری دارد. واشنگتن نه تنها امیدوار است که توافق اقی ناکام ۲۰۱۵ را احیا کند، بلکه بطور کامل پهلوی و رشد جایگاه بین‌المللی رو به رشد او را نادیده گرفته است.

البته رژیم جمهوری اسلامی از احیای این قرارداد سود زیادی می‌برد و ده‌ها میلیارد دلار دارایی مسدود شده را برای تهران تأمین می‌کند. چنین بوجه‌هایی اما تنها باعث تقویت بیشتر رژیم می‌شود و تعداد بیشتری از مردم ایران را به خاک و خون خواهد کشید و در عین حال بیش از پیش امنیت منطقه‌ای و جهان را تهدید خواهد کرد. با وجود این، به نظر می‌رسد این مسئله برای دولت بایدن که جنبش آزادیخواهانه ایران را انحراف از برجام ارزیابی می‌کند و نه فرصتی برای تقویت منافع امنیت ملی ایالات متحده، آزاردهنده است!

در هر حال، چنانکه پیداست با یا بدون حمایت ایالات متحده، مردم ایران مصمم‌اند رهبری کنونی خود را در حال آماده ساختن برای عبور از شرایط موجود ببینند. اگرچه نقش آتی پهلوی در ایران هنوز مشخص نیست، اما اقدامات او نشان می‌دهد که این نقش پررنگ و سیاسی خواهد بود.

در چنین شرایطی تور جهانی ولیعهد احتمالاً ادامه خواهد یافت زیرا ایران همچنان ملت‌هت و ناآرام است و مردم به مبارزه خود برای دموکراسی ادامه می‌دهند. رضا پهلوی بارها تکرار کرده: «تنها مأموریت من در زندگی این است که روزی را ببینم که ایرانیان پای صندوق‌های رای بروند و سرنوشت خود را تعیین کنند.»

آن روز اکنون نزدیکتر از هر زمان دیگری در تاریخ کنونی ایران به نظر می‌رسد.

*منبع: روزنامه نیویورک پست

*نویسنده: علیرضا نادر مدیر «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی)

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

اقدام قرون وسطایی جمهوری اسلامی؛ یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی زارع اعدام شدند



یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی

۱۵ فروردین ۱۳۴۷ این میثاق را امضا و در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ از تصویب گذراند و به این ترتیب به آن اعتبار قانونی بخشیده و خود را به آن متعهد ساخته است.

گزارش‌ها حاکی از آنست که این شهروندان عضو هیچ گروه و حزب سیاسی نبوده و به گفته برخی منابع در شبکه‌های اجتماعی تمایلات پادشاهی‌خواهانه داشته‌اند. یوسف مهرداد متأهل و پدر سه کودک خردسال و سرپرست خانوار است. سید صدرالله فاضلی زارع هم کابینت‌ساز بوده و سرپرست مادر سالمندش است.

«دادبان» در رابطه با جزئیات پرونده این دو زندانی عقیدتی نوشت که تنها استاد پرونده علیه یوسف مهرداد، «اقرار ضمنی» است که بر اساس قانون، مستند کافی برای اثبات اتهام «سب‌النبی» نیست.

پیشتر محمد آرمان، وکیل یوسف مهرداد، به وسایت «امتداد» گفته بود که «موکلش سابقه سال‌ها فعالیت مذهبی دارد».

بر اساس گزارش‌ها تنها مستند علیه صدرالله فاضلی نیز عضویت در یک کانال تلگرامی است که در آن مطالب مربوط به نقد خرافات مذهبی منتشر می‌شده است.

بر اساس ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی، «هر کس به پیامبر اسلام یا یکی از پیامبران عظام دشنام دهد یا به آنها توهین کند، سب‌النبی بوده و به مجازات اعدام محکوم می‌شود».

هفته گذشته انتشار خبر انتقال یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی و احتمال اجرای حکم اعدام آنها با واکنش‌های زیادی در شبکه‌های اجتماعی روبرو شد. شاهزاده رضا پهلوی در پیامی با ابراز نگرانی نسبت به اجرای حکم اعدام دو زندانی عقیدتی نوشت: «گزارش‌هایی نگران‌کننده در خصوص اجرای حکم اعدام دو زندانی عقیدتی در اراک طی ساعات آینده منتشر شده است. از همه مدافعان آزادی بیان در ایران و سراسر جهان می‌خواهم که برای نجات جان یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی زارع، و لغو حکم اعدام آنها به جمهوری اسلامی فشار بیاورند. اجازه ندهید که این رژیم خونخوار، جان دو انسان دیگر را تنها به دلیل ابراز باور و عقیده بگیرد.»

شاهین نجفی هژمند و فعال سیاسی مشروطه‌خواه نیز در توثیتی نوشته که «حکومت بی‌آبروی جمهوری اسلامی حکم اعدام دو جوان را به اتهام توهین به «محمد» صادر کرده است. شرم تاریخ بر حاکمان ج.ا. که فرزندان ایران را اینگونه در راه مرام و مسلک ننگین‌شان قربانی می‌کنند.»

اصلی بوده و به صورت گسترده در زمینه اسلام‌ستیزی، ترویج خداناباوری و توهین به مقدسات فعالیت می‌کرده است.» صدرالله فاضلی زارع نیز که در یاسوج بازداشت شده بود از سوی خبرگزاری «میزان» به عنوان ترویج‌دهنده خداناباوری و توهین به مقدسات معرفی شده است. این خبرگزاری ادعا کرده که او «مدیریت ۲۰ گروه و کانال ضد دین و هتاک را بر عهده داشته و در آنها فعالیت می‌کرده است.»

خبرگزاری «میزان» همچنین تأکید کرده که «بر اساس رای صادره، صدرالله فاضلی زارع، به اتهام سب‌النبی، ارتداد فطری، کذب مادر پیامبر اکرم، استخفاف قرآن به وسیله سوزاندن، توهین به مقدسات و انتشار تصاویر خصوصی دیگران بدون رضایت و یوسف مهرداد به اتهام سب‌النبی و توهین به مقدسات دینی و اسلامی به اعدام محکوم شدند.»

در گزارش خبرگزاری قوه قضاییه ادعا شده که یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی زارع به اقدامات خود اقرار و اعتراف کرده و اتهامات وارده را پذیرفته‌اند. این در حالیست که پیشتر وکلای آنها از اعتراف اجباری این متهمان زیر فشار و شکنجه خبر داده بودند.

روز پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲ منابع حقوق بشری گزارش دادند که یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی زارع دو زندانی عقیدتی که پیشتر به اعدام محکوم شده بودند، به سلول انفرادی زندان اراک منتقل شده‌اند و احتمال اعدام آنها در این روزها وجود دارد.

این خبر موجی از واکنش در شبکه‌های اجتماعی ایجاد و همزمان اعضای خانواده و شماری از شهروندان مقابل زندان اراک تجمع کردند.

یک روز بعد حساب کاربری «دادبان» در توییتر که به معترضان مشاوره حقوقی می‌دهد اعلام کرد که «در پی انتشار خبری از سوی دادبان مبنی بر انتقال دو زندانی عقیدتی و به نام یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی با اتهام سب‌النبی به انفرادی برای اجرای حکم اعدام و واکنش گسترده شبکه‌های اجتماعی و حضور خانواده جلوی زندان، این دو از انفرادی به بند عمومی بازگردانده شده‌اند، اما همچنان...»

قتل حکومتی دو شهروند به دلیل نظرات و عقیده، اقدامی قرون وسطایی از سوی جمهوری اسلامی است که با میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی که ایران هم عضو آن است، در تضاد کامل قرار دارد. دولت ایران در تاریخ

● خبرگزاری قوه قضاییه مدعی شده یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی زارع «اسلام‌ستیز و هتاک به مقدسات مسلمانان جهان و ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی مردم ایران» بوده‌اند.

● خبرگزاری «میزان» همچنین ادعا کرده این دو شهروند به اقدامات خود اقرار و اعتراف کرده و اتهامات وارده را پذیرفته‌اند. اما پیشتر وکلای آنها از اعتراف اجباری این متهمان زیر فشار و شکنجه خبر داده بودند.

● گزارش‌ها حاکی از آنست که این شهروندان عضو هیچ گروه و حزب سیاسی نبوده و به گفته برخی منابع در شبکه‌های اجتماعی تمایلات پادشاهی‌خواهانه داشته‌اند.

یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی زارع بامداد امروز به اتهام «سب‌النبی» و «توهین به اسلام» اعدام شدند. هفته گذشته این دو جوان برای اجرای حکم به سلول انفرادی منتقل شده بودند اما با تجمع خانواده و شماری از شهروندان مقابل زندان و موج اعتراضی در شبکه‌های اجتماعی به بند عمومی برگردانده شدند.

خبرگزاری «میزان» مرکز رسانه قوه قضاییه صبح امروز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ از اجرای حکم اعدام ۲ نفر به جرم «هتاک به دین» و «مقدسات اسلامی» در بامداد امروز در زندان اراک خبر داد.

خبرگزاری «میزان» اعدام‌شدگان را یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی زارع معرفی کرده و نوشته که آنها ۲ مجرم «اسلام‌ستیز و هتاک به مقدسات مسلمانان جهان و ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی مردم ایران» بوده‌اند.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی مدعی شده است که این دو شهروند «از طریق فعالیت گسترده در فضای مجازی اقدام به توهین به دین مبین اسلام، شخصیت پیامبر اکرم و ائمه اطهار و نشر عمومی این توهین‌ها می‌کردند» و به دلیل «ارتکاب جرائم علنی نظیر سب‌النبی، اهانت و اتهام به مادر پیامبر اکرم، استخفاف قرآن به وسیله سوزاندن و توهین به مقدسات، به دار مجازات آویخته شدند.»

خبرگزاری «میزان» در ادامه گزارش نوشته یوسف مهرداد در اردیبهشت‌شناسایی و بازداشت شده و «مدیر و ایجادکننده یک گروه مجازی بسیار معروف در زمینه فعالیت‌های اسلام‌ستیزی و توهین‌های بی‌شمارانه به مقدسات دینی و اسلامی بوده است.»

در ادامه ادعاهای قوه قضاییه آمده که «یوسف مهرداد حداقل در ۱۵ گروه و کانال ضد دین، ادمین و گرداننده

در برابر سیل انتقادات، رئیس دانشگاه می‌گفت من هم سؤالاتی دارم که مطرح خواهم کرد ولی باز قابل تصور نبود که در همان آغاز نشست، پیش از آن که احمدی‌نژاد دهان به سخن بگشاید، آقای «لی‌بالینجر» او را به عنوان «دیکتاتور حقیر بی‌رحم» طرف خطاب قرار دهد.

سقراط زمانه را، میزبان ظاهراً مهربان، در همان «روند» اول با چنان ضربه‌ای گیج و ناتوان ساخت که تا پایان بازی توتلو می‌خورد و ابتکار عمل آشکارا از دستش خارج شده بود.

عاشقان سینه‌چاک احمدی‌نژاد در ایران از این برخورد به‌شدت خشمگین شده و هرچه از ناسزا در چننه داشته‌اند نثار آمریکا و آمریکائیان کرده‌اند. این واکنش، حق طبیعی آنهاست. اما همصدایی کسانی چون آیت‌الله رفسنجانی و حجت‌الاسلام خاتمی با حزب‌الله و ثارالله و انصارالله در مقام نوحه‌خوانی و اشک ریختن و غم برانگیختن برای مظلومیت احمدی‌نژاد، انسان را به خنده می‌اندازد.

حجت‌الاسلام کربوی، مؤلف این جنابان، پیش از آن که احمدی‌نژاد عازم نیویورک شود اظهار کرد که ای کاش ایشان به این سفر نرود چون سفرهای قبلی‌شان نتیجه مفیدی نداشت. به‌عبارت دیگر، می‌خواست بگوید ای کاش نرود و آبروبریزی تازه‌ای به بار نیاورد.

هر کس هم اندک عقلی در کله داشت می‌دانست که احمدی‌نژاد نه حرف تازه‌ای برای گفتن دارد و نه طرح تازه‌ای برای ارائه کردن و رهنابیدن مملکت از بحران موجود. پس این نوحه‌خوانی، در قبال یک سفر احماقانه و یک بازی مبتذل بچگانه چیست که آن را توهین به ملت ایران و مستلزم عزای عمومی قلمداد می‌کنند؟

رفسنجانی می‌گوید «برخورد غیر مؤدبانه آمریکاییها نسبت به مهمان‌شان برای من روشن کرد که ملت و دولت آمریکا با چنین برخوردی نمی‌توانند افتخار یک ملت متمدن را داشته باشند و این رفتار نشان از دستپاچگی و شکست روحی‌شان است.»

و خاتمی ناله می‌کند که «کار رئیس دانشگاه کلمبیا زشت و دور از شأن یک رئیس دانشگاه و توهین به ملت ایران بود.»

توهین به ملت ایران، نشان‌دهنده کسی با بضاعت مزجات محمود احمدی‌نژاد در مقام ریاست جمهوری است. توهین به ملت ایران، کسی را با این پایه از درک و شعور «سقراط زمانه» خواندن و فرستادن او به مجامع جهانی برای نمایندگی کشوری با سه هزار سال سابقه تمدن و فرهنگ است. می‌گویند چرا پیش از آن که احمدی‌نژاد چیزی بگوید رئیس دانشگاه آن حرف را زده است.

دروغگویی در مجلسی دهان باز کرد تا سخنی بگوید. یکی به‌صدای بلند گفت دروغ است. گفت من که هنوز چیزی نگفته‌ام. گفت بالاخره چیزی خواهی گفت!

آیت‌الله جنتی در خطبه نماز جمعه تهران ضمن تجلیل از سخنان احمدی‌نژاد در اجلاس عمومی سازمان ملل می‌گوید در تاریخ این سازمان اولین بار است که کسی پشت تریبون می‌رود و سخنان خود را با سلام و صلوات بر پیغمبر و ائمه طاهرین و آرزوی ظهور مهدی موعود آغاز و در لابلای این سخنان به آیات و احادیث استناد می‌کند.

باز این یک حرفی است. از یک حکومت مذهبی چه انتظار می‌توان داشت جز وعظه و وعده ظهور؟ اما این مأموریت را چرا باید احمدی‌نژاد تعهد کند که به‌قول خودش مهندس ترافیک است و نه واعظ منبری. بهتر نیست برای موعظه کردن و وعده بهشت و زینهار از خشم خدا و آتش جهنم دادن، یک روضه‌خوان حرفه‌ای را به مجمع عمومی سازمان ملل و مجامعی از این قبیل اعزام کنند؟



احمدی‌نژاد در دانشگاه کلمبیا-مهرماه ۱۳۸۶

زمانه راهی سفر ینگو دنیا شد تا دیالکتیک سقراطی خود را بر سؤفستائیان زمان بیازماید. نخستین رویایی در دانشگاه کلمبیا صورت گرفت. هر کس با اندک آشنایی به رفت و آمدهای دیپلماتیک می‌داند که دعوت شدن به دانشگاه کلمبیا مقدماتی داشته است. رئیس دانشگاه خوابنا نشده و وحی از آسمان نرسیده بود که وقتی محمود احمدی‌نژاد برای شرکت در اجلاس عمومی سازمان ملل متحد به نیویورک می‌رود فرصت را مغتنم شمارد و از وی برای سخنرانی دعوت کند. در دنیای امروز برای هر نوع بده و بستان، از بازرگانی تا سیاسی و فرهنگی، دلالاتی وجود دارند که پاشنه را ور می‌کشند و می‌روند و می‌آیند و پیغام می‌برند و پیغام می‌آورند تا معامله جوش بخورد. طرفین معامله نیز وقتی به توافق می‌رسند که منافعی در آن سراغ کنند. احمدی‌نژاد و اطرافیان او می‌پنداشتند همانطور که به سفرهای استانی می‌روند و در میدان شهر مردم جمع می‌شوند و تحت تأثیر کلام جاذب و سخنان دلنشین رئیس جمهوری محبوب، فریاد «یار امام خوش‌آمد» سر می‌دهند، سفر نیویورک هم فرصتی است برای مخاطب قرار دادن و دل ربودن از اهل جهان، برانگیختن شور انقلابی در دل آنان و انداختنشان به جان مستکبران و سلطه‌گران.

چه کسانی رفتند و چه‌ها در گوش رئیس دانشگاه کلمبیا گفتند و چه وعده‌ها دادند تا نظر موافق او را برای گشودن «آگورا» و قرار دادن یک منبر برای سخنرانی سقراط زمانه جلب کردند، بر ما مکشوف نیست ولی آنها همه جور حسابی کرده بودند جز آن که در حین نمایش، نقش‌ها عوض شود. احمدی‌نژاد که قرار بود در نقش امام مظلوم ظاهر شود و از بیداد ظلمه بنالد و به درگاه خدا تظلم کند، ناگهان خود را در مقابل میزبانی یافت که او را به‌عنوان ظالم و سفاک به‌محاکمه کشید.

کسی چنین «کو دو تئاتری» را - به قول فرنگی‌ها - انتظار نداشت. در آمریکا، اعلام موافقت دانشگاه کلمبیا با دعوت احمدی‌نژاد برای ایراد سخنرانی، اعتراضات زیادی را برانگیخته بود. حتی مخالفان سرسخت بوش و سیاستهای او که یقین داشتند بخش عمده حملات احمدی‌نژاد متوجه دولت کنونی آمریکا خواهد بود - از آن جمله هیلاری کلینتون - از تصمیم رئیس دانشگاه انتقاد کردند و دلایلی از این قبیل که آمریکا سرزمین آزادی و دموکراسی است و باید به همه کس فرصت داد حرفش را بزند و قضاوت را به مردم واگذارد، قانعشان نکرد.

بازنشم

جسارت به سقراط زمانه

(کیهان لندن شماره ۱۱۷۷)

مهر ۱۳۸۶

احمد احرار

دیکتاتور حقیر سنگدل یا سقراط زمانه؟

انبوهی از کاغذهای A۴ با حروف ریز کامپیوتری در برابر چشم من بر سر و کول هم می‌زنند و هر کدام برای این سؤال پاسخی می‌یابند. پاسخها آنچنان از هم فاصله دارند که هرگز به نقطه تلاقی، یا دست کم به نقطه تقارب نخواهند رسید. فاصله مکانی از قم تا نیویورک، فاصله زمانی از قرون میانه تا آغاز هزاره سوم.

در آستانه سفر محمود احمدی‌نژاد به نیویورک، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری به آن جناب «سقراط زمانه» لقب داد.

مرکز پژوهش و اسناد... به‌منظور ضبط و ثبت و تحلیل و تفسیر آراء و اقوال پرزیدنت احمدی‌نژاد تشکیل شده است. در نخستین شماره «گزارش جمهوری» نشریه رسمی این مرکز، طی گزارشی پانزده‌صفحه‌ای، تحلیلگر این مرکز (مجتبی زارعی از همکاران نزدیک رئیس جمهوری) محمود احمدی‌نژاد را با سقراط برابر می‌داند و چنین می‌نویسد «سقراط دموکراسی آنتی گرفتار در کمند آریستوکراسی معطوف به کار ویژه‌های الیگارشیک را برمی‌تابید و به فرد، فرد آنتی‌ها بشارت می‌داد که درصورت لیاقت و کسب فضیلت، سعه وجودی‌شان ظرفیت هر شأن و مقامی را پیدا خواهد کرد. از این رو با شاگردان آنتی‌اش در آگورا - میدان بزرگ شهر - می‌نشست و بحث می‌کرد. به دنبال طبقه ممتازین نبود و به حرفهای تبلیغاتی که وی را مورد ریشخند قرار می‌داد هرگز توجهی نمی‌کرد. بینی‌های سقراط از آن رو که از منافذ گشادی برخوردار بود، وی را مورد طعنه طایفه سفسطه‌گرا قرار می‌داد. اما سقراط می‌گفت مگر نه این که بینی برای نفس کشیدن است؟ پس اگر چنین است سوراخهای گشاد بینی‌ام راه نفس کشیدن را هموارتر می‌کند.»

نویسنده، آنگاه فاصله «آگورا»ی آن را تا میدان توپخانه تهران با جهشی متفکرانه درمی‌نوردد و ادامه می‌دهد «سقراط و دیالکتیک سقراطی، قهرمان روش‌مندی احمدی‌نژاد در بحث و مذاکره با بیگانگان می‌باشد. رقبای احمدی‌نژاد بر آن بودند که ریاست جمهوری به او نمی‌آید. اشکالی که البته لیبزها بر رجایی هم وارد می‌نمودند... رئیس جمهوری اما اکنون با مدد از دیالکتیک سقراط پیش رفته است و این روش سقراطی را البته در مواجهه با بیگانگان، بیش از رقبای داخلی‌اش مورد استفاده قرار داده است.»

این مقاله در شهریورماه انتشار یافت. در مهرماه سقراط

برکناری هویدا و تغییر رئیس رادیو - تلویزیون شاه فقط يك دستور داده بود و آن اینکه خونی ریخته نشود نخست وزیر با بهره‌گیری از قانون حکومت نظامی دستور بازداشت چندین تن از مقامات بلندپایه را داد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)

بازنش

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۱۲)



دکتر هوشنگ نهاوندی

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

رویدادها چیز دیگری رقم زد...

نخست وزیر با بهره‌گیری از قوانین حکومت نظامی که به او اختیاراتی می‌داد، دستور بازداشت چند وزیر سابق و چند تن از مقامات پیشین را داد. چند تنی از آنان به‌راستی از حمایت مردم بی بهره بودند. اما اختیاراتی که به این ترتیب به نخست وزیر داده می‌شد، فقط در مورد افرادی بود که «امنیت کشور و نظم عمومی را به‌خطر اندازند.» اصلاً درک کردنی نبود بر اساس چه اصولی آن افراد بازداشت شده‌اند. آنان که نظم را بر هم می‌زدند، تنبیه نشده در کوچه‌ها می‌گشتند. محمد باهری، وزیر دادگستری، در یکی از جلسات هیأت دولت این موضوع را پیش کشید. طبق قانون اساسی، هر گونه تعقیب و محاکمه وزیران پیشین به‌خاطر اقداماتی که به‌هنگام وزارت در مقام خود انجام داده‌اند، باید با اجازه قبلی مجلس باشد و آنگاه نیز در دیوانعالی کشور صورت گیرد. این از قوانین اساسی بلژیک گرفته شده بود. باهری داشت يك طرح قانونی را آماده می‌کرد که این فراگرد دشوار را آسانتر کند تا مجلس بتواند برای مدتی محدود اختیارات خود را به يك «کمیسیون رسیدگی» که اعضایش از میان نمایندگان مجلس و قضات دیوانعالی کشور برگزیده می‌بودند، واگذار کند. باهری گفت: «بهتر نیست به‌جای آن که کسانی را به دلایل مبهم به زندان بیندازیم و آنان را به قربانی تبدیل کنیم، این طرح قانونی را با فوریت به مجلس ببریم؟» و افزود: «این خود نشان آشکاری از خواست دولت در مبارزه با فساد خواهد بود.» نظر او را همه وزیران، که من هم در میانشان بودم، پذیرفتیم. نخست وزیر، ناراحت و کمی عصبی گفت که زمان این حرفها نیست، افکار عمومی دستگیری بعضیها را می‌خواهد. هنگامی که آرامش بازگشت، تصمیم می‌گیریم!

طی همان هفته، شریف امامی استعفای رضا قطبی را نیز به‌دست آورد. در ابتدای کار، معاون اصلی او کارها را به‌دست گرفت. اما هیچ دگرگونی در سازمان رادیو - تلویزیون پدید نیامد و همه چیز در رادیو، و به‌ویژه در تلویزیون همان گونه ادامه یافت.

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد. نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است. کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

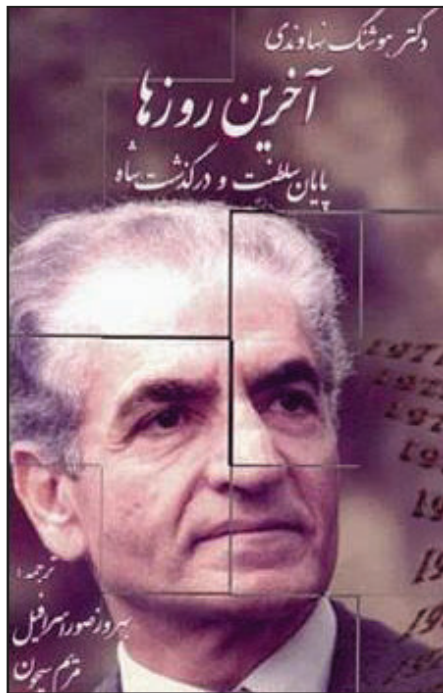
ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است. بهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند. دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

در طول هفته بعد، نخست وزیر از شاه موافقت او را برای برکنار کردن امیرعباس هویدا از وزارت دربار شاهنشاهی گرفت. با آن که او تا حدودی نخست وزیر شدنش را مدیون هویدا بود، می‌گفت با عوض شدن وی، افکار عمومی آرام می‌شود.

علیقلی اردلان هشتادساله، وزیر پیشین امور خارجه، و سفیر پیشین در بن، مسکو و سازمان ملل، گویا به توصیه اردشیر زاهدی، به وزارت دربار انتخاب شد. انتخابی که این مقام را غیر سیاسی می‌کرد. او از خاندان مشهور کردهایی بود که می‌گفتند نوادگان «ساسانیان» - سلسله‌ای که از سال ۲۴۴ تا ۶۵۱ میلادی بر ایران سلطنت کرد - هستند. اردلان مردی با فرهنگ، مؤدب و خوددار بود. به چند زبان سخن می‌گفت و در سالهای شصت، بازنشسته شده بود. از آن زمان، اوقات خود را به‌تناوب در ایران و اروپا می‌گذراند. کتابی پیرامون «بازار مشترک» اروپا نوشته بود که قابل توجه بود و با همسرش در بسیاری از میهمانیهای شام تهران و ضیافتهای سفارتخانه‌ها دیده می‌شد. خلاصه دوران بازنشستگی طلایی و سزاوار خود را می‌گذراند.

مردم تا حدودی فراموشش کرده بودند، ولی هیچکس نمی‌توانست ایرادی از او بگیرد. هنگامی که شاه به او تلفن کرد، شگفت‌زده شده بود، تردید کرده بود و گفته بود اطلاعاتی از زندگی سیاسی کشور ندارد و آنهایی را که سر کارند و کسانی را که مخالف هستند، نمی‌شناسد. شاه به او پاسخ داده بود: «به شما نیاز دارم. میهنتان در این اوقات دشوار به شما نیاز دارد.» اردلان پذیرفت. همین امر باعث شد که پس از انقلاب، سالها در زندان باشد و پایان زندگی بدی را سپری کند. سرلشکر حسن پاکروان بازنشسته محترم و بی عیب و ایراد، به‌عنوان معاون اول او انتخاب شد.

شاه، هنگامی که به امیرعباس هویدا گفت می‌خواهد او را عوض کند، به او پیشنهاد کرد سفیر ایران در بلژیک شود. هویدا رد کرد و گفت در آن ایام دشوار نمی‌خواهد کشور را ترک کند، و مردی نیست که از انجام وظیفه بگریزد. آیا اگر به او پیشنهاد سفارت پاریس، واشنگتن، لندن، مسکو یا واتیکان (مقامی که معمولاً به نخست وزیران پیشین



پیشنهاد می‌کردند) می‌شد، می‌پذیرفت؟ احتمالاً آری. دو یا سه روز پس از کناره‌گیری اجباریش، به هویدا تلفن کردم. منزل اداری را ترک گفته و به آپارتمانی که - آن گونه که به من گفته بودند - خود خریده و با سلیقه تزئین کرده بود، اسباب کشیده بود. زمان درازی با هم گفتگو کردیم. - از کجا زنگ می‌زن؟

گفتم از دفتر وزارتخانه. سپس با خنده به فرانسه افزودم: «هدیه زهرآگین شما.» با صدای بلند خندید و گفت: «نگران نباشید. همیشه داشتن مقامی مهم، مفیدتر است و موجب می‌شود بتوانیم بر رویدادها، از درون، تأثیر بگذاریم.» قول دادیم که خیلی زود یکدیگر را ببینیم. اما روند

➔ این اقدامات ظاهری، آخرین «تصمیمات بزرگ»ی بود که نخست وزیر گرفت و یا خواستهایی که به دست آورد، و طبیعتاً هیچ یک از آنها نتوانست جلو تشنج اوضاع را که هر آن افزایش می‌یافت بگیرد. همگان حتی آنها را نشانه‌های ضعف می‌انگاشتند. وضع، همچنان وخیمتر می‌شد.

گل میخک بر دهانه تفنگها

۱۱ سپتامبر را آیت‌الله شریعتمداری روز عزاداری برای قربانیان «جمعه سیاه» اعلام کرد. همه چیز در آرامش و وقار گذشت. حکومت نظامی، ظاهراً چه در تهران و چه در برخی از استانها برقرار بود. شاه فقط يك دستور داده بود و آن هم این که خونی ریخته نشود. نخست وزیر فقط يك نگرانی داشت و آن این بود که مبادا مخالفین، حتی تندروهاشان، ناراحت شوند. دیگر هیچ ابتکاری به نظر او نمی‌رسید، نمی‌دانست چکار کند. در پایتخت چند کامیون از سربازان وظیفه، سر برخی چهارراهها و جلو چند ساختمان دولتی ایستاده بودند. به مخالفین خبر رسید که به سربازان دستور داده شده تیراندازی نکنند، مگر آن که به آنان حمله شود. گروههای کوچک افراطی، روشهای تازه‌ای آغاز کردند: دادن گل و شیرینی به سربازان، و فحش و ناسزا به افسران و درجه‌داران جوانی که آنها را همراهی می‌کردند. این کار، روحیه آنان را خراب می‌کرد و به‌شدت، احساسات گوناگونشان را برمی‌انگیخت. سربازان دریافتند کسانی، بی

به‌ویژه در صنعت نفت که کمیته‌ای از کمونیستهای قدیمی، این جنبش را رهبری می‌کرد. واکنش نخست وزیر آن بود که گرچه دستمزد کارکنان نفت از همه بالاتر بود، بلافاصله ۲۵٪ بر آن بیفزاید. او در هیأت دولت گفت این افزایش حقوق، فقط برای «آرامش افکار و بازگرداندن نظم است.» و به وعده خود عمل نخواهد کرد. اما هیچ فرقی نکرد، و فرو رفتن کشور در هرج و مرج مطلق، آغاز شد.

زلزله طیس

۱۶ سپتامبر، زلزله‌ای فاجعه‌بار شهر کویری «طیس» را در جنوب خراسان، ویران کرد. هفتاد درصد شهر از میان رفت و از نخستین ساعات، شمار قربانیان سه هزار تن برآورد شد. یاریهای دولتی و سازمان شیر و خورشید سرخ زیر نظارت حسن سراج حجازی، استاندار، که مردی کارآزموده و مورد احترام همگان بود، به‌سرعت رسید. شاه، طبق معمول در این گونه موارد، تصمیم گرفت به دیدار مناطق زلزله‌زده برود. او، از بی تفاوتی رسمی در هنگام وقوع فاجعه سینما رکس درس عبرت گرفته بود. به‌گفته کسانی که در هواپیمایی که شاه را به آنجا می‌برد، بودند، او عصبی بود. آیا از آن بیم داشت که با چند فریاد یا تظاهرات خصمانه روبرو شود؟ به‌هرحال چیزی نگفت.

استقبال مردم زلزله‌زده، مهربانانه و سنتی بود. سه ساعت تمام، شاه، همه خیابانهای شهر ویران شده را پیمود، به تقاضاها گوش داد، هموطنانش را دلداری داد، بر خلاف

نخورده مانده بود.

اما شاه از این پدیده به هیچ نتیجه‌ای نرسید.



چند روز بعد، شهبانو نیز به طیس رفت. اما رفتار اندکی نامناسب تنی چند از همراهانش، مردم را آزرده کرد. استقبال، چنانکه باید، گرم نبود. شهبانو خشمگین شد. رادیو، بی گمان برای کدر کردن تصویر او، واکنشهای خشم‌آگین وی را پخش کرد.

دولت، يك سرلشکر مهندس بازنشسته را که پیشتر مسؤول تأسیسات و ساختمانهای ارتش، و به کاردانی و دینداری شهره بود، مأمور بازسازی منطقه ویران‌شده کرد. او بلافاصله به آنجا رفت و کار تجدید ساختمان را آغاز کرد. اما با آغاز بازسازی سریع شهر طیس، ناگهان شاهد ورود گروه کوچکی از ملایان شد که آشکار نبود از کجا آمده‌اند. از مشهد هم نیامده بودند. دستگاه امنیتی آنها را نمی‌شناخت. تازه‌رسیدگان شیرینی پخش می‌کردند و به زلزله‌زدگان، لباس و کمی پول می‌دادند. از همان زمان، چند تن از رهبران مخالفان تقاضای دیدار با نخست وزیر را کردند و به او گفتند: اکنون که روحانیون به امور زلزله‌زدگان می‌رسند، چرا نباید به ما اجازه داده شود که چنین کنیم؟ آن «آقایان» از نشانه اعتمادی که از نخست وزیر دیدند، بسیار شادمان خواهند شد.

شریف امامی دست به اقدامی جنون آمیز زد: به مأمور بازسازی خود دستور داد بار و بنه‌اش را جمع کند و به



امیرعباس هویدا

تهران بازگردد. مأموران دولتی نیز تقریباً همگی، منطقه را ترک گفتند. مخالفان بلافاصله حکومت را به بی‌مسئولیتی و بی‌توجهی متهم کردند و اعمالش را خیانتکارانه خواندند. شواهد هم به آنان حق می‌داد. افکار عمومی بر خود لرزید. و همه اینها، بی آن که شاه بدانند صورت گرفته بود.

در آن میانه ماه سپتامبر، اصلا ن افشار، رئیس کل تشریفات شاهنشاهی، تلفنی بسیار شگفت‌انگیز از سرهنگ کا.ژ.ب. «وینوگرادف» سفیر اتحاد جماهیر شوروی در تهران، که پیشتر سفیر مصر بود و نباید او را با هم‌نامش که در زمان دوگل سفیر مسکو در پاریس بود اشتباه گرفت، دریافت کرد. او گفت مایل است میهمانی شامی به‌افتخار خانم فریده دیبا، مادر شهبانو برپا کند. این خواست، چیزی غیر عادی

عادتش اجازه داد مردم او را ببوسند، کودکان را در آغوش گرفت، دستورات لازم را به استاندار، رئیس سازمان شیر و خورشید سرخ و مسؤولان نجات داد، و از چادرهای برپا شده برای بی‌خانمانان بازدید کرد. رابطه انسانی او با ملتش کامل بود. با بیم آمد، ولی التیام‌یافته، آرام و با احساسی خوب بازگشت. به زیارتی سریع به مشهد رفت و با آن که مردم آنجا در آخرین لحظه از آمدنش آگاه شدند، استقبال گرمی از او کردند. در حرم امام رضا با شمار زیادی از ملایان دیدار کرد و با آنان از وابستگی به اسلام سخن گفت. هیچ نشانه‌ای از مخالفت یا دشمنی نبود. همه دستش را بوسیدند و ابراز وفاداری به او کردند. این پدیده شگفت‌انگیز دیگری بود. اعتبار، محبوبیت، شکوه و قدرت او همچنان دست

آن که تنبیه شوند، به بالادست‌هایشان فحش می‌دهند و حتی بر آنان، آب دهان می‌اندازند. افسران و درجه‌داران نیز به‌کلی روحیه‌شان را از دست داده بودند، زیرا دستور گرفته بودند کاری نکنند. اندک اندک گروههایی آغاز کردند به این که پیرامون کامیونهای سربازان گردآیند و به شاه، بد و بیراه بگویند، عکسهای او را پاره کنند و بر آنها آب دهان بیندازند. چگونه می‌شد به آن سربازان جوانی که بیشترشان از روستاها آمده و برای دفاع از آب و خاک و اطاعت از بزرگ فرمانده خود، آموزش دیده بودند، فهماند که باید این وضع را در سکوت تاب آورند؟ نتیجه روانی این روش، مصیبت‌بار بود. به‌زودی اعتصابهای پراکنده در همه جای کشور آغاز شد.

→ بود. به‌ویژه در آن موقعیت، و برای خامی که درست است مادر همسر شاه بود، اما هیچ نقش سیاسی نداشت. اندکی پیش از این تماس تلفنی، سفیر مسکو مدتی طولانی به حضور شاه رسیده و پیرامون بازدید رسمی احتمالی لئونید برژنف از ایران، یا سفر شاه به مسکو گفتگو کرده بود. می‌توان این گونه تصور کرد که مسکو در پی آن بود که اگر شاه بتواند بحران را مهار کند، به تهران نزدیک شود، و داشت گامهای نخستین را برمی‌داشت. شورویها که مأمورانشان به‌گونه‌ای گسترده در آشوبها سهم داشتند، نقشی دوگانه بازی می‌کردند. این دعوت نمادین هم بخشی از بازیهای زیرکانه آنان بود.

شاه اجازه داد و ضیافت شام به‌سرعت ترتیب داده شد. میهمانی بسیار با شکوه و چشمگیر، چنانکه فقط کشورهای کمونیستی به خود اجازه برگزاری را می‌دادند، بود. و بر این باید ظرافت و میهمان‌نوازی روسها را افزود. از سوی ایران، فقط شانزده تن حضور داشتند: اصنان افشار و همسرش که دختر «ساعد» نخست وزیر پیشین بود و زبان روسی را به‌روانی حرف می‌زد، زیرا مادرش روس بود، شجاع‌الدین شفا مشاور فرهنگی دربار و همسرش، حسین نصر رئیس دفتر شهبانو و همسرش، خانم هاشمی نژاد همسر رئیس سرای نظامی شاهنشاه. من تنها عضو دولت که دعوت شده بود محسوب می‌شدم. از تشریفات دربار، پیشتر به منشی من تلفن کرده و گفته بودند که اگر برنامه دیگری برای آن شب ویژه دارم تغییرش دهم و حتماً در آن شام شرکت کنم. من، به‌تنهایی رفتم زیرا همسرم موقتاً به پاریس رفته بود. فضای میهمانی بسیار مصنوعی و ساختگی بود. رجوع ناگزیر به مترجمها، کار را آسان نمی‌کرد. فقط خانم افشار این امکان را داشت که به‌زبان روسی گفت و شنود کند و نیازی به مترجم نداشته باشد. روسها به هیچ وجه به انگلیسی یا فرانسه، یعنی زبانهایی که مدعوین ایرانی با آنها آشنایی داشتند، سخن نمی‌گفتند. بنابراین، پشت سر هر یک از مدعوین، یک مترجم جای داده بودند. در پایان آن شام پایان ناپذیر و لذیذ، سفیر «وینوگرادف» رشته سخن را به‌دست گرفت، از شاه تجلیل کرد و همچنین با واژه‌هایی آمیخته با تحسین مفرد از پیشرفتهای ایران، ثباتش و نقش آن در سیاست بین‌المللی سخن گفت. همچنین خواست خویش را برای گسترش روابط ایران و شوروی ابراز داشت و جامی به‌سلامتی شاه بلند کرد. خانم دیبا نشسته تشکر کرد. نباید پاسخ می‌داد.

پیام شورویها کاملاً روشن بود. پس از شام، بیرون از جمع، سفیر شوروی و اصنان افشار پیرامون دیدار رسمی احتمالی برژنف از تهران یا سفر شاه به مسکو گفتگو کردند. «وینوگرادف» گفت: «همه تلاش را در این زمینه خواهم کرد.» کمی بعد به مسکو رفت و هنگامی بازگشت که شاه، سقوط کرده بود. مسکو می‌خواست خود را رسماً بی‌طرف نشان دهد.

رادیو مسکو تنها رسانه بزرگ بین‌المللی بود که بی‌طرفی کاملش را در رویدادهایی که ایران را به لرزه انداخت، حفظ کرد. تا ۱۶ ژانویه ۱۹۷۹ روزی که شاه رفت. البته کمونیستهای ایرانی، همچون همه چپی‌هایی که مستقیم یا غیر مستقیم آلت دست مسکو شده بودند، آزادانه و بی‌هیچ قید و بند در رسانه‌های انگلیسی، فرانسوی، آمریکایی، اسرائیلی و در نشریات غربی ابراز عقیده می‌کردند و نیازی به رادیوهای مسکو و اقمار آن نداشتند.

در مورد سفیر «وینوگرادف»، بعدها پی برده شد که نقش مهمی در گروگانگیری سفارت آمریکا در ایران، که بی‌تردید یکی از چشمگیرترین عملیات سازمانهای مخفی اطلاعاتی شوروی بود، بازی کرده است.

(ادامه دارد)

چرا باید به ادعای دولت بایدن در مورد «دفاع از صلح و دموکراسی» یا «حمایت از اعتراضات مردم ایران» شک کرد؟

● از شواهد چنین به نظر می‌رسد که جریانی قدرتمند در جمهوری اسلامی چهارنعل به سمت راه‌انداختن یک درگیری نظامی در منطقه پیش می‌رود. آغاز یک درگیری هرچند محدود می‌تواند یکی از گزینه‌های محتمل این جریان برای خروج موقت نظام از بحران باشد. آنها برای عملی کردن گزینه جنگ به عنوان اهرم ترمیم و بازتولید قدرت سابقه دارند و یکبار آن را با جنگ هشت ساله و بارهای دیگر در بحران آفرینی‌های داخلی و منطقه‌ای تجربه کرده‌اند.

● نکته قابل توجه اینکه میزان فرمانبرداری هسته‌های آخ‌زمانی فعال در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نیز از رهبران و فرماندهان‌شان مشخص نیست! چنانکه خامنه‌ای به نیروهای امنیتی و اطلاعاتی دستور داد بساط حمله شیمیایی به مدارس و آموزشگاه‌های دخترانه جمع شود اما چنین نشد! این جریان اقدامات خود را در هر زمینه و با هر هزینه‌ای، مهیا کردن شرایط ظهور «امام زمان» معرفی می‌کند.

● اکنون نقش حفظ صلح و تلاش‌های ضدجنگ نیز بر مسئولیت‌های شاهزاده رضا پهلوی افزوده شده است. البته او سال‌هاست که در مقابل دوگانه‌ی یا مباحثات و معامله یا جنگ و اقدام نظامی که سیاستمداران و دولت‌های غربی همواره پیش برده‌اند، همواره راهکار سوم را پیشنهاد داده است: به مردم ایران کمک کنید تا با نیروی خود این حکومت را سرنگون کنند و ایران و منطقه و جهان دوباره رنگ امنیت و آرامش ببینند!

● اما به نظر می‌رسد در واشنگتن در مقطعی که جو بایدن و دموکرات‌ها در قدرت هستند تمایل به حمایت از مردم ایران در عمل کمتر از اولویت آنها برای باج‌دادن به ملاها با یک توافق جدید یا حتی دست زدن به اقدام نظامی در صورت لزوم است!

● اینکه مشاور امنیت ملی دولت آمریکا گفته در صورت اقدام ایران برای ساخت سلاح اتمی، آمریکا آزادی عمل اسرائیل برای مقابله با آن را به رسمیت خواهد شناخت، تأیید پیش‌برده سیاست ناکام و ویرانگر دوگانه است: یا مباحثات یا برخورد نظامی! آنهم در حالی که حق دفاع اسرائیل از موجودیت خود در هر شکل از اقدامات محتمل، نه تنها جدید نیست بلکه طبق حقوق بین‌الملل برای همه کشورها به رسمیت شناخته شده و حقی نیست که دولت بایدن بخواهد آن را به کشوری از جمله اسرائیل «اعطا» کند! از همین رو طرح این موضوع در شرایطی که دولت نتانیاهاو به صورت رسمی و با صراحت به اپوزیسیون آزادیخواه ایران که پهلوی آن را نمایندگی می‌کند نزدیک شده، می‌بایست مورد توجه ویژه قرار بگیرد زیرا سیاستی است که برخلاف شعارهای دولت بایدن در دفاع از صلح و دموکراسی، در عمل جنگ و درگیری نظامی با جمهوری اسلامی را بر حمایت و پشتیبانی از مبارزات آزادیخواهانه و مدنی مردم ایران ترجیح می‌دهد!

● حامد محمدی - کمتر از دو هفته پس از سفر شاهزاده رضا پهلوی به اورشلیم در شرایطی که یکی از اولویت‌های وی توجیه رهبران اسرائیل برای جلب حمایت از جنبش

آزادیخواهانه مردم ایران و تقویت مبارزات مدنی و اعتصابات است و صورت رسمی مواضع خود را علیه «جنگ» برای مهار تهدیدات چند وجهی حکومت تکرار کرده است، مشاور امنیت ملی آمریکا در یک سخنرانی تأکید کرد آمریکا از آزادی عمل اسرائیل برای اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران استقبال می‌کند. اینهمه در حالیست که مقامات جمهوری اسلامی خود را برای یک کارزار بزرگ برای حفظ نظام آماده می‌کنند. سرتیپ عزیز نصیرزاده معاون ستاد کل نیروهای مسلح اخیراً خبر داد که به دستور علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی واحدی تحت عنوان «قرارگاه جنگ ترکیبی» در ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی تشکیل شده است. وی توضیح داد فعالیت این قرارگاه از دو سال پیش آغاز شده تا «تکلیفی» را که خامنه‌ای برای نیروهای مسلح در جنگ ترکیبی تعیین کرده اجرا کند. نصیرزاده در ادامه افزوده است «قرارگاهی هم در این رابطه در شورای عالی امنیت ملی تشکیل شده که رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرماندهان عضو آن هستند.» آنچه جمهوری اسلامی را در این «جنگ ترکیبی» نگران می‌کند پروژه «جنگ از درون ایران» است. ریشه این نگرانی به گفته وزیر اطلاعات حکومت اعتراضات مردم و ناراضی‌های از شرایط موجود است. با اینهمه مقامات رژیم معتقدند اسرائیل از تظاهرات ضدحکومتی در ایران با هدف سرنگونی حکومت پشتیبانی می‌کند. آنها سفر شاهزاده رضا پهلوی به اورشلیم و دیدار وی با مقامات ارشد اسرائیل را هم ادامه همین روند می‌دانند. مسئله وقتی برای رژیم ایران حادتر می‌شود که مردم در سال‌های اخیر در اعتراضات خود در سراسر کشور گرایش‌های ملی بروز داده و به نفع پهلوی‌ها شعار می‌دهند. سر دادن شعار «رضا شاه، روح‌ت شاد» یا «ای شاه ایران، برگرد به ایران» آنهم در بین افشار متوسط و رو به پایین که سال‌های طولانی پایگاه اجتماعی ملاها بودند برای حکومت پیام مستقیم دارد. این شعارها مقطعی نبودند و از دی‌ماه ۱۳۹۶ که در مشهد شروع شد همچنان ادامه دارد. از شواهد چنین به نظر می‌رسد که جریانی قدرتمند در جمهوری اسلامی چهارنعل به سمت راه‌انداختن یک درگیری نظامی در منطقه پیش می‌رود. آغاز یک درگیری هرچند محدود می‌تواند یکی از گزینه‌های محتمل این جریان برای خروج موقت نظام از بحران باشد. آنها برای عملی کردن گزینه جنگ به عنوان اهرم ترمیم و بازتولید قدرت سابقه دارند و یکبار آن را با جنگ هشت ساله و بارهای دیگر در بحران آفرینی‌های داخلی و منطقه‌ای تجربه کرده‌اند. روح‌الله خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی جنگ را «نعمت» می‌دانست. پس از او نیز سال‌هاست که مقامات «تحریم» را که بحران آفرین است نعمت می‌دانند. این افراد و جریان‌های مربوطه از تحمیل یک جنگ تازه به ایران و مردم ترسی ندارند. جنگ ایران و عراق حکومت نوپای ملاها را در مقابل فشارها واکسینه کرد و فرصت سرکوب مخالفان داخلی و ترور چهره‌های اپوزیسیون در خارج از ایران را فراهم نمود تا بتواند پایه‌های خود را به بهانه

➔ جنگ مستحکم کند بدون آنکه پس از جنگ بتواند به بازسازی خرابی‌های آن و رشد و توسعه کشور بپردازد.

جریان جنگ طلب آخِر زمانی

حتا اگر علی خامنه‌ای در حرف ادعا کند دنبال جنگ نیست اما مشخص نیست که آیا در عمل نیز اعتقادی به این حرف خود دارد یا نه؟ نکته قابل توجه اینکه میزان فرمانبرداری هسته‌های آخِر زمانی فعال در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نیز از رهبرشان و فرماندهان‌شان مشخص نیست! چنانکه خامنه‌ای به نیروهای امنیتی و اطلاعاتی دستور داد بساط حمله شیمیایی به مدارس و آموزشگاه‌های دخترانه جمع شود اما چنین نشد! این جریان اقدامات خود را در هر زمینه و با هر هزینه‌ای، مهیا کردن شرایط ظهور «امام زمان» معرفی می‌کند.

اکنون نقش حفظ صلح و تلاش‌های ضدجنگ نیز بر مسئولیت‌های شاهزاده رضا پهلوی افزوده شده است. البته او سال‌هاست که در مقابل دوگانه‌ی یا مامشات و معامله یا جنگ و اقدام نظامی که سیاستمداران و دولت‌های غربی همواره پیش برده‌اند، همواره راهکار سوم را پیشنهاد داده است: به مردم ایران کمک کنید تا با نیروی خود این حکومت را سرنگون کنند و ایران و منطقه و جهان دوباره رنگ امنیت و آرامش ببینند!

شاهزاده پهلوی بارها در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود هشدار داده که این نظام برای بقای خود حاضر به تحمیل جنگ به مردم ایران است. وی اخیراً نیز در پاسخ به پرسشی درباره استقبال از حمله نظامی اسرائیل به ایران مانند همیشه با صراحت تکرار کرد: «قطعاً نه! این همواره خط قرمز من بوده و هر نوع مداخله نظامی برای من به عنوان یک ملی‌گرا مردود است و فکر می‌کنم بسیاری از ایرانیان با من در این زمینه هم‌نظر هستند.»

اما به نظر می‌رسد در واشنگتن در مقطعی که جو بایدن و دموکرات‌ها در قدرت هستند تمایل به حمایت از مردم ایران در عمل کمتر از اولویت آنها برای باج‌دادن به ملاها با یک توافق جدید یا حتی دست زدن به اقدام نظامی در صورت لزوم است.

اینکه هم‌زمان با هشدار دولت‌های اروپایی به مقامات تهران در مورد بازگشت تمام تحریم‌های سازمان ملل در صورت رسیدن غنی‌سازی اورانیوم در ایران به ۹۰ درصد، جیک سالیوان مشاور امنیت ملی دولت آمریکا گفته در صورت اقدام ایران برای ساخت سلاح اتمی، آمریکا آزادی عمل اسرائیل برای مقابله با آن را به رسمیت خواهد شناخت، تأیید پیشبرد همان سیاست ناکام و ویرانگر دوگانه است: یا مامشات یا برخورد نظامی!

اینهمه در حالیست که حق دفاع اسرائیل از موجودیت خود در هر شکل از اقدامات محتمل، نه تنها جدید نیست بلکه طبق حقوق بین‌الملل برای همه کشورها به رسمیت شناخته شده و حقی نیست که دولت بایدن بخواهد آن را به کشوری از جمله اسرائیل «اعطا» کند! از همین رو طرح این موضوع در شرایطی که دولت نتانیاهو به صورت رسمی و با صراحت به اپوزیسیون آزادخواه ایران که پهلوی آن را نمایندگی می‌کند نزدیک شده، می‌بایست مورد توجه ویژه قرار بگیرد زیرا سیاستی است که برخلاف شعارهای دولت بایدن در دفاع از صلح و دموکراسی، در عمل جنگ و درگیری نظامی با جمهوری اسلامی را بر حمایت و پشتیبانی



جیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید و جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا

از مبارزات آزادیخواهانه و مدنی مردم ایران ترجیح می‌دهد! آنهم در حالی که حتا در جریان نشست اخیر نتانیاهو با شماری از مقامات آمریکا نیز در مورد «اقدام نظامی احتمالی» صحبتی نشد.

بنیامین نتانیاهو: ایران به اندازه ۵۰ کره شمالی خطرناک است

نخست وزیر اسرائیل اخیراً در دیدار با شماری از اعضای کنگره آمریکا در اورشلیم رژیم ایران را با ۵۰ تا کره شمالی مقایسه کرد. به گزارش «فاکس نیوز» بنیامین نتانیاهو با سابقه‌ترین نخست‌وزیر اسرائیل روز پنجشنبه ۴ ماه مه (۱۳ اردیبهشت) در دیدار با اعضای کنگره آمریکا گفت «رژیم ایران فقط یک همسایه خطرناک نیست بلکه معادل ۵۰ کره شمالی است. جمهوری اسلامی فقط یک حکومت خطرناک مثل زمامداری که بر کره شمالی حکومت می‌کنند نیست. آنها یک نیروی ایدئولوژیک هستند که ما را شیطان کوچک و آمریکا را شیطان بزرگ می‌بینند. اینکه [رژیم] ایران قادر باشد هر شهری در ایالات متحده را با باج‌گیری هسته‌ای تهدید کند مصداق تغییر تاریخ است.»

هرچند اسرائیل متحد شماره یک آمریکا در خاورمیانه به شمار می‌رود اما روابط دو طرف با روی کار آمدن دولت بایدن تیره و تار شده است. بایدن در سومین سال سکونت در کاخ سفید هنوز حاضر نشده نتانیاهو را به واشنگتن دعوت کند.

اظهارات جیک سالیوان در ارتباط با اقدام نظامی اسرائیل برای مهار جمهوری اسلامی در شرایطی است که کاخ سفید اکنون در صف اول دولت‌های مامشات‌نگر با رژیم ایران قرار دارد و با ندیده گرفتن تحریم‌ها علیه رژیم، تأمین مالی برای توسعه توانایی هسته‌ای و ساخت انواع موشک و پهپاد انتحاری را برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی تسهیل می‌کند.

در تمام منطقه هیچ کشوری به اندازه اسرائیل از سوی جمهوری اسلامی و شبه‌نظامیان با تهدید روبرو نیست. تمام رهبران اسرائیل فارغ از اختلافات سیاسی خود در یک مورد نظر مشترک دارند: مامشات با رژیم ایران از جمله توافق

اتمی میلیاردها دلار پول به جیب ملاها سرازیر می‌کند که علیه امنیت منطقه استفاده خواهد شد. اما اگر برای دولت بایدن منافع اسرائیل اهمیت دارد چرا تا این حد روی «توافق با رژیم ایران» اصرار دارد؟! در سال ۲۰۱۵ نتانیاهو از پذیرفتن خواست دولت اوپاما امتناع کرد. دولت اوپاما از نتانیاهو خواسته بود تا در کنگره آمریکا در مخالفت با توافق هسته‌ای با ایران که توسط دموکرات‌ها پیش‌نویس شده بود سخنرانی نکند. اما اسرائیل توافق اتمی را تهدید جدی برای موجودیت خود می‌دانست و نمی‌توانست از هیچ اقدامی برای حفظ این موجودیت چشم‌پوشد تا دولت اوپاما به معامله با رژیم ایران بپردازد. معامله‌ای که البته انجام شد ولی به دلیل سرشت متناقض آن و این واقعیت که جمهوری اسلامی با توافق یا بی‌توافق به دنبال تسلیحات هسته‌ای است، ناکام ماند! دونالد ترامپ با خروج از توافق برجام در هشتم ماه مه ۲۰۱۸ روند این ناکامی را تسریع کرد و البته از سرازیر شدن میلیاردها دلار به سوی رژیم برای پیش بردن برنامه‌های اتمی و موشکی آن نیز جلوگیری کرد.

نادیده گرفتن تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی

در آخرین ماه‌های حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید صادرات نفت ایران به کمتر از ۳۵۰ هزار بشکه در روز رسیده بود اما اکنون سه سال بعد از ریاست جمهوری بایدن این میزان به یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است. واقعیت اینست که جریان‌های آخِر زمانی در این نظام خودکامه مذهبی در اوج بحران برای جنگ تشنه‌تر خواهند شد و با همین هدف مدام در هوا و زمین و دریا بحران آفرینی می‌کنند. این تحركات چیزی نیست که مقامات واشنگتن و دولت‌های اروپایی قادر به دیدن آنها نباشند! اما به نظر می‌رسد بر وقت‌گشی آنها که گذشته از میل به معامله چندان مشخص نیست با کدام اهداف دیگر انجام می‌شود، تنها اعتراضات مردم و پیروزی انقلاب ملی ایران می‌توان نقطه پایان بگذارد و آنها را با کشوری روبرو سازد که واقعا وجود دارد و جمهوری اسلامی هرگز نماینده‌ی آن نبوده است.

بیست روز تجمع پادشاهی خواهان سکولار دموکرات در مقابل دفتر صدراعظم آلمان برای فشار حداکثری علیه رژیم و حمایت حداکثری از مردم ایران



ایرانیان وطن دوست هر کدام با امکانات و تداکرات شخصی ملزومات این کارزار یک ماهه را فراهم کردند

نمی شود به اسم اینکه همه باید کنار هم باشند از بعضی اصول عقب نشست. تجزیه طلبی خط قرمز است. احترام به پرچم ملی شیروخورشید از اصول است. اینها ربطی به جناح و مرام سیاسی ندارد بلکه از اصول است. از دشمن توقعی نیست اما کسی که ادعای ایران دوستی می کند نمی تواند از این اصول عدول کند. مرزهای ما را شیران باغیرت لر، گرد و ترک و بلوچ یا شمالی ها حفظ می کنند و اجازه تغییر آن را نمی دهند.»

این فعال سیاسی در ادامه می گوید: «در ایران به پشتوانه جریان های داخلی مرتبط با نظام، جمهوری سوم در حال شکل گیری است و باید هوشیار بود. کسانی پشت این جریان

هستند و هم مردم نسبتا مذهبی دارند علیه حکومت شعار بدهند. وقتی دیدند تهران بلند شد بقیه شهرها هم آمدند. اعتراضات آتش زیر خاکستر است.»

● برگزارکنندگان این تجمع می گویند «متأسفانه نزدیک یک ماه است اینجا مستقر شدیم اما رسانه ها ما را بایکوت کرده اند!» آنها می گویند «خبرنگار یکی از شبکه ها بعضی روزها از جلوی ما عبور می کند و سایر تجمعات را پوشش خیری می دهد اما پادشاهی خواهان را بایکوت می کند!»

شماری از فعالین سیاسی و کنشگران مشروطه خواه از «سازمان پادشاهی خواهان سکولار دموکرات ایران» از ۲۲ آوریل (دوم اردیبهشت) در مقابل دفتر صدر اعظم و مقر

● شماری از فعالین سیاسی و کنشگران مشروطه خواه از «سازمان پادشاهی خواهان سکولار دموکرات ایران» از دوم اردیبهشت در مقابل دفتر صدر اعظم و مقر دولت آلمان تجمع می کنند.

● خواسته اصلی آنان از مقامات آلمان در این تجمع که تا ۲۲ اردیبهشت ادامه خواهد یافت «فشار حداکثری علیه رژیم ایران و حمایت حداکثری از مردم ایران» است.

● پروین شطی فعال سیاسی عضو «سازمان پادشاهی خواهان سکولار دموکرات ایران» و یکی از برگزارکنندگان این تجمع به کیهان لندن می گوید: «من ۶۲ سالم است و درختی را آبیاری می کنم که شاید خودم نتوانم



در تجمع مشروطه خواهان بین ساختمان دفتر صدراعظم آلمان چادری با پرچم های ملی شیروخورشید و تصاویری از جانبختگان خیزش و پوسترهایی از شاهزاده رضا پهلوی و بانو یاسمین نصب شده است



تجمع کنندگان مقابل مقر دولت آلمان که هر کدام اهل گوشه ای از ایران اند با پوشیدن لباس های محلی اعلام می کنند اتحاد اقوام در ایران طبیعت ذاتی جامعه ایران است

هستند که تا امروز در نظام به صورت مستقیم و غیرمستقیم سهم داشته اند. آنها باز هم به دنبال بزرگ کردن جمهوری اسلامی هستند. ما به خصوص در بیرون از ایران وظیفه حمایت حداکثری از مردم و تلاش برای وارد شدن فشار حداکثری علیه حکومت را داریم. در ایران مردم گفته اند چه نمی خواهند و چه را می خواهند. باید سمت درست تاریخ ایستاد. ما می دانیم پشت سر چه کسی ایستاده ایم. دیگران هم نمایندہ یا رهبران را اعلام کنند. هیچ مشکلی نیست. ولی اینکه چون کسی را ندارند به تخریب دیگران می پردازند درست نیست. می بایست تکلیف شان را با خودشان روشن کنند.»

شطی در بخش دیگری از صحبت هایش افزود: «چند روز پیش فردی که ترک تبار هم بود از دفتر صدر اعظم آمد و پرسید چه می خواهید؛ معلوم نبود چکاره است. ←

دولت آلمان در برلین تجمع می کنند. خواسته اصلی آنان از مقامات این کشور در این تجمع که تا ۱۲ ماه مه (۲۲ اردیبهشت) ادامه خواهد یافت «فشار حداکثری علیه رژیم ایران و حمایت حداکثری از مردم ایران» است.

پروین شطی فعال سیاسی عضو این سازمان و از برگزارکنندگان این تجمع به کیهان لندن می گوید: «من ۶۲ سالم است و درختی را آبیاری می کنم که شاید خودم نتوانم زیر سایه آن بنشینم اما کاری که می کنم برای نسل های بعد است. تکلیف دشمنان ما مشخص است. توقعی از آنها نیست اما بعضی ها که به ظاهر خودی هستند سهم خواهی می کنند که درست نیست. کسانی که سنگ اندازی می کنند دغدغه ایران را ندارند. باید در مقابل کسانی که برایشان یکپارچگی ایران و تمامیت ارضی اهمیتی ندارد ایستاد.

زیر سایه آن بنشینم اما کاری که می کنم برای نسل های بعد است... در ایران به پشتوانه جریان های داخلی مرتبط با نظام، جمهوری سوم در حال شکل گیری است و باید هوشیار بود.»

● اینگرید ناهید هروی فعال سیاسی ایرانی- آلمانی یکی دیگر از برگزارکنندگان این تجمع می گوید: «برای من که سالهاست ایران نبودم شاهزاده پهلوی یک سیاستمدار است که همیشه موضع ثابت و ملی داشته و سر حرف هایش ایستاده است. در ایران او را فهاد مشروطه و پرچمدار شیروخورشید می دانند یعنی مردم به او اعتماد دارند.» ● «ناصر» از همکاران این سازمان نیز که شش ماه است در آلمان پناهنده شده می گوید: «هرگز فکر نمی کردیم جایی مثل ننگرود یا رودسر که شهرهایی هم کوچک



۵۵ها راکت طی ۴۸ ساعت از غزه به سمت اسرائیل پرتاب شد که اغلب آنها توسط «گنبد آهنین» در آسمان منهدم شدند

میانجیگری مصر برای توقف درگیری میان اسرائیل و گروه‌های فلسطینی؛ آکسیوس: «جهاد اسلامی» به دنبال آتش‌بس است

تعدادی از راکت‌های جهاد اسلامی به مناطق مسکونی اصابت کرد که خسارت جانی نداشت اما به منازل مسکونی و اتومبیل‌ها خسارت وارد آورد. ارتش اسرائیل اعلام کرد که در جریان عملیات تلافی جویانه ۱۵۸ هدف متعلق به سازمان «جهاد اسلامی» هدف قرار داده شد.

در حال حاضر مقامات مصر برای آتش‌بس میان اسرائیل و فلسطینی‌ها تلاش می‌کنند. آنها خواستار پایان یافتن عملیات «سپر و تیر» هستند اما بنیامین نتانیاهو نخست وزیر در بیانیه‌ای به رسانه‌ها گفت: «کارزار هنوز تمام نشده است. ما به تروریست‌ها و کسانی که آنها را فرستاده‌اند می‌گوییم: ما شما را در همه جا می‌بینیم. شما نمی‌توانید پنهان شوید.»

با این حال، یک منبع دیپلماتیک ارشد گفت که اسرائیل «آماده آتش‌بس است. ما آنچه را که لازم بود در غزه انجام دادیم.»

توییت ارتش اسرائیل با انتشار ویدئویی نشان داد بر اثر شلیک‌های ناموفق «جهاد اسلامی» باز هم تعدادی از راکت‌ها در همان نوار غزه سقوط کردند که در اثر اصابت این راکت‌ها دست‌کم چهار نفر کشته شدند.

یک مقام اسرائیلی به «آکسیوس» گفت که مصر به اسرائیل گفته است که «جهاد اسلامی» خواهان آتش‌بس در غزه است. اما تا صبح روز پنجشنبه به وقت محلی، هیچ آتش‌بسی اعلام نشد.

پنتاگون اعلام کرد که لوید اوستین وزیر دفاع آمریکا با یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل گفتگو کرد و بر حمایت مستمر خود از حق اسرائیل برای دفاع از مردمش تأکید کرد. اوستین همچنین «بر کاهش تنش برای دستیابی به آرامش پایدار تأکید کرد.»

علی‌اکبر ولایتی مشاور علی خامنه‌ای در امور بین‌الملل به عنوان «دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی» کشته شدن فرماندهان ارشد «جهاد اسلامی» را محکوم کرده و گفته «سران تروریست صهیونیستی برای فرار از بحران‌های داخلی که تمام ابعاد سیاسی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی این رژیم را درگیر کرده است، به کشتار فلسطینیان روی آورده‌اند.»

پیش از آغاز راکت‌پرانی‌ها توسط «جهاد اسلامی» به سوی اسرائیل، ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم در جریان سفر به سوریه با شماری از رهبران و فرماندهان «حماس» و «جهاد اسلامی» نیز دیدار کرد. او گفته بود «امروز ثابت شده پیشبرد جهان اسلام و مقاومت تنها راه مقابله با اسرائیل است.»

● منابع مختلف آمار متفاوتی از تعداد راکت‌هایی که به سوی اسرائیل شلیک شده اعلام کرده‌اند. روزنامه «اورشلیم پست» گزارش داد بیش از ۵۰۰ راکت به سوی اسرائیل شلیک شده است. روزنامه «تایمز اسرائیل» می‌نویسد ۹۵ درصد راکت‌ها توسط سیستم پدافندی موسوم به «گنبد آهنین» رهگیری و خنثی شد.

● توییت ارتش اسرائیل با انتشار ویدئویی نشان داد بر اثر شلیک‌های ناموفق «جهاد اسلامی» باز هم تعدادی از راکت‌ها در همان نوار غزه سقوط کردند که در اثر اصابت این راکت‌ها دست‌کم چهار نفر کشته شدند.

● یک مقام اسرائیلی به «آکسیوس» گفت که مصر به اسرائیل گفته است که «جهاد اسلامی» خواهان آتش‌بس در غزه است.

● علی‌اکبر ولایتی مشاور علی خامنه‌ای در امور بین‌الملل به عنوان «دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی» کشته شدن فرماندهان ارشد «جهاد اسلامی» را محکوم کرده و گفته «سران تروریست صهیونیستی برای فرار از بحران‌های داخلی که تمام ابعاد سیاسی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی این رژیم را درگیر کرده است، به کشتار فلسطینیان روی آورده‌اند.»

● پیش از آغاز راکت‌پرانی‌ها توسط «جهاد اسلامی» به سوی اسرائیل، ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم در جریان سفر به سوریه با شماری از رهبران و فرماندهان «حماس» و «جهاد اسلامی» نیز دیدار کرد. او گفته بود «امروز ثابت شده پیشبرد جهان اسلام و مقاومت تنها راه مقابله با اسرائیل است.»

ارتش اسرائیل پنجشنبه ۱۰ ماه مه (۲۰ اردیبهشت) در واکنش به ادامه راکت‌پرانی‌ها از نوار غزه، باز دیگر پایگاه‌ها و مخفیگاه‌های وابسته به عوامل «جهاد اسلامی» را هدف قرار داد.

در این حملات شماری از شبه‌نظامیان از جمله «علی حسن غالی» از اعضای ارشد شورای نظامی «سرایا القدس» شاخه نظامی «جهاد اسلامی» و برادر او «محمود غالی» و یک نفر دیگر در خان یونس کشته شدند.

منابع مختلف آمار متفاوتی از تعداد راکت‌هایی که به سوی اسرائیل شلیک شده اعلام کرده‌اند. روزنامه «اورشلیم پست» گزارش داد بیش از ۵۰۰ راکت به سوی اسرائیل شلیک شد.

روزنامه «تایمز اسرائیل» می‌نویسد ۹۵ درصد راکت‌ها توسط سیستم پدافند معروف به «گنبد آهنین» رهگیری و خنثی شد.

→ گفتیم برو به همان کسی که گفته اینجا بیایی بگو که خودت بیا تا بشنوی چه می‌خواهیم. از این دولت‌های مدعی دموکراسی بیشتر از اینها توقع می‌رود.»

اعتراضات آتش زیر خاکستر است

«ناصر» نیز از همکاران «سازمان پادشاهی‌خواهان سکولاردموکرات ایران» شش ماه است در آلمان پناهنده شده و از برگزارکنندگان این تجمع است. وی که در ماه‌های اوج خیزش ضدحکومتی در تظاهرات شهر لنگرود استان گیلان حضور داشت، به گفته‌ی خودش از دوستان عباس میرموسوی است که در اثر شلیک مستقیم نیروهای امنیتی روز ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ جان باخت. ناصر می‌گوید: «تیر مستقیم به پای عباس خورد اما با بلندگو تهدید می‌کردند که اگر به سمت او برویم تیراندازی می‌کنند؛ و واقعاً هم شلیک می‌کردند و اجازه نمی‌دادند او را بلند کنیم و به بیمارستان برسانیم. آنقدر روی زمین ماند تا بر اثر خونریزی از هوش رفت و جان باخت.»

ناصر روایت می‌کند خودش بعد از آنکه شناسایی شد مجبور به خروج از ایران شده است. او به صورت زمینی از مرزهای شمالی کشور به باکو و از آنجا به مسکو رفته و سپس از مسکو با تاکسی خود را به مینسک پایتخت بلاروس رسانده و از آنجا بعد از چهار روز پیاده‌روی در جنگل‌های مرزی لهستان به آلمان رسیده است.

وی می‌گوید: «هرگز فکر نمی‌کردیم جایی مثل لنگرود یا رودسر که هم شهرهای کوچکی هستند و هم مردم نسبتاً مذهبی دارند علیه حکومت شعار بدهند. وقتی دیدند تهران بلند شد بقیه شهرها هم آمدند. اعتراضات آتش زیر خاکستر است. وضعیت در ایران بعد از این خیزش بطور کل با قبل متفاوت است. می‌دانم مردم دنبال فرصت برای اعتراض‌اند. سرهنگ جعفر جواهری فرمانده نیروی انتظامی انزلی که مسئول قتل مه‌رمان سماک است را فراری دادند تا به دست مردم نیفتند. خشم و انتقام با هم آمیخته شده است.»

مردم به شاهزاده پهلوی اعتماد دارند

اینگرید ناهید هروی فعال سیاسی ایرانی-آلمانی از دیگر برگزارکنندگان مجمع مقابل دفتر صدراعظم و مقر ساختمان‌های دولتی آلمان است. او که بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸ در ایران در مدرسه آلمانی‌ها در خیابان «قلهک» تهران درس می‌خوانده اکنون سال‌هاست دور از ایران زندگی می‌کند. وی می‌گوید: «برای من که سال‌هاست ایران نبودم شاهزاده پهلوی یک سیاستمدار است که همیشه موضع ثابت و ملی داشته و سر حرف‌هایش ایستاده است. در ایران او را نماد مشروطه و پرچمدار شیروخورشید می‌دانند یعنی مردم به او اعتماد دارند.»

برگزارکنندگان این تجمع می‌گویند «متأسفانه نزدیک یک ماه است اینجا مستقر شدیم اما رسانه‌ها ما را بایکوت کرده‌اند!» آنها می‌گویند «خبرنگار یکی از شبکه‌ها بعضی روزها از جلوی ما عبور می‌کند و سایر تجمعات را پوشش خری می‌دهد اما پادشاهی‌خواهان را بایکوت می‌کند!» از دیگر مسائلی که حاضرین در این تجمع به آن اشاره کردند حضور افراد مشکوک در محل تجمع است. آنها تصاویر و ویدئوهایی از آنها را در اختیار پلیس قرار داده‌اند تا تمرکز روی امنیت تجمع‌کنندگان بیشتر باشد.

در اوج تظاهرات انقلابی مردم در مهرماه ۱۴۰۱ که شماری از ایرانیان در برابر سفارت جمهوری اسلامی در برلین برای پشتیبانی و همبستگی با مردم ایران تحصن کرده بودند، شبانه در چادر خود مورد حمله افراد ناشناس قرار گرفته و توسط مهاجمان زخمی شدند.

شمار اتومبیل‌های رشوه داده شده به مقامات به ۳۰۰ عدد رسید؛ سرنوشت ۱۵۳ اتومبیل نامشخص است



● احمد علیرضاییگی نماینده مجلس شورای اسلامی: «اسامی‌ای که من در اختیار دارم از وجود ۱۴۷ پوکه حکایت می‌کند و هنوز سرنوشت سایر خودروها مشخص نیست. آیا این خودروها تحویل شده است؟ این خودروها به چه کسانی تحویل داده شده‌اند؟»

● در روزهای گذشته رشوه دادن اتومبیل به مقامات حکومتی ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده و مشخص شده بخش دیگری از مقامات از جمله امامان جمعه و فرمانداران نیز از دریافت کنندگان این اتومبیل‌ها بودند.

● فریدون عباسی نماینده مجلس شورای اسلامی گفته که «چرا باید این گدابی‌ها را درآوریم و به ماشین شاسی‌بلند گیر بدهیم؟ مگر قیمت ماشین شاسی‌بلند چقدر است؟!»

گزارش‌های تازه از اتومبیل‌هایی که به مقامات حکومتی رشوه داده شده نشان می‌دهد شمار این اتومبیل‌ها ۳۰۰ عدد بوده که از سرنوشت ۱۵۳ اتومبیل خبری در دست نیست و مشخص نیست به چه کسانی داده شده‌اند.

احمد علیرضاییگی نماینده مجلس شورای اسلامی که دو هفته پیش نخستین بار ماجرای واگذاری ۷۰ تا ۷۵ اتومبیل شاسی‌بلند ساخت یکی از شرکت‌های اتومبیل‌سازی داخلی به نمایندگان مجلس به عنوان «هدیه» خبر داده بود آمار تازه‌ای از اتومبیل‌های رشوه داده شده به مقامات حکومتی ارائه کرد. این نماینده مجلس شورای اسلامی در گفتگو با روزنامه «اعتقاد» درباره ریشه فساد گسترده‌ی رشوه دادن اتومبیل به مقامات در توضیحاتی مبهم گفته که «یک جریان که در دستگاه‌های مختلف نفوذ داشته، دام پهن شده است. به هر حال معاون مجلس با نماینده تماس گرفته و او را به این دام کشانده است. معاون مجلس، یک شرکت صوری تشکیل داده، با یک شرکت معتبر قرارداد خرید ۳۰۰ دستگاه خودرو منعقد کرده است. شرکت‌ها وقتی با طرف مقابل مواجه می‌شوند، راستی‌آزمایی می‌کنند. اما این بررسی‌ها در خصوص این شرکت صوری انجام نشده است. شرکت صوری که یک طرف قرارداد بوده، سال ۹۷ با سرمایه ثبتی یک میلیون تومان تشکیل شده است. وقتی ارکان شرکت را جست‌وجو می‌کنید، خربش از روستاهای کوه‌دشت می‌رسد. این موضوع ساده نیست و نباید فقط به این موضوع بسنده کرد که چه کسی خودرو گرفته و چه کسی نگرفته است.»

بنا بر توضیحات احمد علیرضاییگی این اتومبیل‌ها در قالب رشوه میان مقامات توزیع شده است. او گفته «در حال حاضر قراردادی در اختیار دارم که حاکی است، شرکت معجول، قرارداد خرید ۳۰۰ دستگاه خودرو را با یکی از خودروسازان امضا کرده است. اسامی‌ای که من در اختیار دارم از وجود ۱۴۷ پوکه (قابل شمارش) حکایت می‌کند و هنوز سرنوشت سایر خودروها مشخص نیست. آیا این خودروها تحویل شده است؟»

متخلف را به رئیس‌جمهور معرفی کردیم و در همان بدو امر مدیرعامل ایران خودرو نیز در همین رابطه برکنار شد. البته این شرکت در گذشته نیز با مصوبه داخلی درصدد واگذاری تعدادی خودروی شاسی‌بلند (هایما ۸۸ وارداتی CKD) قبل از عرضه عمومی به مردم و با رانت قابل توجه به مدیران خود بود که با ورود به موقع بازرسی ویژه منتفی شد.»

حسن درویشیان حتی از دستوراتی به اتومبیل‌سازان برای توقف رانت‌پاشی و رشوه‌دهی خبر داده و گفته بود که «تحت هیچ شرایطی حق واگذاری بی ضابطه خودرو به مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی در سه قوه و یا سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی را مغایر با روال عادی فروش به آحاد مردم ندارند و از وزیر وقت صمت هم خواسته شد ضمن توقف تفاهم‌نامه‌های خودروسازان با دستگاه‌های اجرایی نظارت مضاعف و جدی‌تری داشته باشند تا شاهد تکرار این مسأله نباشیم.»

در روزهای گذشته رشوه دادن اتومبیل به مقامات حکومتی ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده و مشخص شده بخش دیگری از مقامات از جمله امامان جمعه و فرمانداران نیز از دریافت‌کنندگان این اتومبیل‌ها بودند.

ابوالفضل ابوترابی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی فاش کرده که برخی از اتومبیل‌های رشوه‌ای سر از خانه امامان جمعه و فرمانداران درآورده است و برخی از این ۵۷ نماینده اتومبیل شاسی‌بلند را برای اقوام، دوستان و آشنایان و برخی برای امامان جمعه یا فرماندارشان تحویل گرفتند.

این خودروها به چه کسانی تحویل داده شده‌اند؟ ... و باید به این ابهامات پاسخ درستی داده شود.»

فساد مقامات در رابطه رشوه‌گیری اتومبیل دو هفته پیش و در جریان تلاش عده‌ای از نمایندگان برای منتفی کردن استیضاح رضا فاطمی امین وزیر صمت مطرح شد. احمد علیرضاییگی گفته بود که آیا قرار گرفتن ۷۰ تا ۷۵ اتومبیل شاسی‌بلند در اختیار نمایندگان مجلس شورای اسلامی در قالب «هدیه» برای جلوگیری از استیضاح وزیر صمت بوده است؟

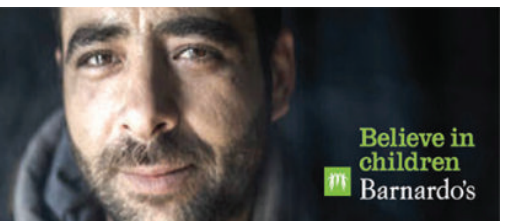
موضوع اتومبیل‌ها به سرعت از سوی محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی تکذیب و چنین ادعایی را «هجمه جدید به دولت و مجلس» عنوان کرد، اما طولی نکشید که بازرسی ویژه رئیس دولت موضوع را تأیید کرد. حسن درویشیان درباره واگذاری شاسی‌بلندها گفت «بر اساس تفاهم‌نامه‌ای از سال ۱۴۰۰ این موضوع مطرح بوده و ۱۰۰ خودرو به نمایندگان بدون قرعه‌کشی واگذار شده است.» او درباره آخرین اخبار پیگیری پرونده واگذاری رانتی اتومبیل‌ها توضیح داده بود که «در پی دستور رئیس‌جمهور برای بررسی موضوع، بلافاصله با وزارت صمت و خودروسازان مکاتبه کردیم و از آن‌ها در این خصوص توضیح خواستیم. پس از ارزیابی دقیق ابعاد موضوع و احراز تخلف، در گام اول از ادامه واگذاری خودروهای درخواستی به اشخاص که در قالب تفاهم‌نامه و امثالهم خارج از روال فروش خودرو به عموم مردم بوده جلوگیری کردیم.»

او افزوده بود که «در گزارشی محرمانه، دستگاه‌ها و افراد

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



Believe in
children
Barnardo's

هشدار در مورد تلفات بالای مأموران نیروی انتظامی در «کف خیابان‌ها»



ابوالفضل حسن بیگی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی ۱۸ مرداد ۹۸ گفته بود نیروی انتظامی با کمبود ۵۰ هزار نیرو روبروست

کلید خورد» نوشت فرمانده انتظامی در استان‌های ایلام، کرمانشاه، آذربایجان شرقی، فرمانده انتظامی ویژه غرب استان تهران، دستیار ویژه فرمانده کل در امور بازنشستگان فراجا، مشاور فرمانده کل و رئیس دفتر ویژه فراجا و جانشین معاونت نیروی انسانی فراجا تغییر کردند. اما در این خبر اشاره‌ای به دلیل این تغییرات نشده است.

در دو هفته گذشته دست‌کم هفت نفر از پرسنل نیروی انتظامی کشته شدند. یکی از آنها سرگرد علیرضا شهرکی رئیس پلیس آگاهی سراوان بود. حجت‌الاسلام اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در گفتگو با رسانه مجلس شورای اسلامی «خانه ملت» هشدار داده «اگر آحاداً دشمن بتواند در زمینه [امنیتی] بهره‌ای برد، قطعاً از شرایط و آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی کشور سوء استفاده می‌کند... به حوادثی هم مانند آنچه در سراوان رخ داد باید نگاه ایذایی داشت.»

اخیراً نامه‌ای از نیروی انتظامی درز پیدا کرده که در مورد «تهدید کارکنان» از سوی «اعتشاشاگران و آشوبگران» هشدار داده شده است. در این نامه که تاریخ آن ۱۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۲ است تأکید شده بعضی پرسنل نیروی انتظامی و خانواده آنها در محل سکونت یا حین مأموریت مورد اهانت و تهدید قرار گرفتند و افراد شوره به آنها و خانواده‌شان صدمه و خسارت می‌زنند و حتا در دفاتر خدماتی و مراکز درمانی غیرسازمانی در سطح استان‌ها از ارائه خدمات به آنها خودداری می‌کنند.

تأکید فلاحی به از دست رفتن اقتدار نیروهای امنیتی و انتظامی در حالپست که اواخر آبان ۱۴۰۱ یحیی رحیم صفوی مشاور علی خامنه‌ای با اشاره به «ضعف‌های نیروهای نظامی» در سرکوب اعتراضات گفته بود «انتظار داریم نیروهای مسلح که بسیج و سپاه بازوان قدرتمند آن هستند، اجازه ندهند این حوادث به طول بیانجامد.»

● حجت‌الاسلام احمدحسین فلاحی دوشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی با اشاره به افزایش تلفات بین مأموران امنیتی گفت «انتظار است که امنیت نیروهای امنیتی و انتظامی جدی‌تر گرفته شود و اقتدار به آنها بازگردد.»

● فلاحی در تذکری هشدار داد «برای نظام جمهوری اسلامی که امنیت را در منطقه و آب‌های بین‌المللی برقرار کرده، زیننده نیست که نیروهای انتظامی و امنیتی در کف خیابان‌ها به دست اوباش به شهادت برسند.»

● وی تأکید کرد: «انتظار می‌رود در قوانین بازنگری شود و ما مدت‌هاست که منتظر این کار هستیم، اما هنوز اتفاقی نیفتاده است.»

حملات فیزیکی و مسلحانه به مأموران انتظامی و همچنین آخوندها در گوشه و کنار ایران برای حکومت تبدیل به یک تهدید امنیتی شده است.

حجت‌الاسلام احمدحسین فلاحی دوشنبه ۱۸ اردیبهشت‌ماه در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی با اشاره به افزایش تلفات بین مأموران امنیتی گفت «انتظار است که امنیت نیروهای امنیتی و انتظامی جدی‌تر گرفته شود و اقتدار به آنها بازگردد.»

فلاحی در تذکری هشدار داد «برای نظام جمهوری اسلامی که امنیت را در منطقه و آب‌های بین‌المللی برقرار کرده، زیننده نیست که نیروهای انتظامی و امنیتی در کف خیابان‌ها به دست اوباش به شهادت برسند.»

وی تأکید کرد: «انتظار می‌رود در قوانین بازنگری شود و ما مدت‌هاست که منتظر این کار هستیم، اما هنوز اتفاقی نیفتاده است.»

همزمان دست‌کم ۸ نفر از فرماندهان ارشد نیروی انتظامی از سمت خود عزل یا جابجا شده‌اند. خبرگزاری فارس در گزارشی با عنوان «تغییرات در پلیس

این نماینده با تأکید بر اینکه «اسامی نمایندگان که خودرو دریافت کرده‌اند دست خود هیات رئیسه و هیات نظارت است» گفته است: «اینکه هیئت رئیسه رد کرد درست نیست چراکه این خودرو که رانت است به نمایندگان داده شده است.» احسان ارکانی دبیر هیئت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از نهاد ریاست جمهوری نیز روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت فاش کرد که «علاوه بر شماری از نمایندگان مجلس، مدیران نهاد ریاست جمهوری و وزارتخانه‌ها، قوه قضائیه و امامان جمعه نیز خارج از نوبت و ضوابط قانونی، خودرو دریافت کرده‌اند.» این رشوه‌گیری بزرگ حالا از سوی دولت نیز بطور تلویحی پذیرفته شده است. محمد حسینی روز چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت در حاشیه جلسه هیئت دولت درباره واگذاری اتومبیل به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دیگر مقامات حکومتی گفت: «این موضوع نه تنها ارتباطی با این دولت ندارد، بلکه ارتباطی به استیضاح وزیر صمت هم نداشت.»

مصطفی میرسلیم نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی گفته که «اخیراً هیچ موضوعی اتفاق نیفتاده است. اگر موردی بوده برای دو تا سه سال پیش است. حقیقت مشخص است اصل قضیه به یکسری از خودروها برمی‌گردد که اوایل این دوره مجلس بوده و طبق یک روالی به برخی افراد داده شد و اصلاً به استیضاح وزیر صمت ربط نداشته است.»

احمد بخارایی مدیرگروه جامعه‌شناسی سیاسی در انجمن جامعه‌شناسی ایران در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز» درباره این پرونده فساد گفته که این فساد اتفاق بزرگی است چون «قیمت این خودروها در مقایسه با حقوق یک کارگر، معلم، کارمند، کاسب جزء و... رقم قابل توجهی است. پس از این نظر در سطح خرد، اتفاق بزرگی رخ داد.»

این جامعه‌شناس گفته که «در سطح میانه با واحد تحلیل «نهاد»، مجلس جایی است که باید فارغ از گرایش‌ها و ارزش‌های سیاسی در خدمت مردم باشد. اما چه این دوره و چه در ادوار گذشته، نمایندگان نتوانستند در این راستا (فارغ از گرایش سیاسی) عمل کنند. همواره نیروهای رسمی و غیررسمی پشت صحنه در روند قانون‌گذاری تأثیرگذار بودند. نمایندگان مستقل برای فعالیت محدود هستند و تعدادشان هر دوره کمتر می‌شود. این مجلس با مجلس ایده‌آلی که یک نظام اجتماعی نیاز دارد، فاصله زیادی دارد.»

برخی نمایندگان مجلس اما اظهاراتی عجیب درباره این فساد داشته‌اند. نصرالله پژمانفر رئیس کمیسیون اصل نودم قانون اساسی مجلس‌شروه اتومبیل شاسی‌بلند را با بُن کارمندی برنج و روغن همسان دانسته و از آن دفاع کرده است: «نسبت به خودروهایی که گرفته شده باید بررسی جدید صورت بگیرد، اما بررسی‌های گذشته ما نشان می‌دهد که نمایندگان و کارمندان مجلس و مجموعه‌ها از هیچ رانتی استفاده نکرده‌اند و امور رفاهی در هر اداره‌ای چون برنج و روغن در اختیارشان گذاشته می‌شود!»

فریدون عباسی، نماینده مجلس نیز گفته که «چرا باید این گدای‌بازی‌ها را درآوریم و به ماشین شاسی‌بلند گیر بدهیم؟ مگر قیمت ماشین شاسی‌بلند چقدر است؟!»

احمد بخارایی در اینباره به «تجارت نیوز» گفته که «متأسفانه اهالی سیاست و کسانی که در قدرت هستند، عادت به نگاه تک‌بعدی دارند. نمی‌توانند نگاه جامع به یک پدیده داشته باشند. مجموع همه مواردی که توضیح داده شد، موجب می‌شود که فساد با شکل جدیدش توجیه شود.»

این جامعه‌شناس افزوده که «در نظام سیاسی ما پس از انقلاب، «تفسیر»، نقش محوری داشته است. زمانی که پای تفسیر به میان بیاید، قانون به حاشیه می‌رود. قانون مانند یک موم در دست مفسر است. بنابراین در ماجراهای این چنینی می‌تواند نمایندگان، خود و مستمعین خود را توجیه کنند.»

اعتبار قراردادهای جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر از جمله روسیه و چین

بخش پنج: مسئولیت دولت‌ها در قبال انعقاد قراردادهای بین‌المللی

● طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها که در نهایت توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در ۲۰۰۱ به تصویب رسید، اقدامات نادرست و خلاف قانون دولت‌ها را به شرح ماده یک اینگونه تعریف می‌کند: «هر اقدام نادرست بین‌المللی یک دولت مستلزم مسئولیت بین‌المللی آن کشور می‌باشد». کمیسیون حقوق بین‌الملل در اجلاس پنجاه و سوم سال ۲۰۰۱، متن این ماده را توضیح داده است و می‌گوید که ماده ۱، یعنی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، اصل اساسی زیربنای کلی همه موارد این طرح به شمار می‌رود و آن این است که نقض قوانین بین‌المللی توسط یک دولت منجر به مسئولیت بین‌المللی آن می‌شود.

● بر اساس تمامی نکات حقوقی مطرح شده، می‌توان قرارداد میان دولت چین و جمهوری اسلامی ایران را به لحاظ حقوق مغایر با قواعد حقوق بین‌الملل، و در نتیجه آن ناقض حقوق مردم ایران دانست. علاوه بر این، موضوع را از زاویه دید حقوق بشر و حقوق بین‌المللی ناظر بر سرمایه‌گذاری نیز مورد بررسی قرار داده، و بی اعتباری قرارداد را تثبیت نمود.

محمود مسائلی - به دنبال انعقاد قراردادهایی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای چین و روسیه، و چه بسا کشورهای دیگری، آیا پنهان کردن متن قراردادها از نقطه نظر حقوق بین‌الملل اعتبار آنها را مورد سؤال قرار نمی‌دهد؟ اگر چنین است، آن بی‌اعتباری چگونه و به چه طریق می‌تواند احراز شود؟ اساساً اینگونه قراردادها و معاهدات چه جایگاهی در همکاری‌های مسالمت‌آمیز بین‌المللی برای مقاصد صلح‌آمیز و مبتنی بر عدالت بر اساس حقوق بین‌الملل ایفا می‌کنند؟ مردم ایران چه اقداماتی را در رابطه با برملا ساختن اینگونه معاهدات می‌توانند ایفا کرده و یا زمینه‌های ابطال آنها را فراهم آورند؟

در بخش نخست به فرآیند و شکل قراردادها و در بخش دو به اعتبار آنها بر اساس منشور ملل متحد پرداخته شد. در بخش سه به جایگاه قراردادهای بین‌المللی در ارتباط با حق تعیین سرنوشت ملل و در بخش چهار به اعتبار قراردادهای بین‌المللی در مقاله‌نامه حقوق معاهدات پرداختیم. در این قسمت در ارتباط با مسئولیت دولت‌ها در قبال انعقاد قراردادهای بین‌المللی توضیح داده می‌شود.

بخش پنجم: مسئولیت دولت‌ها در قبال انعقاد قراردادهای بین‌المللی

حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز ابعاد دیگری از عدم اعتبار قرارداد را می‌تواند توضیح دهد. طرح مقاله‌نامه بین‌المللی مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات غیرقانونی بین‌المللی [۱] مصوب سال ۲۰۰۱ توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل، در ماده یک تصریح می‌دارد که «هر عمل نادرست بین‌المللی یک دولت، مسئولیت بین‌المللی آن کشور را در پی دارد».

سوابق این موضوع به دیوان‌های موقت کیفری نورنبرگ و توکیو برای مسئول نگه‌داشتن آنها که مرتکب جنایت‌های دروان جنگ جهانی دوم شدند، باز می‌گردد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره (۱) ۹۵ در سال ۱۹۴۶ رویه‌های قضایی برآمده از این دیوان‌ها را به عنوان



مقر سازمان ملل در نیویورک

اقدامات این است که دولت‌ها نمی‌توانند با تکیه بر حق حاکمیت ملی خود مرتکب هر نوع عملی شوند که در تضاد با اصول حقوق بین‌الملل باشد و اینکه آنها در قبال اینگونه اقدامات خلاف قانون خود مسئول هستند. دادگاه دائمی بین‌المللی دادگستری ویژگی‌های اینگونه اقدامات خلاف را خیلی پیشتر توضیح داده است: «این یک اصل حقوق بین‌الملل است که نقض یک تعهد مستلزم تعهد به جبران خسارت به شکل مناسب می‌باشد. بنابراین مکمل ضروری عدم اجرای یک قرارداد است و لزومی ندارد که این امر در آن قرارداد ذکر شده باشد.» [۳] اینگونه تلاش‌ها راه را برای مسئول نگه‌داشتن دولت‌ها به ویژه در موارد جنایات بین‌المللی و افرادی که کارهای خلاف قانون مرتکب می‌شوند، باز نگه می‌دارد.

اهمیت این تلاش‌ها در این نیاز جامعه بین‌المللی قرار دارد که مردم در قبال خودسری‌های نظام‌های خودکامه به نوعی مورد پشتیبانی قرار گرفته تا حقوق بینادین آنها زیر عنوان حق حاکمیت ملی توسط حکومت‌های خودکامه پایمال نشود. بنابراین درجه اهمیت مسئولیت حاصل از این اقدامات خلاف دولت‌ها به نوع وظیفه‌ای که در قبال جامعه بین‌المللی به عهده گرفته‌اند، مربوط می‌شود. هرچه آن وظایف مهمتر و در رابطه‌ای نزدیک‌تر با ارزش‌های

اصول حقوق بین‌الملل اعلام نمود. [۲] با این تصویب جامعه جهانی کوشید توضیح دهد کسانی که مرتکب جنایاتی علیه انسان‌های بی‌گناه می‌شوند، نمی‌توانند از مسئولیت در قبال آنچه انجام داده‌اند، شانه خالی کنند. این تلاش‌ها باعث شد تا جنایت علیه صلح و امنیت بین‌المللی با ماهیتی کیفری همراه باشد و برای آن رژیم‌های بین‌المللی خاصی در نظر گرفته شود. این قطعنامه و سپس قطعنامه شماره (۲) ۱۷۷ به کمیسیون حقوق بین‌الملل این مأموریت را تفویض نمود تا طرح قانونگذاری مربوط به مسئولیت دولت‌ها را در قبال کارهای خلافی که انجام می‌دهند تهیه نماید. اصول حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده در منشور دادگاه که توسط کمیسیون بین‌الملل در سال ۱۹۵۰ به تصویب رسید، بطور منطقی مسئولیت کیفری را بر مبنای فردی آن قرار داد. یعنی اینکه این افراد هستند که عمل خلاف اصول حقوق بین‌الملل را انجام می‌دهند و نه نهادهای انتزاعی. بنابراین، تنها با مجازات افرادی که مرتکب چنین جنایاتی می‌شوند، می‌توان مفاد و اصول حقوق بین‌الملل را اجرا کرد. این پیش‌زمینه‌ها باعث شد تا در همان سال کمیسیون حقوق بین‌الملل مأموریت انجام پیش‌نویس طرحی را برای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اقدامات خلافی که انجام می‌دهند، به عهده گیرند. نظریه نهفته در این

قواعد مصرحه حقوق بین‌الملل، که در بالا شرح آن رفت، و به ویژه بند دوم ماده ۲ مذکور، مرتکب اقدامی غیرقانونی و نادرست شده است. بنابراین مسئولیت این اقدام غیرقانونی را باید بپذیرد. دادگاه بین‌المللی دادگستری در قضیه فلات قاره دریای اژه در دعوی که یونان علیه ترکیه مطرح ساخته بود، تصمیمی را اتخاذ نمود که مبنای برای قضایای مشابه در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها شد. یونان برای حمایت از صلاحیت دادگاه بین‌المللی دادگستری، دو سند از جمله بیانیه مشترک میان نخست وزیران یونان و ترکیه را به دادگاه ارائه کرد. دادگاه به درستی دریافت که این اسناد مصداق توافق نامه بین‌المللی نیستند که بتوانند صلاحیت دادگاه را برای ورود به موضوع احراز نمایند. با این حال، اظهار داشت که «اینکه چنین اسناد مذکور توافقی را تشکیل می‌دهند یا نمی‌دهند، اساساً به ماهیت عمل یا معامله‌ای که انجام می‌شود بستگی دارد.» برای تعیین «ماهیت عمل»، دادگاه «شرایط واقعی آن و شرایط خاص تنظیم آن» را مورد توجه قرار داد. [۱۰] از آن زمان به بعد دادگاه مذکور، از این معیارها به روشنی (و هم بطور ضمنی)، در سایر موارد استفاده کرده است.

با توجه به توضیحات مذکور، که البته به دلیل فشرده بودن با نارسایی‌هایی همراه است، می‌توان قرارداد میان دولت چین و جمهوری اسلامی ایران را به لحاظ حقوق مغایر با قواعد حقوق بین‌الملل، و در نتیجه آن ناقض حقوق مردم ایران دانست. علاوه بر این، موضوع را از زاویه دید حقوق بشر و حقوق بین‌المللی ناظر بر سرمایه‌گذاری نیز مورد بررسی قرار داده، و بی اعتباری قرارداد را تثبیت نمود.

[ادامه دارد]

*دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ به مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

[۱] Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts: https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/draft_articles/9_6_2001.pdf

[۲] Affirmation of the Principles of International Law recognized by the Charter of the Nürnberg Tribunal General Assembly resolution 95 (I), New York, 11 December 1946

[۳] Permanent Court of International Justice, Case Concerning Factory at Chorzow, Claim for indemnity Jurisdiction, p. 21

[۴] Erga omnes obligations

[۵] The ICJ, The Case Concerning the Barcelona Traction, Light and Power Company, judgment of 05 February 1970, p.32

[۶] نگاه کنید به نوشتاری در این مورد در کیهان لندن

[۷] Commentaries to the draft articles on Responsibility of States for internationally wrongful acts adopted by the International Law Commission at its fifty-third session (2001)

[۸] همان منبع

[۹] همان منبع

[۱۰] <https://www.icj-cij.org/en/case/62>

است. در قضیه دیگری نیز دیوان داوری تاکید کرد که «هرگونه نقض تعهد از سوی یک دولت، با هر دلیلی که داشته باشد، مسئولیت دولت را به همراه دارد.» [۸] بنابراین، اصطلاح مسئولیت بین‌المللی در ماده ۱، روایتی را در بر می‌گیرد که بر اساس حقوق بین‌الملل از اقدام متخلفانه بین‌المللی یک دولت ناشی می‌شود، خواه این روابط محدود به دولت متخلف و یک کشور آسیب دیده باشد یا اینکه به سایر کشورها یا درواقع به سایر کشورها نیز گسترش یابد. موضوعات حقوق بین‌الملل، و اینکه آیا آنها بر تعهدات استرداد یا غرامت متمرکز هستند یا به دولت آسیب‌دیده امکان پاسخگویی از طریق اقدامات متقابل را می‌دهند.

ماده ۲ همان طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز تحت عنوان عناصر تشکیل دهنده مسئولیت ناشی از عمل نادرست کشورها، می‌گوید: «انجام یک عمل یا عدم انجام آن، یک اقدام نادرست بین‌المللی می‌باشد، وقتی که: الف) طبق قوانین بین‌المللی قابل انتساب به یک کشور است.

ب) به منزله نقض تعهدات بین‌المللی دولت باشد. بر اساس همان تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل، ماده ۲ مذکور شرایط لازم برای اثبات وجود یک عمل خلاف بین‌المللی دولت، یعنی عناصر تشکیل دهنده چنین عملی را مشخص می‌کند. در اینجا دو عنصر مشخص در نظر گرفته شده است: اولاً، رفتار مورد بحث باید طبق قوانین بین‌المللی قابل انتساب به دولت باشد. ثانیاً، برای اینکه مسئولیتی به اقدامات دولت منسوب شود، این رفتار باید نقض یک تعهد حقوقی بین‌المللی باشد که در آن زمان برای آن دولت وجود داشته است. این دو عنصر، به عنوان مثال، توسط دادگاه دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه فسفات در مراکش مشخص شد که طی آن دادگاه صراحتاً ایجاد مسئولیت بین‌المللی را با وجود «عملی که منتسب به دولت است» مرتبط دانسته و آن را مغایر با حقوق معاهده دولت دیگر توصیف کرده است. دادگاه بین‌المللی نیز در موارد متعدد به این دو عنصر اشاره کرده است. در قضیه دیپلماتیک و کنسولی دادگاه خاطرنشان ساخت که برای احراز مسئولیت ایران ابتدا باید مشخص شود که از نظر قانونی تا چه حد ممکن است اعمال مورد نظر به دولت ایران قابل انتساب باشد. ثانیاً، باید سازگاری یا ناسازگاری آنها را با تعهدات ایران به موجب معاهدات لازم الاجرا یا سایر قواعد حقوق بین‌الملل که ممکن است قابل اجرا باشد، مورد بررسی قرار گیرد. [۹]

رفتار قابل انتساب به دولت می‌تواند شامل اقداماتی خلاف و یا ترک کاری باشد. مواردی که در آنها مسئولیت بین‌المللی یک دولت بر اساس قصور مورد استناد قرار گرفته حداقل به اندازه مواردی است که بر اساس اقدامات منسوب به دولت ایجاد شده و در اصل تفاوتی بین این دو وجود ندارد. به نظر کمیسیون، علاوه بر این، ممکن است این دو مشکل‌ساز باشد. اما در هر صورت مسئولیت دولت در قبال آنها وجود دارد. برای مثال در پرونده کانال کورفو، دادگاه بین‌المللی دادگستری اعلام کرد که مبنای کافی برای مسئولیت آلبانی وجود دارد زیرا آن کشور از وجود مین‌های دریایی در آب‌های سرزمینی خود اطلاع داشته است. بنابراین، می‌بایست به کشورهای ثالث هشدار می‌داد اما در انجام آن قصور ورزیده است.

توضیح و تفسیر طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مستلزم فضای کافی است که بطور طبیعی در این نوشتار نمی‌تواند قرار گیرد. اما می‌توان از تفسیر دو ماده مذکور این فرضیه را به اشتراک گذاشت که دولت جمهوری اسلامی ایران با نقض

جامعه بین‌المللی باشد، میزان و درجه مسئولیت خطرتر می‌باشد. مهم‌ترین این وظایف آنهایی هستند که زیر قاعده اجتناب‌ناپذیر «تعهد نسبت به جامعه بین‌المللی» [۴] نامگذاری شده‌اند. این تعهدی است که هر دولتی باید نسبت به جامعه بین‌المللی به عهده گیرد. بنابراین، حتی اگر در قراردادها و معاهداتی هم متبلور نشده باشد، همچنان بر عهده دولت‌ها می‌ماند. دادگاه بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکسیون آنرا به روشن‌ترین شکل ممکن توضیح داده است: «باید بین تعهدات یک کشور در قبال جامعه بین‌المللی به عنوان یک کل، و تعهدات ناشی از یک کشور دیگر در زمینه حمایت دیپلماتیک، تمایز اساسی قائل شد. مورد اول به دلیل ماهیت خود مورد توجه همه کشورها می‌باشد... آنها تعهداتی هستند که نسبت به همه وجود دارد و باید رعایت شوند.» [۵]

اهمیت موضوع مسئولیت بین‌المللی نسبت به جرائم خطیر مانند جنایت‌های انجام شده از سوی دولت‌ها به گونه‌ای است که در حوزه صلاحیت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی هم قرار می‌گیرد. شاید با قید احتیاط فراوان در اینجا بتوان این فرضیه را به آزمایش گذاشت که اگر اقدام خطای انجام شده توسط دولت جمهوری اسلامی به گونه‌ای باشد که مشمول مواد مندرج در مقاله‌نامه رم باشد، می‌توان آنرا به عنوان جنایت بین‌المللی مورد توجه قرار داد. یکی از این گونه جنایات به عنوان مثال، پهنادهای ساخت حکومت اسلامی و استفاده از آنها در تجاوز نظامی روسیه به اوکراین، به عنوان همدستی در جنایت علیه بشریت و مسئولیت بین‌المللی حاصل از آن است. [۶]

طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها که در نهایت توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در ۲۰۰۱ به تصویب رسید، اقدامات نادرست و خلاف قانون دولت‌ها را به شرح ماده یک اینگونه تعریف می‌کند: «هر اقدام نادرست بین‌المللی یک دولت مستلزم مسئولیت بین‌المللی آن کشور می‌باشد.» کمیسیون حقوق بین‌الملل در اجلاس پنجاه و سوم سال ۲۰۰۱، متن این ماده را توضیح داده است و می‌گوید که ماده ۱، یعنی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، اصل اساسی زیربنای کلی همه موارد این طرح به شمار می‌رود و آن این است که نقض قوانین بین‌المللی توسط یک دولت منجر به مسئولیت بین‌المللی آن می‌شود. عمل متخلفانه بین‌المللی یک دولت ممکن است شامل یک یا چند عمل یا ترک فعل یا ترکیبی از هر دو باشد. اینکه آیا یک عمل خلاف بین‌المللی وجود داشته یا نه، اولاً به الزامات تعهدی که گفته می‌شود نقض شده و ثانیاً به چارچوب آن بستگی دارد.

بر اساس همان تحلیل کمیسیون، دیوان دادگاه دادگستری بین‌المللی، اصل مندرج در ماده ۱ مربوطه را در تعدادی از پرونده‌های ارجاع شده به آن دادگاه اعمال کرده است. به عنوان مثال در قضیه فسفات در مراکش، دادگاه دائمی تأیید کرد که وقتی دولتی مرتکب یک عمل غیرقانونی بین‌المللی علیه دولت دیگری می‌شود، مسئولیت بین‌المللی بلافاصله بین دو دولت شکل می‌گیرد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز این اصل را در موارد متعددی اعمال کرده است. برای مثال در پرونده کانال کورفو و یا در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی، دیوان به این اصل اشاره کرده است. در مورد تفسیر معاهدات صلح نیز تاکید شده است که «امتناع از انجام تعهدات معاهده مستلزم مسئولیت بین‌المللی است.» [۷] دادگاه‌های داوری مکرراً این اصل را تأیید کرده‌اند، به عنوان مثال در دعوی افراد ایتالیایی مقیم پرو، در قضیه شرکت بین‌المللی شیلات، و در دعوی بریتانیا در پرونده اسپانیایی منطقه مراکش، و در قضیه شرکت آرمسترانگ باز هم موضوع مسئولیت بین‌المللی مورد تاکید قرار گرفته

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به دنبال جنگ با اسرائیل هستند؟!



پدافند نیروگاه فردو حوالی قم

این همواره خط قرمز من بوده و هر نوع مداخله نظامی برای من به عنوان یک ملی‌گرا مردود است و فکر می‌کنم بسیاری از ایرانیان با من در این زمینه هم‌نظر هستند.»

پیش از این مکس هیستینگز روزنامه‌نگار و مورخ نظامی بریتانیایی در مقاله‌ای که «تایمز» در ماه آوریل منتشر کرد نوشته بود «اسرائیل ممکن است مجبور شود با ایران مجهز به سلاح هسته‌ای کنار بیاید.»

وی می‌نویسد «بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل به دنبال ابتکاراتی برای احیای اقتدار خود و دست‌کم در پی ترمیم پایگاه سیاسی خود در داخل اسرائیل است. یکی از گزینه‌های اصلی وی اقدام نیروی هوایی علیه رژیم ایران است اما حمله نظامی به ایران در تضاد با منافع ایالات متحده است و تنها تولید تسلیحات [هسته‌ای] را به تأخیر می‌اندازد.»

وی با اشاره به وضعیت اسرائیل تأکید می‌کند «اگر فقط یک موضوع همچنان ملتی را که از هم پاشیده متحد کند، این باور است که جمهوری اسلامی با سلاح اتمی تهدیدی غیرقابل تحمل است. حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران اگر نه یک بحران جهانی اما یک بحران منطقه‌ای را تسریع خواهد کرد. نتانیاهو بارها و بارها نشان داده است که بقای سیاسی شخصی را بالاتر از همه منافع دیگر قرار می‌دهد.»

هیستینگز به نقل از یک منبع آگاه می‌نویسد «حمله به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی کاملاً محتمل است.» وی همزمان تأکید کرده است که با چنین اقدامی نمی‌توان به یک نتیجه قاطع دست یافت.

در این میان به نظر می‌رسد جریان نزدیک به مرکز اصلی قدرت شامل فرماندهان ارشد سپاه پاسداران و شماری از سیاستمداران حزب‌اللهی به دنبال جنگ هستند. حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک سخنرانی با تهدید اسرائیل گفته «مردم آماده جهادی پایان‌ناپذیر تادرهم شکستن استخوان‌های دشمن هستند!» نکته قابل توجه اینکه این جنگ‌طلبان شریک هم دارند: ارتش جمهوری اسلامی.

پیشتر کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی تهدید کرده بود «پهپاد آر۳ قابلیت‌های منحصر به فردی دارد و برای حمله به حیفا و تل‌آویو ساخته شده! فرمانده ارتش ساختاری برای نابودی اسرائیل ایجاد کرده» اما «من اجازه ندارم درباره این ساختار صحبت کنم!»

سرلشکر عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش جمهوری اسلامی نیز عنوان می‌کند «بزرگترین آرمان و آرزویم محو و نابودی رژیم صهیونیستی است!»

در همین ارتباط، روزنامه «تایمز» اخیراً به نقل از منابع اطلاعاتی غربی نوشت سپاه قدس به دنبال ایجاد مکانیسم هماهنگ علیه اسرائیل است.

عمل اسرائیل برای مقابله با آن به رسمیت شناخته خواهد شد! این اظهارات سالیوان و شمخانی کمتر از ۱۰ روز پس از آن ابراز شده که منابع دولتی جمهوری اسلامی ادعا کردند بین وزرای خارجه جمهوری اسلامی و عمان در مورد «رفع تحریم‌ها» مذاکرات محرمانه انجام شده است. حسین امیرعبداللّه‌یان در جریان سفر به مسقط ادعا کرد «عمانی‌ها برای باز کردن گره مذاکرات ابتکار عمل تازه‌ای روی میز گذاشته‌اند». حالا چنین به نظر می‌رسد که حتی در صورتی که طرفین پشت پرده در حال مذاکره باشند اما از قرار معلوم توافقی صورت نگرفته است.

محمد مرندی پسر پزشک مخصوص علی خامنه‌ای و مشاور تیم مذاکره‌کننده اتمی جمهوری اسلامی پیش از این در مصاحبه با شبکه «المیادین» گفته بود «ایران آماده پذیرش متن توافق اتمی است اما آمریکا دارای اراده سیاسی برای امضای این توافق نیست، زیرا جو بایدن می‌تسد که آن را امضا کند و دشمنانش از آن، علیه او در انتخابات آتی استفاده کنند.»

مقامات جمهوری اسلامی مرتب می‌گویند حق ایران برای هرگونه اقدام لازم در برابر اقدامات خرابکارانه اسرائیل محفوظ است. سال‌هاست طرفین در «جنگ سایه» با یکدیگر قرار دارند که حتی دامنه آن فراتر از خاورمیانه رفته است.

سه مقام اروپایی گفتند، بریتانیا، فرانسه و آلمان که نگران برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی هستند به مقامات تهران هشدار دادند که اگر غنی‌سازی اورانیوم را به ۹۰ درصد برسانند تحریم‌های سازمان ملل بازخواهد گشت.

موضع رسمی کاخ سفید همچنان «دستیابی به توافق با راه حل دیپلماتیک برای برنامه هسته‌ای ایران» است اما چراغ سبز واشنگتن و بطور کل غربی‌ها به اسرائیل می‌تواند حامل یک پیام جدی به تهران باشد. با اینهمه باید پرسید چرا دولت‌های غربی با ژست اجتناب از درگیری و جنگ، حاضرند در مورد «اقدام نظامی» دست اسرائیل را باز بگذارند اما در مورد گزینه «سرنگونی جمهوری اسلامی با تقویت جنبش آزادیخواهانه مردم ایران علیه حکومت» مواضع روشنی ندارند؟! در حالی که این گزینه به سود همه طرفین بجز جمهوری اسلامی است! درست همین مسئله برای جمهوری اسلامی به ابزار جنگ روانی تبدیل شده است. مقامات و رسانه‌های حکومتی در ایران بعد از سفر شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل به دروغ ادعا کردند وی برای ترغیب بنیامین نتانیاهو به استفاده از گزینه نظامی علیه ایران به تل‌آویو رفت در صورتی که شاهزاده از مخالفان شاخص جنگ است که همواره بر آن تأکید و گزینشی حمایت از جنبش آزادیخواهی مردم را مطرح کرده است. وی اخیراً نیز در پاسخ به پرسشی درباره استقبال از حمله نظامی اسرائیل به ایران مانند همیشه با صراحت تکرار کرد: «قطعا نه!

● جیک سالیوان مشاور امنیت ملی دولت آمریکا گفته در صورت اقدام ایران برای ساخت سلاح اتمی، آمریکا آزادی عمل اسرائیل برای مقابله با آن را به رسمیت خواهد شناخت.

● علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی در واکنش به اظهارات سالیوان گفته «این اعتراف یعنی مسئول همه اقدامات تروریستی رژیم صهیونیستی علیه افراد و تأسیسات اتمی ایران تا کنون آمریکا بوده و خواهد بود و طبعاً باید تبعاتش را بپذیرد». این در حالیست که همین سخنان شمخانی را می‌توان اعتراف به «اقدام برای ساخت بمب هسته‌ای» دانست چرا که مشاور امنیت ملی ریاست جمهوری آمریکا گفته است «در صورت» اقدام برای ساخت سلاح هسته‌ای توسط رژیم ایران، آزادی عمل اسرائیل برای مقابله با آن به رسمیت شناخته خواهد شد!

● محمد مرندی پسر پزشک مخصوص علی خامنه‌ای و مشاور تیم مذاکره‌کننده اتمی جمهوری اسلامی پیشتر در مصاحبه با شبکه «المیادین» گفته بود «ایران آماده پذیرش متن توافق اتمی است اما آمریکا دارای اراده سیاسی برای امضای این توافق نیست.»

● کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی تهدید کرده «پهپاد آر۳ قابلیت‌های منحصر به فردی دارد و برای حمله به حیفا و تل‌آویو ساخته شده! فرمانده ارتش ساختاری برای نابودی اسرائیل ایجاد کرده» اما «من اجازه ندارم درباره این ساختار صحبت کنم!» سرلشکر عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش جمهوری اسلامی نیز عنوان می‌کند «بزرگترین آرمان و آرزویم محو و نابودی رژیم صهیونیستی است!»

جیک سالیوان مشاور امنیت ملی دولت آمریکا گفته در صورت اقدام جمهوری اسلامی ایران برای ساخت سلاح اتمی، آمریکا آزادی عمل اسرائیل را برای مقابله با آن به رسمیت خواهد شناخت.

علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی در واکنش به اظهارات سالیوان با تکرار سخنان وی گفته «در صورت اقدام ایران برای ساخت بمب هسته‌ای، آمریکا آزادی عمل اسرائیل برای مقابله با آن را به رسمیت خواهد شناخت. این اعتراف یعنی مسئول همه اقدامات تروریستی رژیم صهیونیستی علیه افراد و تأسیسات اتمی ایران تا کنون آمریکا بوده و خواهد بود و طبعاً باید تبعاتش را بپذیرد». این در حالیست که همین سخنان شمخانی را می‌توان اعتراف به «اقدام برای ساخت بمب هسته‌ای» دانست چرا که مشاور امنیت ملی ریاست جمهوری آمریکا گفته است «در صورت» اقدام برای ساخت سلاح هسته‌ای توسط رژیم ایران، آزادی



فاطمه سپهری

فشار و شکنجه روانی مأموران حکومت علیه فاطمه سپهری در بیمارستان

حاصل و در نتیجه بزهکاری وی محرز تشخیص [داده شد] ... و نامبرده را به تحمل یک سال حبس و پرداخت دویست میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم می‌نماید.»

فاطمه سپهری سیزدهم آذرماه گذشته در پیمای از زندان وکیل آباد از مردم خواست نگذارند «خون ژینها، کیانها، خاندورها و ابوالفضلها» فراموش شود. او تأکید کرد که «تا جمهوری اسلامی از بین نرود، ما روز خوش نداشته و نخواهیم داشت.»

پیشتر اصغر سپهری متن دفاعیه خواهرش در دادگاه را در توییتر منتشر کرده بود. در این دفاعیه گفته شده که «من فاطمه سپهری که در سال ۶۰ با شهادت همسرم مورد خصومت گماشتگان خمینی در بنیاد شهید قرار گرفته و تافرش زیر پای من و فرزندم را کشیدند و به هیچکس نیز پاسخگو نبودند تا ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ که توسط گماشتگان خامنه‌ای در وزارت اطلاعات در منزل دستگیر شدم و حقوقم را به دستور شخص خامنه‌ای قطع نمودند. ۳۱ شبانه روز در سلول انفرادی اطلاعات بودم که به علت وخیم شدن حامل به بیمارستان امام رضا منتقل و ۶ و ۲ آبان تحویل زندان وکیل آباد شدم و به بند ۵ نسوان منتقل و فعلا در شبانه روز ۱ ساعت هواخوری داشته و تلفن کوتاه و شدیداً کنترل می‌شود.»

در ادامه آمده بود که «ناراحتی و درد شدید دستم که مورد تأیید پزشک زندان قرار گرفته و چندین بار کورتون تزریق شده به دستور قاضی پرونده از پیگیری درمان محروم شده‌ام. ۳ بار بازداشت موقت من جهت تراشیدن اتهامات تهدید شد تا در ۲۸ دی‌ماه در شعبه ۱۴۲ به ریاست قاضی عرب به جرم نشر اکاذیبی مانند تقلب در انتخابات سال ۸۸، کشته شدن ۱۵۰۰ نفر در آبان ۹۸، بخشیدن ایران به روس و چین، بدون حضور خود در دادگاه به ۱ سال حبس و ۲۰ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شدم. در جلسه دوم در تاریخ ۱۷ بهمن در شعبه ۱۱ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی سرشناس مشهدی هادی منصوری بدون ابلاغ قبلی به خودم یا وکیلیم به صورت بسیار ناگهانی و مخفیانه و مزورانه محاکمه شدم و متهم به توهین به رهبر فقید و حاضر، همکاری با دول متخاصم و مصاحبه با شبکه‌های معاند شدم که همه از طرف من رد شد.»

فاطمه سپهری در پایان افزوده بود که «من در اینجا به مسئولین بی‌مسئولیت کشور هشدار می‌دهم که من و میلیون‌ها نفر دیگر قبل از اینکه مخالف این نظام محسوب شویم حاصل عملکرد شما هستیم که ۴۴ سال در رنج و غم و اندوه و عملکرد ظالمانه شما از قبیل اختلاس، تجاوز، حیف و میل بیت‌المال، سوء مدیریت‌های متعدد، جنگ‌افروزی و ناآرامی در جهان و کشور و هزاران جنایت دیگر به ستوه آمده و دیگر تاب تحمل هیچکدامتان را نداریم و تا پس گرفتن کشور و سرزمین‌مان از پای نخواهیم نشست.»

به رژیم غذایی مناسب دارد و همچنین به بیماری فشار خون مبتلاست. پس از بازداشت خواهرم در ۳۰ شهریور سال گذشته، به دلیل درد شدید دستش، چندین بار به او کورتون تزریق شده تا اینکه امروز برای بار سوم مورد جراحی قرار گرفت.»

فاطمه سپهری زاده ۱۳۴۳ و دارای مدرک لیسانس مدیریت بازرگانی از دانشگاه فردوسی مشهد است. او همسرش را در اوایل دهه شصت خورشیدی در جنگ ایران و عراق از دست داده و بر اساس قوانین جمهوری اسلامی جزو «خانواده شهید» به شمار می‌رود. با وجود تبلیغات سازمانیافته و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی برای بهره‌برداری از جانب‌ناگهان و مصدومان جنگ ایران و عراق اما فاطمه سپهری در سال‌های گذشته فشارهای زیاد امنیتی و قضایی را از سوی جمهوری اسلامی به دلیل مخالفت‌اش با حکومت متحمل شده است.

فاطمه سپهری از جمله امضاکنندگان بیانیه معروف به ۱۴ نفر است که در آن بر «گذار از جمهوری اسلامی» و «لزوم استعفاي خامنه‌ای از قدرت» تأکید شده بود.

دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی پس از انتشار این نامه، فاطمه سپهری را بازداشت کرد و قوه قضاییه او را به تحمل ۳ سال و شش ماه حبس محکوم کرد. با این حال سپهری پس از تحمل ۹ ماه حبس، به دلیل آنکه همسرش جزو کشته‌شدگان جنگ ایران با عراق بود با عفو زندانیان که از سوی علی خامنه‌ای صادر می‌شود آزاد شد. فاطمه سپهری اما پس از آزادی اعلام کرد که نیازی به عفو خامنه‌ای ندارد چون اساساً «رهبری» جمهوری اسلامی را قبول ندارد.

محمدحسین سپهری برادر دیگر فاطمه سپهری و یکی دیگر از امضاکنندگان بیانیه مشهور به «چهارده امضا» نیز به اتهام درخواست استعفاي خامنه‌ای از سال ۹۸ در زندان وکیل‌آباد مشهد زندانی است.

بازداشت آخر فاطمه سپهری که به صدور حکم زندان علیه وی انجامیده، در نخستین روزهای جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی و در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ با یورش مأموران امنیتی به خانه‌اش انجام شد.

فاطمه سپهری دی‌ماه ۱۴۰۱ با حکم شعبه ۱۴۲ دادگاه مشهد، به یک سال زندان و پرداخت ۲۰ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم گشت. بر اساس این رأی اتهامات فاطمه سپهری «نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی به واسطه فعالیت در فضای مجازی و مصاحبه با رسانه‌های فارسی زبان خارج از ایران» بوده است.

در حکم صادره علیه فاطمه سپهری آمده که «تحقیقات اخیر از ایشان در دادسرا، نحوه اظهارات و دفاعیات وکیل وی در جلسه دادگاه، سوابق محکومیت وی و سایر محتویات پرونده که در مجموع برای دادگاه علم به ارتکاب بزه از سوی متهم

● تمام مدتی که این زندانی سیاسی در بیمارستان بستری است، به صورت مداوم چند مامور مسلح مرد و زن در اتاق وی حضور دارند.

● اصغر سپهری: خواهرم به فیزیوتراپی نیاز دارد و طبق نظر پزشک نباید زیر فشار روانی و استرس ناشی از زندان باشد. خواهرم به دلیل بیماری قند و فشار خون نیاز به رژیم غذایی مناسب دارد.

● فاطمه سپهری دی‌ماه ۱۴۰۱ با حکم شعبه ۱۴۲ دادگاه مشهد، به یک سال زندان و پرداخت ۲۰ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شد.

فاطمه سپهری زندانی سیاسی که چند روز پیش برای عمل جراحی دست به بیمارستان منتقل شده با آزار روانی مأموران امنیتی روبروست و نه تنها ممنوع‌الملاقات است بلکه چند مأمور زن و مرد بطور مداوم در اتاق او حضور دارند.

فاطمه سپهری فعال سیاسی و از امضاکنندگان بیانیه ۱۴ نفر که خواستار استعفاي علی خامنه‌ای و گذار از جمهوری اسلامی شده بودند، در زندان «وکیل‌آباد» مشهد محبوس است و اکنون برای سومین بار تحت عمل جراحی دست قرار گرفته. او تحت تدابیر شدید امنیتی به بیمارستان منتقل شده، ممنوع‌الملاقات بوده و در روزهای گذشته اعضای خانواده نتوانستند با او دیدار داشته یا او را در بیمارستان همراهی کنند.

آخرین گزارش‌ها حاکیست که تمام مدتی که این زندانی سیاسی در بیمارستان بستری بوده، به صورت مداوم چند مامور مسلح مرد و زن در اتاق وی حضور دارند.

کاربران در شبکه‌های اجتماعی در واکنش به این خبر نوشته‌اند که محجبه بودن فاطمه سپهری در حالی که مأموران مرد بطور مداوم در اتاق او هستند، به خاطر شکنجه‌ی بیشتر وی انجام می‌شود.

یکی از کاربران توییتر در اینباره نوشته که «می‌گویند در بیمارستان چند مرد مسلح بالای سر بانو فاطمه سپهری هستند. مدعیان مسلمانی در روزهای بیماری که انسان نیاز به راحت بودن و استراحت دارد، بالای سر یک زن محجبه مأمور مرد فرستاده‌اند! صدام‌الته پس از دهه‌ها خبر تجاوز و تعرض به زنان زندانی، متعجب نیستیم، خشمگینیم!»

فاطمه سپهری به دلیل وجود توده‌ای در دست چپ و نیاز فوری به عمل جراحی به بیمارستان منتقل شد. این سومین عمل جراحی بر دست چپ اوست. اصغر سپهری برادر فاطمه سپهری همزمان با انتقال این زندانی سیاسی به بیمارستان با انتشار توییتهایی نوشته بود که «خواهرم نیاز به فیزیوتراپی دارد و طبق نظر پزشک نباید زیر فشار روانی و استرس ناشی از زندان باشد. باید به او مرخصی دهند تا دوره نقاهت را در خانه باشد.»

اصغر سپهری افزوده بود که «خواهرم به دلیل بیماری قند نیاز

تعیین ۱۰ نقطه در تهران برای برگزاری تجمعات قانونی!



اعتراضات سراسری در ایران - شهریور ۱۴۰۱

ثبت درخواست می‌توانند نسبت به برگزاری تجمع اقدام کنند اما تأکید شده جمعیت شرکت‌کننده باید کمتر از سیصد نفر باشد و البته باز همه شروط اعلام شده در ماده‌های ۴ و ۵ نیز در تجمعات صنفی رعایت شود.

حتی اگر با محدودیت‌های زیادی که در این لایحه پیش‌بینی شده، یک تجمع برگزار شود، در اینصورت نیروی انتظامی دارای این حق است که هر لحظه از برگزاری تجمع تشخیص داد دستور توقف آن و پراکنده شدن شرکت‌کنندگان را صادر کند.

در لایحه آمده که برقراری نظم و انتظام داخلی تجمع یا راهپیمایی بر عهده برگزارکنندگان بوده و حفاظت و تأمین امنیت تجمع و راهپیمایی بر عهده فرماندهی انتظامی است. هرگاه فرماندهی انتظامی تشخیص داد که تجمع یا راهپیمایی به سمت اخلاف در نظم عمومی یا ایجاد ناامنی حرکت می‌کند، موظف ایست دستور توقف آن را صادر کند و در صورت عدم امکان توقف راهپیمایی می‌تواند نسبت به متفرق کردن شرکت‌کنندگان اقدام کند.

در بخش دیگری نیز برای «مجازات قضایی» برگزارکنندگان پیش‌بینی‌هایی صورت گرفته است: «هر یک از مقامات عمومی که مانع برگزاری تجمعات قانونی شوند، در مرجع صالح محاکمه خواهند شد. رسانه‌ها نیز آزادند که این تجمعات قانونی را پوشش خبری دهند.»

موضوع تعیین مکانی برای تجمعات اعتراضی در سال‌های اخیر مطرح شده است. این ایده نخستین بار توسط اصلاح‌طلبان عنوان شد که به نظر می‌رسد هدف آنها ایجاد سازوکاری به سود خود برای در دست گرفتن مسئولیت «تخلیه پتانسیل اعتراضی» جامعه بوده است.

پس از اعتراضات دی ۹۶ تعیین مکان‌هایی برای اعتراضات مردم پررسته‌تر شد. دولت حسن روحانی در سال ۹۷ تعیین محل‌های مناسب برای تجمع‌های گروه‌های مختلف مردمی را در تهران و شهرستان‌ها تعیین و تصویب کرده بود. این مصوبه اما شهریور سال ۱۳۹۸ از سوی دیوان عدالت اداری ابطال شد.

است، اما در دو ماده آن شروطی گذاشته شده که باز هم «تجمعات قانونی» را به تجمعات سازمانیافته حکومتی خلاصه می‌کند و هر تجمع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، صنفی و حتی محیط زیستی را می‌تواند از شمول «تجمعات قانونی» مورد نظر این لایحه خارج کند.

بر اساس ماده‌های ۴ و ۵ این لایحه، هرگونه تجمع که «به استقلال، وحدت و تمامیت ارضی ایراد وارد کرده، به مقدسات دینی بی حرمتی کند، در آن سلاح حمل شود، موجب اخلاف در نظم و امنیت شود، احتمال تخریب اموال عمومی و خصوصی برود، به محتوای اصول تغییرناپذیر قانون اساسی ایراد وارد شود، موجب ایجاد اخلاف جدی در خدمات رسانی به شهروندان شود و برگزارکنندگان بر اساس قوانین یا آرای مراجع قضایی فاقد صلاحیت برگزاری تجمع باشند، ممنوع است.»

قابل توجه اینکه پس از محدود ساختن محتوای تجمعات در این دو ماده، در نهایت دست قوه قضاییه برای اعلام عدم صلاحیت برگزارکنندگان نیز باز گذاشته شده و بدین ترتیب با یک نامه قوه قضاییه برگزاری هرگونه تجمعی ممنوع خواهد بود!

از سوی دیگر در این لایحه آمده که اگر فرماندار تشخیص دهد که شرایط ماده ۴ و ۵ رعایت نشده است، می‌تواند مانع برگزاری تجمع شود.

همچنین در این لایحه تأکید شده که تجمع باید حداکثر بیست و حداقل پنج روز کاری پیش از برگزاری تجمع، تقاضای خود را در سامانه مخصوص ثبت کنند. آنها باید اسامی برگزارکنندگان، هدف تجمع، مکان و تاریخ و ساعت تجمع، تعداد تخمینی تجمع‌کنندگان، اسامی سخنرانان، متن قطعنامه و فهرست لوازم و تجهیزات مورد استفاده را اعلام کنند. فرمانداری هم موظف است ظرف چهار روز کاری از زمان ثبت درخواست، نسبت به تأیید یا رد درخواست اقدام نماید.

در بخش دیگری از لایحه پیش‌بینی شده که تجمعات کارگری و صنفی به مجوز فرمانداری نیاز ندارند و افراد با

● دو ماده لایحه شروطی دارد که «تجمعات قانونی» را به تجمعات سازمانیافته حکومتی خلاصه می‌کند و هر تجمعی را می‌تواند از شمول «تجمعات قانونی» مورد نظر این لایحه خارج کند.

● مجلس شورای اسلامی هم بطور موازی به دنبال طرحی در رابطه با برگزاری اعتراضات بوده است.

● دولت حسن روحانی در سال ۹۷ تعیین محل‌های مناسب برای تجمع‌های گروه‌های مختلف مردمی را تصویب کرده بود. این مصوبه اما شهریور سال ۱۳۹۸ از سوی دیوان عدالت اداری ابطال شد.

● ایده تعیین مکان‌هایی برای اعتراضات نخستین بار توسط اصلاح‌طلبان عنوان شد که به نظر می‌رسد هدف آنها ایجاد سازوکاری به سود خود برای در دست گرفتن مسئولیت «تخلیه پتانسیل اعتراضی» جامعه بوده است.

بر اساس لایحه «نحوه برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها» که روز دوازدهم اردیبهشت به قید یک فوریت از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی داده شده، ۱۰ نقطه در تهران برای برگزاری تجمعات قانونی تعیین شده است.

در حالی که از چند سال پیش موضوع تعیین مکان‌هایی برای برگزاری اعتراضات مردم و اصناف مطرح بوده، دولت لایحه «نحوه برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها» را با پیشنهاد معاونت حقوقی ابراهیم رئیسی تهیه و این لایحه در جلسه روز دوم اردیبهشت ۱۴۰۲ به تصویب هیئت وزیران سیزدهم رسید و اکنون به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده و در انتظار بررسی نمایندگان است.

دولت هدف از تهیه این لایحه را رفع خلاءهای قانونی اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی اعلام و تأکید کرده است: «امروزه برخی خلاءهای قانونی نسبت به تحقق کامل اصل بیست و هفتم قانون اساسی مشاهده شده و چگونگی برقراری تعادل و موازنه میان تضمین حقوق و آزادی‌های عمومی در کنار تأمین نظم و امنیت عمومی به یک چالش تبدیل شده است. از یک سو لزوم امکان طرح و استماع مطالبات عمومی و اعتراضات مردمی ضروری بوده و از سوی دیگر تضمین نظم و امنیت عمومی لازم است.» بنابراین در این لایحه تلاش شده است تا بین تأمین امنیت عمومی و تضمین آزادی‌های عمومی تعادلی برقرار شود.»

بر اساس این لایحه ۴۶ ماده‌ای، شوراهای تأمین استان موظف هستند مکان‌هایی را برای برگزاری تجمعات تعیین کنند. شوراهای تأمین استان مکلفند برای شهرهای با جمعیت کمتر از سیصد هزار نفر حداقل یک مکان، برای شهرهای با جمعیت سیصد تا پانصد هزار نفر حداقل دو مکان، برای شهرهای با جمعیت پانصد هزار نفر تا یک میلیون نفر حداقل سه مکان و برای شهرهای با جمعیت بیش از یک میلیون نفر، حداقل چهار مکان و برای شهر تهران حداقل ده مکان برای برگزاری تجمع تعیین نمایند.

دسترسی مناسب، وسعت مناسب و قابلیت حفاظت انتظامی و امنیتی از جمله ویژگی‌هایی است که بر اساس این لایحه مکان‌های تعیین شده برای تجمعات قانونی باید داشته باشند.

هرچند این لایحه به ظاهر گامی رو به جلو برای باز کردن فضای اعتراضات شهروندی به عنوان حق قانونی مردم ایران





سخنرانی جیک سالیوان مشاور امنیت ملی آمریکا در مؤسسه «واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک»

فلسطینی با «بیت المقدس» شرقی به عنوان پایتخت، پیش‌نیاز عادی‌سازی روابط عربستان سعودی با اسرائیل است. سالیوان همچنین گفت که روز چهارشنبه از طریق ویدئوکنفرانس با هم‌تای اسرائیلی خود، تزاچی هانگی صحبت کرده و نتایج و نیز دقایقی در این گفتگو حضور داشته است. او نگفت که بایدن چه زمانی از نتایج و دیدار از واشنگتن دعوت می‌کند.

سالیوان گفت که واشنگتن با متحدانش از جمله اسرائیل برای بازداشتن رژیم ایران از تولید سلاح هسته‌ای همکاری می‌کند، اما تأکید کرد ایالات متحده راه حل دیپلماتیک را ترجیح می‌دهد. وی افزود: «ما همچنان به ارسال پیام روشن درباره هزینه‌ها و پیامدهای زیاده‌روی ادامه می‌دهیم و در عین حال به جستجوی امکان نتیجه‌ای از میانجیگری دیپلماتیک که برنامه هسته‌ای ایران را دوباره محدود کند ادامه می‌دهیم... ما اقدامات لازم را انجام خواهیم داد تا اطمینان حاصل شود که ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نخواهد کرد.»

وی ادعا کرد: «در نهایت ایران نمی‌تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد. آنها امروز ندارند و نمی‌توانند داشته باشند.» به نظر می‌رسد این ادعای سالیوان پاسخی به سخنان مقامات اسرائیل در مورد توانایی‌های اتمی جمهوری اسلامی است. به گزارش «تایمز اسرائیل» و یوآ گالانت وزیر دفاع اسرائیل که به یونان سفر کرده در یک سخنرانی نسبت به خطر دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای هشدار داده و گفته است: «رژیم ایران به یک بمب اتمی قناعت نخواهد کرد.» او افزود: «رژیم اورانیوم غنی‌شده برای ساخت پنج بمب هسته‌ای در اختیار دارد.»

با اینهمه یک مقام ارشد دولت بایدن گفته که واکنش جمهوری اسلامی «به هیچ وجه دلگرم‌کننده نیست». از سوی دیگر یک مقام آمریکایی نیز بعداً اظهار داشت که تلاش‌ها برای «احیای برجام» به دلیل اصرار ایران بر بسته شدن تحقیقات بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به بن‌بست خورده است. سالیوان روز پنجشنبه اعلام کرد که برای گفتگو با مقامات سعودی روز شنبه به عربستان سفر خواهد کرد و همچنین در جریان این سفر با هم‌تایان خود از امارات متحده عربی و هند دیدار خواهد داشت.

یک منبع به رویت‌رز گفته انتظار می‌رود سالیوان با محمد بن سلمان ولیعهد سعودی دیدار کند. کاهش تولید نفت توسط اوپک پلاس به رهبری عربستان سعودی و اختلافات بین ایالات متحده و عربستان سعودی بر سر مرگ جمال خاشقچی روزنامه‌نگار «واشنگتن پست» در سال ۲۰۱۸ به روابط آنها آسیب جدی رسانده است.

مشاور امنیت ملی کاخ سفید:

جمهوری اسلامی سلاح اتمی ندارد و اجازه نمی‌دهیم داشته باشد

● جیک سالیوان مشاور امنیت ملی آمریکا طی یک سخنرانی در انستیتو «سیاست خاور نزدیک واشنگتن» گفته با همکاری متحدان مان اجازه دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی را نخواهیم داد. وی گفت که واشنگتن با متحدانش از جمله اسرائیل برای بازداشتن رژیم ایران از تولید سلاح هسته‌ای همکاری می‌کند، اما تأکید کرد ایالات متحده راه حل دیپلماتیک را ترجیح می‌دهد.

● او تأکید نمود «ما همچنان به ارسال پیام روشن درباره هزینه‌ها و پیامدهای زیاده‌روی ادامه می‌دهیم و در عین حال به جستجوی امکان نتیجه‌ای از میانجیگری دیپلماتیک که برنامه هسته‌ای ایران را دوباره محدود کند ادامه می‌دهیم... ما اقدامات لازم را انجام خواهیم داد تا اطمینان حاصل شود که ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نخواهد کرد.»

● یوآ گالانت وزیر دفاع اسرائیل در یک سخنرانی نسبت به خطر دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای هشدار داده و گفته است «رژیم ایران به یک بمب اتمی قناعت نخواهد کرد.» او افزود: «رژیم اورانیوم غنی‌شده برای ساخت پنج بمب هسته‌ای در اختیار دارد.»

مشاور امنیت ملی کاخ سفید گفته واشنگتن در حال تلاش برای رسیدن به توافق میان اسرائیل و عربستان سعودی برای عادی‌سازی روابط است.

جیک سالیوان روز پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت طی سخنرانی در «انستیتو سیاست خاور نزدیک واشنگتن» با اشاره به اینکه «در نهایت رسیدن به عادی‌سازی کامل [روابط اسرائیل و کشورهای عربی منطقه] یک منافع اعلام شده رسمی برای امنیت ملی ایالات متحده است ما در این مورد صریح اعلام موضع کردیم.»

به گزارش رویت‌رز سالیوان افزود: «اکنون به عنوان نشانه‌ای از عزم ما در مورد اینکه چقدر روی این موضوع تمرکز کرده‌ایم و چقدر این موضوع را جدی می‌گیریم، دیگر چیزی نمی‌گویم که مبدا تلاش‌هایی که در این زمینه انجام می‌دهیم مختل شوند.» سال‌ها شایعه شده بود که اسرائیل روابط پشت پرده با عربستان سعودی دارد، اما سعودی‌ها این شایعات را به شدت تکذیب می‌کردند.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل به صراحت گفته است که هدف او دستیابی به یک توافق صلح با عربستان سعودی است که «بطور موثر به درگیری اعراب و اسرائیل پایان دهد.»

با این حال، مقامات سعودی بارها گفته‌اند که یک کشور

ناصر ایمانی فعال سیاسی اصولگرا درباره علت ابطال مصوبه دولت روحانی گفته بود که «دیوان عدالت اداری معتقد است نباید مکان خاصی را برای تجمعات مشخص کرد چون براساس اصل ۲۷ قانون اساسی اجازه برگزاری تجمعات بطور عمومی در همه جا داده شده نه یک مکان خاص. دیوان عدالت اداری می‌گوید اصلاً چرا مکان مشخص شود این تجمعات باید در همه جا آزاد باشد؛ دلیل ابطال مصوبه دولت هم همین موضع بوده و نباید تصور کرد که دیوان عدالت اداری با اصل صریح قانون اساسی مخالفت کرده است.»

نعمت احمدی حقوقدان هم گفته بود که «از یک سو اصل ۲۷ قانون اساسی اجتماعات را اگر مغل مبانی اسلام و مسلحانه نباشد؛ مطلقاً آزاد اعلام کرده است، از سوی دیگر در مکان یابی مورد نظر دولت همیشه محدودیت و ابهام اینکه این تجمعات کجا برگزار شود، وجود داشته است.»

نعمت احمدی افزوده بود که «دیوان عدالت اداری در بند دوم دلایلی که برای ابطال مصوبه دولت اعلام کرده به موضوع مجوز از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب اشاره می‌کند؛ که این موضوع هم قابل قبول نیست. اگر در قانون اساسی برگزاری تجمعات به صراحت آمده، چرا کمیسیون احزاب باید مجوز برگزاری تجمعات را بدهد و مکان تعیین کند؟ کما اینکه طی سال‌های گذشته مجوزی از سوی کمیسیون برای کسانی که طرز فکر متفاوتی داشتند؛ صادر نشده است.»

تعیین محلی برای اعتراضات مردمی بیش از چهار سال معلق مانده بود تا در نهایت دولت ابراهیم رئیسی لایحه‌ای با این عنوان را سه روز پیش به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد.

در همین حال مجلس شورای اسلامی هم بطور موازی به دنبال طرحی در رابطه با برگزاری اعتراضات بوده است. محمدحسن آصفری عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در مجلس شورای اسلامی ماه گذشته درباره چنین طرحی گفته بود که «اعضای کمیسیون شوراها به منظور قانون‌مند کردن موضوع اعتراضات و در مورد نحوه برگزاری آن جلساتی را برگزار می‌کنند.»

عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور توضیح داده بود که «علاوه بر این نمایندگان جلساتی با مرکز پژوهش‌های مجلس، دولت، پژوهشکده‌های مختلف از دانشگاه‌های مختلف تهران، قم و جاهای دیگر برگزار کردند که در نهایت قانون اعتراضات و تجمعات را نهایی کنیم تا به تجمعات جنبه قانونی داده شود، به این ترتیب اگر تشکل‌ها، اصناف و در مجموع عموم مردم اعتراضاتی نسبت به موضوعات مختلف دارند بتوانند در چارچوب قانون اعتراضات خود را اعلام کنند.»

محمدحسن آصفری با یادآوری اینکه اعتراضات مردمی و صنفی در قانون اساسی دیده و به عنوان حقی برای مردم برشمرده شده گفته بود که «قانون در حال بررسی است، پیش‌نویس آن در حال تهیه شدن است تا زمانی که تبدیل به قانون شود. البته در مورد قانون تجمعات دو دیدگاه وجود دارد اولین دیدگاه اعتراض اطلاع محور است و دیدگاه دیگر مربوط به مجوز محور می‌شود درباره این دو دیدگاه نظرات مختلفی مطرح شده است. منظور از اطلاع محور این است که مردم صرفاً به فرمانداری‌ها، استانداری‌ها و وزارت کشور اطلاع بدهند که امروز اعتراض داریم اما مجوز محور بر این مبنا قرار دارد که معترضان برای اعتراض مجوز بگیرند، البته نظر مجلس بر روی اطلاع محور است تا مجوز محور چرا که در اصل ۲۷ قانون اساسی هم به مجوز اشاره‌ای نشده و منظور اطلاع محور بوده است.»

پایان وضعیت اضطراری بهداشتی بیماری کووید ۱۹ در جهان



نوروز در بیمارستان گلستان اهواز - فروردین ۱۴۰۰

بریتانیا و آذربایجان اعلام کردند که افرادی مبتلا به ویروس کرونا را شناسایی کرده‌اند که از مبدأ ایران به آن کشورها رفته بودند. سرانجام پس از پذیرش شیوع کرونا در کشور، مقامات مسئول شیوه «ایمنی گله‌ای» را در پیش گرفتند و هرگز تدابیر بهداشتی را مطابق استانداردهای جهانی پیش نبردند. یکسال بعد نیز که واکسن کرونا به بازار آمد، علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ورود آن را از آمریکا و انگلیس به کشور ممنوع کرد و همین موضوع نیز سبب بیماری و آسیب و مرگ هزاران ایرانی در پی عدم دسترسی به واکسن شد. همزمان اما نهادهای مختلف حکومتی شروع کردند با سوء استفاده از رانت و روابط با استفاده از منابع مالی به تولید واکسن بپردازند آنهم در حالی که از یکسو روند تست و تولید هر واکسن جدیدی بسیار طولانی است و از سوی دیگر واکسن‌های معتبر جهانی هم به صورت هدیه از کشورهای پیشرفته و نهادهای بین‌المللی و هم با پیش‌خرید از کشورهای تولیدکننده به آسانی می‌توانست توسط وزارت بهداشت جمهوری اسلامی تهیه شود.

به این ترتیب مقامات جمهوری اسلامی از وزارت بهداشت تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی ساخت «واکسن ایرانی» شدند و با به جیب زدن میلیون‌ها تومان نه وعده‌های خود را عملی کردند و نه معلوم شد بر سر آنچه نیز به نام واکسن تولید شد چه آمد چرا که سرانجام وزارت بهداشت مجبور به وارد کردن واکسن شد!

بر اساس اعلام رسمی وزارت بهداشت، تا ۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ و طی سه سال ۷ میلیون و ۶۰۹ هزار و ۷۸۳ نفر در ایران به کرونا مبتلا شدند و ۱۴۶ هزار و ۱۵۵ نفر جان خود را به دلیل ابتلا به این ویروس از دست دادند. این در حالیست که کارشناسان میزان مرگ و میر ناشی از شیوع کرونا به ویژه پیش از آغاز روند واکسیناسیون را خیلی بیش از آمارهای اعلام شده از سوی وزارت بهداشت ارزیابی می‌کنند. حتی برخی مقامات و کارشناسان جمهوری اسلامی نیز آمار مرگ و میر را دست‌کم تا پنج برابر بیشتر می‌دانستند.

منشاء ویروس کرونا از بندر ووهان واقع در چین بود اما درباره اینکه آیا این ویروس بطور آزمایشگاهی تولید و یا از حیوان به انسان منتقل شده بحث زیادی وجود داشته است. ماه گذشته یک گروه تحقیقاتی در چین نتیجه بررسی نمونه‌هایی از اقلام فروخته شده در بازارهای مواد غذایی چین در طول سه سال منتهی به شیوع ویروس کرونا در این کشور را منتشر کرد. بر اساس ادعای این گروه تحقیقاتی، بازار ماهی و گوشت حیوانات وحشی در شهر ووهان چین عامل اصلی شیوع ویروس کرونا در میان انسان‌ها بوده است.

پایان دادن به «وضعیت اضطراری» ویروس کرونا را صادر کرد. تدریس آدهانوم گریسوس دبیرکل سازمان جهانی بهداشت در این جلسه تأکید کرد که اعلام خروج بیماری کووید ۱۹ از «وضعیت اضطراری» به معنای پایان حیات ویروس کرونا به عنوان علت این بیماری نیست، بلکه منظور این است که این بیماری دیگر به عنوان یک «تهدید بهداشتی» در سطح جهانی محسوب نمی‌شود و با دریافت واکسن و سایر مراقبت‌های بهداشتی می‌توان آن را کنترل کرد.

طبق داده‌های سازمان جهانی بهداشت، نرخ مرگ و میر از بالاترین تعداد در اوایل ژانویه ۲۰۲۱ که شامل بیش از ۱۰۰ هزار نفر در هفته بود، به حدود ۳۵۰۰ نفر تا اواخر آوریل ۲۰۲۳ کاهش یافته است.

همچنین با استناد به آمارهای مستند سازمان جهانی بهداشت، از ابتدای همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ تا کنون، شمار مبتلایان به این بیماری در دنیا به بیش از ۶۸۰ میلیون نفر رسیده و بیش از شش میلیون و ۸۰۰ هزار مورد مرگ ناشی از این بیماری نیز ثبت شده است.

بر اساس آخرین به‌روزرسانی‌های وزارت بهداشت جمهوری اسلامی، تعداد شهرهای با وضعیت قرمز مبتلا به کرونا در کشور در حال حاضر صفر است اما تعداد شهرهای با وضعیت نارنجی از ۹ به ۱۱ شهر رسید. تعداد شهرهای با وضعیت زرد از ۲۱۳ به ۱۴۶ کاهش یافته و تعداد شهرهای با وضعیت آبی از ۲۲۶ به ۲۹۱ شهر افزایش پیدا کرده است.

سازمان جهانی بهداشت نخستین‌بار در ۱۱ مارس ۲۰۲۰ برابر با اسفند ۱۳۹۸ از کووید ۱۹ به عنوان یک بیماری همه‌گیر جهانی خبر داد و اعلام شرایط اضطراری نمود.

شیوع بیماری کرونا در ایران تا مدت‌ها از سوی مقامات حکومتی تکذیب می‌شد و همین موضوع سرعت گسترش بیماری در کشور را به شدت افزایش داد. در ۲۹ بهمن ۱۳۹۸ به دنبال درگذشت ۲ بیمار با عوارض تنفسی در بیمارستان «کامکار» در شهر قم احتمال ابتلای این دو بیمار به ویروس کرونا مطرح شد. دانشگاه علوم پزشکی قم اما چنین احتمالی را رد کرد و با «تکذیب شایعات» اعلام کرد که تا کنون هیچ‌گونه شواهد تشخیصی مبنی بر ابتلا به بیماری کرونایده نشده است. در حالی که همچنان مقامات حکومت حاضر به تأیید شیوع کرونا در کشور نبودند و اصرار داشتند که راهی‌مبایی‌های سالگرد انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه و همچنین پس از آن انتخابات فرمایشی مجلس شورای اسلامی در اسفند بدون هرگونه محدودیت و تدابیر پیشگیری برگزار شود، تا روز نهم اسفند، ۱۶ کشور کانادا، لبنان، امارات، بحرین، کویت، افغانستان، عراق، عمان، پاکستان، گرجستان، چین، استونی، نیوزلند، بلاروس،

دبیرکل سازمان جهانی بهداشت طی جلسه کمیته اضطراری این سازمان در روز پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت مجوز پایان دادن به «وضعیت اضطراری» بیماری کووید ۱۹ را صادر کرد. در ایران در حالی که مقامات حکومت حاضر به تأیید شیوع کرونا در کشور نبودند و اصرار داشتند که راهی‌مبایی‌های سالگرد انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه و همچنین پس از آن انتخابات فرمایشی مجلس شورای اسلامی در اسفند بدون هرگونه محدودیت و تدابیر پیشگیری برگزار شود، تا روز نهم اسفند، ۱۶ کشور کانادا، لبنان، امارات، بحرین، کویت، افغانستان، عراق، عمان، پاکستان، گرجستان، چین، استونی، نیوزلند، بلاروس، بریتانیا و آذربایجان اعلام کردند که افرادی مبتلا به ویروس کرونا را شناسایی کرده‌اند که از مبدأ ایران به آن کشورها رفته بودند.

پس از پذیرش شیوع کرونا در کشور، مقامات مسئول شیوه «ایمنی گله‌ای» را در پیش گرفتند و هرگز تدابیر بهداشتی را مطابق استانداردهای جهانی پیش نبردند. یکسال بعد نیز که واکسن کرونا به بازار آمد، علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ورود آن را از آمریکا و انگلیس به کشور ممنوع کرد و همین موضوع نیز سبب بیماری و آسیب و مرگ هزاران ایرانی در پی عدم دسترسی به واکسن شد.

همزمان مقامات جمهوری اسلامی از وزارت بهداشت تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی ساخت «واکسن ایرانی» شدند و با به جیب زدن میلیون‌ها تومان نه وعده‌های خود را عملی کردند و نه معلوم شد بر سر آنچه نیز به نام واکسن تولید شد چه آمد چرا که سرانجام وزارت بهداشت مجبور به وارد کردن واکسن شد!

بر اساس اعلام رسمی وزارت بهداشت، تا ۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ و طی سه سال ۷ میلیون و ۶۰۹ هزار و ۷۸۳ نفر در ایران به کرونا مبتلا شدند و ۱۴۶ هزار و ۱۵۵ نفر جان خود را به دلیل ابتلا به این ویروس از دست دادند. این در حالیست که کارشناسان میزان مرگ و میر ناشی از شیوع کرونا به ویژه پیش از آغاز روند واکسیناسیون را خیلی بیش از آمارهای اعلام شده از سوی وزارت بهداشت ارزیابی می‌کنند. پس از گذشت سه سال از همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ و ویروس کرونا در جهان، شب گذشته سازمان جهانی بهداشت اطلاعیه‌ای صادر و پایان «وضعیت اضطراری» را اعلام کرد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، سازمان جهانی بهداشت روز جمعه ۵ مه ۲۰۲۳ برابر ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ اعلام کرد که کووید ۱۹ دیگر یک «وضعیت اضطراری بهداشتی» در سطح جهانی نیست. دبیرکل سازمان جهانی بهداشت طی جلسه کمیته اضطراری این سازمان در روز پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت مجوز

اماکن عمومی بر رعایت قانون عفاف و حجاب تأکید داریم، باید در ادارات هم اقدامات لازم را برای اجرای قانون عفاف و حجاب انجام دهیم.»

فرمانده سپاه تهران بطور تلویحی به شرایط کنونی اشاره کرده و افزوده «بیشتر میسر نبود که در این عرصه وارد شویم، اما یک هفته‌ای است که در برخی مراکز تجاری، مترو و معابر، بسیجی‌ها با رعایت ادب و احترام به کسانی که شئون عفاف و حجاب را رعایت نمی‌کنند، تذکرات زبانی می‌دهند.»

فرمانده سپاه تهران مدعی شده ورود سپاه به ادارات دولتی «کمک به دستگاه مربوطه» است و گفته که «در این رابطه باید اول خود دستگاهی که خدمات ارائه می‌دهد با درایت، نهایت صبر و به دور از برخورد سلبی، لزوم رعایت قانون یاد شده را به مراجعین یادآور شود. البته همزمان با اینها باید نسبت به تشریح اهداف دشمن نیز اهتمام جدی داشته باشیم و ضوابط و قانون‌مداری را به کارکنان دستگاه‌ها گوشزد کنیم.» هفته گذشته علی خامنه‌ای سخنگوی ستاد «امر به معروف و نهی از منکر» از اجرای «قانون حجاب» در ادارات دولتی خبر داده بود. همزمان وزارت کشور طرح جامع عفاف و حجاب را به همه دستگاه‌ها و نهادها ابلاغ کرده و مسئولیت قرارگاه اجرای طرح را هم به ستاد «امر به معروف و نهی از منکر» واگذار کرده است. در آنسو اما مردم بدون رعایت چارچوب‌های تحمیلی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند. استفاده از پوشش دلخواه توسط زنان و دختران ایرانی یکی از مهمترین نافرمانی‌ها و مبارزات مدنی مردم طی چهار دهه گذشته را به نمایش گذاشته است.

در این میان برخی هنرمندان و افراد مشهور نیز در مراسم یا اماکن عمومی بدون حجاب تحمیلی جمهوری اسلامی حاضر می‌شوند. تا کنون برای چند هنرمند زن پرونده قضایی گشوده شده و همچنین کتابیون ریاحی و پانته‌آ بهرام دو بازیگر سینما به اتهام «کشف حجاب در ملاء عام و انتشار تصاویر در فضای مجازی» در دادگاه به یک و نیم میلیون تومان جریمه نقدی شدند. جریمه نقدی این دو هنرمند با واکنش روزنامه «همشهری» روبرو شده است. «همشهری» در مطلبی که از قرار معلوم به مقدار کم این جریمه اعتراض دارد، نوشته است «اگر این خبر درست باشد، به نظر می‌رسد عدلیه و نظمیّه محترم دچار یک خطای محاسباتی هستند. سؤال اول این است که آیا این میزان جریمه نقدی بازدارنده است؟ یک دادگاه تخیلی را فرض کنید. قاضی محترم خطاب به خانم سلبریتی سوال می‌کند شما به اتهام کشف حجاب یک و نیم میلیون تومان جریمه شدید. واکنش سلبریتی به نظراتان چه خواهد بود؟ هیچ؛ «لطفاً کارتخوان بیاورید.» به نظراتان بازدارنده است؟ آیا نباید میزان جرائم متناسب با زمان و شرایط مورد بازنگری قرار گیرد؟»

همچنین جدا از طرح «حجاب و عفاف» که از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب شد و از ۲۶ فروردین به صورت رسمی به اجرا درآمده، قوه قضاییه نیز طرحی با همین عنوان تدوین برای بررسی به دولت فرستاده است. مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه دیروز سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ در جمع خبرنگاران با اعلام این خبر گفت: «کسانی که به آمران به معروف تعرضی کنند، مجازات خواهند شد و هیچ تخفیف و امتیازی به این افراد داده نخواهد شد. علاوه بر این در تهران شعبه ویژه دادرسی در این زمینه اختصاص یافته است.»

او همچنین افزود که در سراسر کشور «قوه قضاییه مکلف شده است به منظور تسریع در رسیدگی به پرونده‌های این موضوع، شعب ویژه‌ای تشکیل دهد.»

به نظر می‌رسد قوه قضاییه به دنبال ایجاد سازوکار قانونی برای حمایت از نیروهای نیابتی شامل بسیجی‌ها و لباس شخصی‌ها به اسم حمایت از آمران به معروف است تا بدین ترتیب به آنها مشروعیت حقوقی نیز ببخشد.



عالی انقلاب فرهنگی در مصوبات ۴۲۷ و ۸۲۰ داده، نظارت بر پوشش دستگاه‌های دولتی در کشور است و ما تأکید داریم که آن چهارچوب رعایت شود. کراوات هم چون از قبل نماد غرب بوده، همانطور که در گذشته هم مرسوم بود، معمولاً در مجموعه‌های دولتی از زدن آن ممانعت می‌شود.»

علی خان محمدی درباره دیگر استانداردهای تحمیلی پوشش مردان در ادارات گفته که «لباس‌های زننده، مارک‌ها، آستین کوتاه و لباس‌های چسبان و شلوارهای کوتاه در مورد لباس آقایان است که باید رعایت کنند. اگر مواردی از این دست باشد، فرد متخلف طبق آن چارچوب و دستورالعملی که مصوب است، در مرحله اول تذکر می‌گیرد و در مرحله دوم در حوزه تخلفات اداری مورد بررسی قرار می‌گیرد.» استانداردهای پوشش اجباری و تحمیلی برای مردان در ادارات در حالی مطرح شده که اساساً کارمندان بخش دولتی از کراوات، شلوارک، شلوار تنگ و... استفاده نمی‌کردند و در اغلب ادارات نیز حراست به کارمندان مرد حتی اجازه پوشیدن پیراهن آستین کوتاه را نیز نمی‌داد. مسئول قرارگاه «گشت ارشاد مدیران» همچنین از برخورد با شهروندان مرد نیز خبر داده و گفته که «در فضای عمومی هم در مورد پوشش اگر مردم هم [اگر مردها هم] چارچوب را رعایت نکنند و فرضا لباس زننده، چسبان، شلوار کوتاهی باشد باید نسبت به آن اقدام انجام شود.»

این سخنان پس از آن مطرح شده که در چهل و هشتمین همایش اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران «اسکودا» که بنا بود در اهواز برگزار شود، مراسم به دلیل کراوات برخی وکلای مرد لغو شد!

به گفته نایب رئیس کانون وکلای استان خوزستان، نیروی حراست محل برگزاری مراسم درخواست کرد که وکلا کراوات زنند و به همین دلیل از برگزاری مراسم افتتاحیه همایش جلوگیری به عمل آمد، در حالی که پیشتر، مسئولان سالن همایش در خصوص کراوات هیچ شرطی اعلام نکرده بودند و از قبل گفته نشده بود کسی کراوات نزند.

به نظر می‌رسد در شرایط ملتهب کنونی، پوشش تحمیلی و رعایت «شئون‌ات اسلامی» بهانه‌ای برای تشدید امنیتی و نظامی کردن فضای جامعه است. در حالی که سال‌هاست نیروهای بسیجی در مساجد محلات، دانشگاه‌ها، برخی ادارات و سازمان‌های دولتی و حتی مدارس دفتر داشته و به عنوان نیروهای «نیابتی» حکومت فعال هستند، اکنون «حجاب» بهانه‌ای برای استقرار بیشتر نیروهای بسیجی در سطح جامعه شده است. سردار حسن حسن‌زاده فرمانده سپاه تهران در همایش دبیران «امر به معروف و نهی از منکر» سازمان بسیج ادارات و وزارتخانه‌ها گفته است «همانگونه که در معابر و

تأکید بر پوشش اجباری برای مردان؛ استقرار بسیج در مراکز تجاری، مترو و معابر عمومی

● استقرار نیروهای بسیجی و دیگر نیروهای «نیابتی» و غیررسمی در اماکن عمومی و تأکید بر پوشش اجباری و تحمیلی برای مردان از جدیدترین اقدامات مقامات حکومتی است که البته پیشینه‌اش به اندازه عمر جمهوری اسلامی است! ● کتابیون ریاحی و پانته‌آ بهرام دو بازیگر سینما به اتهام «کشف حجاب در ملاء عام و انتشار تصاویر در فضای مجازی» در دادگاه به یک و نیم میلیون تومان جریمه نقدی شدند. در ادامه تلاش برای محدود ساختن فضای اجتماعی ایران به بهانه حجاب، مقامات جمهوری اسلامی بار دیگر از ممنوعیت پوشیدن پیراهن آستین کوتاه و استفاده از کراوات برای کارمندان بخش دولتی خبر داده‌اند. همچنین فرمانده سپاه تهران از استقرار نیروهای بسیجی در مراکز تجاری، مترو و معابر عمومی خبر داده است.

با گذشت سه هفته از اجرای طرح «حجاب و عفاف» حالا جمهوری اسلامی در تلاش است سازوکارهای قانونی بیشتری برای محدودیت و سرکوب شهروندان به بهانه حجاب ایجاد کند. استقرار نیروهای بسیجی و دیگر نیروهای «نیابتی» و غیررسمی در اماکن عمومی و تأکید بر پوشش اجباری و تحمیلی برای مردان از جدیدترین اقدامات مقامات حکومتی است که البته پیشینه‌اش به اندازه عمر رژیم است. همچنین درخواست حامیان حکومت برای تشدید فشارها و مجازات شهروندان و به ویژه سلبریتی‌ها نیز افزایش یافته است. در حالی که برخی تصور می‌کنند موضوع پوشش تحمیلی و «حجاب اجباری» فقط برای زنان است اما از ابتدای انقلاب ۵۷ تا کنون مردان نیز آزادی پوشش خود را در اماکن عمومی دست داده‌اند. طی روزهای گذشته یکی از مقامات گشت ارشاد اسلامی بر استانداردهای پوشش تحمیلی و اجباری برای مردان نیز تأکید کرده است.

علی خان محمدی مسئول قرارگاه «گشت ارشاد مدیران» (گام) گفته است که «در بحث ابلاغ شاخص‌های عفاف و حجاب به دستگاه‌ها نوع پوشش را علاوه بر خانم‌ها برای آقایان هم ارائه داده‌ایم. همانطور که پوشش خانم‌ها باید در فضای عمومی مناسب باشد، پوشش آقایان هم باید مناسب باشد، خصوصاً در حوزه محیط‌های اداری دستورالعمل داریم و شاخص‌هایی ابلاغ شده است. در دستورالعمل آیین‌نامه اداری هم به حفظ شئون‌ات اشاره شده و بحث پوشش آقایان هم در فضای عمومی کشور و به صورت جدی‌تر در ادارات باید دنبال شود.» مسئول قرارگاه «گشت ارشاد مدیران» افزود که «ما در بحث ادارات شاخص‌های عفاف و حجاب را ابلاغ کردیم و سازمان بازرسی کل کشور نیز همان شاخص‌ها را نامه زده و شاخص‌ها را به نهاد ریاست جمهوری هم داده‌ایم و موظف هستند این شاخص‌ها را برای اجرا ابلاغ کنند. یکی از وظایفی که شورای

احتمالاتی درباره آینده سیاسی ایران؛ از ثبات تا هرج و مرج



اعتراضات شبانه در تهران / ۱۴۰۱

اینها احتمالاتی ذهنی هستند که در روندهای طولانی و در جنگ منطقه‌ای که اکثر کشورهای منطقه در آن درگیر خواهند شد همراه با تخریب و میلیون‌ها کشته و زخمی و آواره که در مرزهای منطقه باقی خواهند ماند، قابل تصور هستند. ناگفته نماند که در میان کردها داشتن یک کشور مستقل ایده‌ای ریشه‌دار است ولی همانطور که در رفتارندوم ۳ مهر ۱۳۹۶ (۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷) در کردستان عراق مشاهده شد، استقلال آنها حتا در یک کشور نیز از سوی کشورهای منطقه و همچنین قدرت‌های بزرگ قابل پذیرش نیست.

۳- تصور فدرالیسم نوع غربی و دموکراتیک در ایران ایده‌ای است که برخی از فعالان سیاسی را به خود مشغول کرده است. اما این ایده در همان کوتاه‌مدت موانع متعددی دارد که برخی از آنها را می‌توان چنین برشمرد: کمبود توشه دموکراسی در کشور، خروج کشور از دیکتاتوری طولانی، سابقه حکومت‌های مرکزی پرقدردت که بر تمام مناطق کشور از جمله بر استان‌های مرزی با اقتدار حکومت کرده‌اند، و از همه مهم‌تر نبود نقشه دقیق از مرزهای داخلی استان‌های کشور و تداخل اقوام مختلف و متنوع ایرانی در تمام استان‌های و شهرها و حتی روستاهای ایران! بطوری که در بعضی روستاهای آذربایجان غربی اقوام فارس، آذری، کرد و ارمنی با ریشه تاریخی از صدها سال پیش با هم زندگی مسالمت‌آمیزی داشته‌اند و یا روستاها و شهرهای کردنشین و ترک‌نشین در استان‌هایی مانند مازندران سابقه دیرینه دارند. این تداخل در صورت تقسیمات کشوری به صورت فدرال بلافاصله بستر برخورد‌های قهرآمیز بین اقوام مختلف را فراهم کرده و موجب بی‌ثباتی کشور در بلندمدت و درگیری‌های داخلی خواهد شد. هم‌اکنون نیز برخی تصمیمات که از سوی جمهوری اسلامی در ارتباط با فقط تقسیمات استانی صورت گرفته، با تنش‌هایی همراه بوده است.

۴- برقراری یک حکومت جمهوری پارلمانی و یا ←

پادشاهی که شخص رئیس جمهور منتخب از طریق پارلمان با کمترین قدرت اجرایی مظهر وفاق ملی شناخته شود و یا شخص پادشاه که با قدرت اجرایی ناچیز ولی قدرت تأثیرگذاری بالا به عنوان نهاد معنوی ملت به رسمیت شناخته شود همراه با قانون اساسی مدرن و دموکراتیک که ابزار حقوقی تغییر و انطباق با روح زمان نیز در آن پیش‌بینی شده باشد. به نظر می‌رسد این راهکار بجز افراطیون چپ و راست، مورد اقبال عمومی جامعه ایران است.

بهرام فرخی - در میان همه احتمالات بدبینانه و خوشبینانه و واقع‌گرایانه که در ارتباط با شرایط ایران پس از جمهوری اسلامی مطرح می‌شود، تأملات زیر را می‌توان مطرح کرد.

۱- تجزیه‌طلبی که منجر به تجزیه کشور و الحاق قطعه‌هایی از آن به کشورهای همسایه می‌شود مثل منطقه ترکمن‌نشین با جمهوری ترکمنستان و خوزستان با جنوب عراق و آذربایجان با جمهوری آذربایجان تنها در درازمدت و فقط در نتیجه جنگ و درگیری‌های داخلی فراوان و خونریزی‌های ملیونی و پیامدهای سرزمینی برای خود آن کشورها از جمله تجزیه خود عراق می‌تواند محتمل باشد.

۲- تجزیه‌طلبی که منجر به تاسیس کشورهای مستقل جدید شود مثل جدایی استان سیستان و بلوچستان و ایجاد کشور مستقل بلوچستان بین پاکستان و افغانستان و ایران و جدایی مناطق کردنشین ایران در اتحاد با بقیه اقلیت‌های کرد مستقر در عراق، ترکیه، سوریه، ارمنستان برای ایجاد کشور مستقل کردستان که این نیز فقط با جنگ و درگیری‌های داخلی و کشتار می‌تواند محتمل شود و در عین حال منجر به تجزیه کشورهای عراق، ترکیه، سوریه و ارمنستان خواهد شد! خطری که هیچکدام از این کشورها مانند ایران به آن تن خواهند داد.

● انواع تجزیه‌طلبی در هر منطقه ایران نه فقط با جنگ و درگیری‌های داخلی و کشتار می‌تواند محتمل شود بلکه در عین حال منجر به تجزیه و درگیری‌های خونین در کشورهای همسایه خواهد شد! خطری که هیچکدام از این کشورها مانند ایران به آن تن نخواهند داد و قدرت‌های بزرگ نیز آن را نخواهند پذیرفت.

● ایده فدرالیسم نیز با کمبودها و مشکلات فراوان روبروست که یکی از مهم‌ترین آنها نبود یک نقشه دقیق از مرزهای داخلی استان‌های کشور و تداخل اقوام مختلف و متنوع ایرانی در تمام استان‌های و شهرها و حتی روستاهای ایران است! بطوری که در بعضی روستاهای آذربایجان غربی اقوام فارس، آذری، کرد و ارمنی با ریشه تاریخی از صدها سال پیش با هم زندگی مسالمت‌آمیزی داشته‌اند و یا روستاها و شهرهای کردنشین و ترک‌نشین در استان‌هایی مانند مازندران سابقه دیرینه دارند. این تداخل در صورت تقسیمات کشوری به صورت فدرال بلافاصله بستر برخورد‌های قهرآمیز بین اقوام مختلف را فراهم کرده و موجب بی‌ثباتی کشور در بلندمدت و درگیری‌های داخلی خواهد شد. هم‌اکنون نیز برخی تصمیمات که از سوی جمهوری اسلامی در ارتباط با فقط تقسیمات استانی صورت گرفته، با تنش‌هایی همراه بوده است.

● یک قدرت مرکزی بالا که با قوه قهریه اتحاد کشور را حفظ کرده و پسان سلسله‌های قاجار و صفویه از مرکز حکمرانی کرده و در استان‌های مرزی قشون‌های نظامی مستقر کرده و از این طریق اگرچه یکپارچگی کشور را محفوظ نگه می‌دارد اما به یکپارچگی ملی در جامعه آسیب می‌زند. کاندیدای طبیعی چنین «اقتدار»ی در حال حاضر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خود نظام است که از همه‌ی ابزار زر و زور و البته تا مدتی تزویر نیز بر خوردار است.

● برقراری یک حکومت جمهوری پارلمانی و یا مشروطه

زمستان ۱۴۰۲؛ سخت‌تر از گذشته؛ دستکاری یا دستبرد در بودجه!



پالایشگاه‌های گازی کشور حاصل می‌شود می‌بایست در توسعه همین صنعت مصرف شود، اما در اقدام اخیر نمایندگان برای یارانه‌ها صرف و هزینه شده است. این موضوع در سال قبل نیز با شکل و شمایل دیگری رقم خورده بود.

در سال ۱۴۰۱ معادل ۲۶ هزار میلیارد تومان از منابع صادرات ال پی جی وارد جدول تبصره ۱۴ بودجه که مربوط به منابع و مصارف یارانه‌ای است شد. اما در آن زمان گفته شد که این رقم به شرکت ملی گاز اختصاص پیدا می‌کند تا روی پروژه‌های مرتبط با فعالیت خود سرمایه‌گذاری کنند.

با توجه به مصاحبه هادی بیگی نژاد عضو کمیسیون انرژی مجلس این رقم تخصیص پیدا نکرد و تا این لحظه مشخص نیست در چه حوزه‌ای صرف شده است.

اما امسال در این پیشنهاد مطرح شد که حسابی با عنوان «حساب سرمایه‌گذاری نفت و گاز» ایجاد شود تا ۹۵ هزار میلیارد تومان از درآمدهای ال پی جی، اتان گوگرد به آن حساب واریز شود.

اما به یکباره و بدون مصوبه کمیسیون تلفیق و یا تصویب در صحن علنی و صرفاً با دستکاری قانون بودجه توسط دو یا سه نماینده مجلس، به ناگهان بندی در بودجه گنجانده شد که بر اساس آن درآمد مازاد صادرات محصولات جانبی پالایشگاه‌های گازی از حساب شرکت ملی گاز یعنی وزارت نفت برداشته شده و جزو منابع سازمان هدفمندی یارانه‌ها در تبصره ۱۴ به حساب آمد.

در این شرایط ناترازی گازی کشور کاهش منابع قابل سرمایه‌گذاری در این حوزه از عجایب تصمیم‌گیری در کشور است که صدای آن در زمستان ۱۴۰۲ در خواهد آمد.

باید منتظر ماند و دید انگیزه اصلی این دستبرد غیرقانونی به منابع حیاتی انرژی کشور چیست. چه کسانی از این موضوع منتفع شده‌اند و آیا اراده‌ای برای مقابله با این اقدام خلاف قانون نمایندگان مجلس شورای اسلامی وجود دارد.

*حمید انزابی کارشناس حوزه نفت و انرژی است.

♦ انتشار مطالب دریافتی در «دیدگاه» و «تریبون آزاد» به معنی همکاری با کیهان لندن نیست.

● کارشناسان حوزه انرژی بارها و بارها هشدار داده‌اند که دولت سیزدهم باید سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید حوزه انرژی را بسیار جدی‌تر از قبل پیگیری و عمل نماید، اما این سرمایه‌گذاری‌ها در شرایط تحریم از چه محلی انجام و تامین می‌شود؟

● در انتهای زمستان سال گذشته بود که خبری عجیب از دستکاری محیرالعقول در منابع بودجه کشور توسط چند نماینده مجلس شورای اسلامی به گوش رسید. داستان از این قرار بود که منابع حاصل از صادرات محصولات جانبی پالایشگاهی گازی کشور که شامل ال پی جی، اتان و گوگرد می‌شدند بجای مصرف در سرمایه‌گذاری روی پالایشگاه‌های گازی کشور یکباره سر از منابع تبصره ۱۴ که برای یارانه‌ها بود سر درآوردند!

حمید انزابی - افت فشار گاز در برخی مناطق شمال و شمال شرق کشور و محدودیت گاز صنایع در زمستان سال قبل سروصدای زیادی در کشور بپا کرد که منجر به اعتراضات گسترده‌ای در کشور شد.

برخی از مردم یاد صف‌های پر کردن کپسول‌های گاز و بشکه‌های نفت در گذشته افتادند که شاید هیچوقت از خاطره جمعی این کشور پاک نشود.

و اما دولتی‌ها در پاسخ به انتقادات مردم و رسانه‌ها گفتند که در سال‌های گذشته هیچ توسعه‌ای در ظرفیت پالایشگاه‌های گازی کشور ایجاد نشده و یا به عبارت دقیق‌تر تمام پروژه‌های مربوط به استخراج گاز در کشور که شروع شده بود تا سال ۱۳۹۴ به بهره‌برداری رسیده بودند و از آن سال به بعد هیچ پروژه دیگری برای طرح‌های توسعه سرمایه‌گذاری در دست اقدام قرار نگرفت.

در کنار این سرمایه‌گذاری اما مصرف روز به روز افزایش پیدا کرده و ناترازی انرژی شکل و شمایل وحشتناک‌تری به خود گرفت.

بر اساس اسناد نهادهای مسئول می‌بایست در انتهای برنامه ششم، ضریب بازیافت مخازن کشور افزایش پیدا می‌کرد ولی با کاهش ۴ درصدی نیز روبرو شد و هیچ گشایشی در این خصوص صورت نگرفت.

کارشناسان حوزه انرژی بارها و بارها هشدار داده‌اند که دولت سیزدهم باید سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید حوزه انرژی را بسیار جدی‌تر از قبل پیگیری و عمل نماید، اما این سرمایه‌گذاری‌ها در شرایط تحریم از چه محلی انجام و تامین می‌شود؟

اختصاص سهم ۵/۱۴ درصد شرکت ملی نفت همیشه محلی از بحث و مجادله و چالش بوده که اخیراً بحران جدیدی در منابع سرمایه‌گذاری گازی کشور به وجود آورده است. در انتهای زمستان سال گذشته بود که خبری عجیب از دستکاری محیرالعقول در منابع بودجه کشور توسط چند نماینده مجلس شورای اسلامی به گوش رسید.

داستان از این قرار بود که منابع حاصل از صادرات محصولات جانبی پالایشگاهی گازی کشور که شامل ال پی جی، اتان و گوگرد می‌شدند بجای مصرف در سرمایه‌گذاری روی پالایشگاه‌های گازی کشور یکباره سر از منابع تبصره ۱۴ که برای یارانه‌ها بود سر درآوردند!

درواقع منابعی که از صادرات ال پی جی تولید شده در

مشروطه پادشاهی که شخص رییس جمهور منتخب از طریق پارلمان با کمترین قدرت اجرایی مظهر وفاق ملی شناخته شود و یا شخص پادشاه که با قدرت اجرایی ناچیز ولی قدرت تأثیرگذاری بالا به عنوان نهاد معنوی ملت به رسمیت شناخته شود همراه با قانون اساسی مدرن و دمکراتیک که ابزار حقوقی تغییر و انطباق با روح زمان نیز در آن پیش‌بینی شده باشد. بعلاوه قدرت مرکزی محدودتر با شناخت حق خودگردانی در برخی مسائل فرهنگی و پروژه‌های اقتصادی مطابق با شرایط جغرافیایی مناطق قومیتی که با قدرت نظامی و سیاست کلان داخلی و خارجی متمرکز در پایتخت پشتیبانی می‌شود. زبان فارسی می‌بایست به عنوان زبان رسمی و میانجی کشور مانند نهاد ریاست جمهوری یا نهاد پادشاهی از عوامل تقویت همبستگی ملی و یکپارچگی سرزمینی باشد. برای مشارکت همه شهروندان در سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود، دو شاخه پارلمان سراسری و استانی در نظر گرفته شود که دومی بتواند با فعالیت بر اساس شرایط استانی و منطقه‌ای در هماهنگی با دولت مرکزی و پارلمان سراسری، فاصله عمیق اقتصادی و اجتماعی را که بین پایتخت و شهرهای بزرگ با شهرستان‌ها و روستا وجود دارد، کاهش دهد. تصمیمات پارلمان‌های استانی می‌بایست در چارچوب قانون اساسی و قوانین و مصوبه‌های پارلمان سراسری باشد. چنین نهادهای استانی با توجه به گستردگی جغرافیایی و جمعیتی ایران، می‌توانند در توسعه سراسری کشور و برقراری تعادل بین حاشیه و مرکز نقش اساسی بازی کنند. همزمان وارد شدن به پیمان‌های منطقه‌ای با کشورهای همسایه و غیرهمسایه خاورمیانه و همسو کردن منافع ملی ایران با کشورهای ژرف‌فکرمند جنوب خلیج فارس سبب ثبات سیاسی کشور و بهره‌مندی اقتصادی و زیست محیطی خواهد شد.

۵- یک قدرت مرکزی بالا که با قوه قهریه اتحاد کشور را حفظ کرده و بسان سلسله‌های قاجار و صفویه از مرکز حکمرانی کرده و در استان‌های مرزی قشون‌های نظامی مستقر کرده و از این طریق اگرچه یکپارچگی کشور را محفوظ نگه می‌دارد اما به یکپارچگی ملی در جامعه آسیب می‌زند. کاندیدای طبیعی چنین «اقتدار»ی در حال حاضر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خود نظام است که از همه‌ی ابزار زر و زور و البته تا مدتی تزویر نیز برخوردار است.

این احتمالات، که به غیر از یکی، بقیه بیانگر مشکلات داخلی هستند بعلاوه موقعیت ژئوپولیتیک خاص ایران در میان روسیه و خلیج فارس و ارزش بالای ترانزیت تجارت جهانی از تنگه هرمز و ضربه‌پذیری نظامی و کمبود «عمق استراتژیک» شیخ‌نشین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس به همراه ثروت بیکران این کشورهای کوچک موجب شده که قدرت‌های اقتصادی بزرگ جهان بر سر ثبات این منطقه اشتراک نظر داشته باشند و رژیم اسلامی در ایران از این موضوع کمال استفاده را در این ۴۴ سال برد.

در پایان با توجه به شواهد در داخل ایران و ظرفیت‌های آشکار جنبش اعتراضی مردم، به نظر می‌رسد که راهکار چهارم، بجز تندروهای چپ و راست، از اقبال بالایی در سطح جامعه و چهره‌های مخالف جمهوری اسلامی که از دمکراسی و حقوق بشر دفاع می‌کنند و همچنین از حمایت دموکراسی‌های قدرتمند برخوردار است.

*بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

♦ انتشار مطالب دریافتی در «دیدگاه» و «تریبون آزاد» به معنی همکاری با کیهان لندن نیست.

به مناسبت اجرای نمایش کمدی- تراژدی «موش و تله» در لس آنجلس؛ نمایشی از جنسی دیگر



صحنه‌ای از «موش و تله»

موسیقیدان و بازیگر، تور کالیفرنیا خود را با اجرایی در «اورنج کاونتی» در تاریخ ۲۱ ماه مه و «سن دیگو» در تاریخ ۲۵ ژوئن ادامه خواهند داد.

گفتگویی کوتاه با فیروزه خطیبی

«موش و تله» نمایش طنز اجتماعی پرمجاری است که در آن خطیبی عمداً از فرم‌های معمول و متداول نمایشنامه‌نویسی در تئاترهای «لس آنجلسی» استفاده کرده تا تماشاگر را از راه‌های ذهن آشنا در یک سفر کمدی- اجتماعی- جنایی غیرقابل پیش‌بینی، سرگرم‌کننده و به شدت خنده‌آور در مقابل اجتماعی قرار دهد که در آن زندگی می‌کند. این نمایشنامه در سال ۲۰۱۹ نوشته شده و زندگی یک زوج مهاجر ایرانی و نقش زن و مرد در این رابطه را تحت شرایطی که کمتر از آن سخن می‌رود زیر ذره‌بین قرار می‌دهد.

خود وی در این‌باره می‌گوید: «اینکه ما عادت کرده‌ایم در همین غربت هم با بزرگمایی، گرافه‌گویی و به نمایش گذاشتن دستاوردهایمان، نقطه ضعف‌هایمان را پنهان کنیم و به این صورت بخش عظیمی از آدم‌های حاشیه‌نشین این جامعه را نادیده بگیریم. نمایش، دنیای «الیت‌های خودساخته» در جمع ما مهاجران را به نمایش می‌گذارد. کسانی که هم دچار «خودباوری مفرط» هستند و هم برای رسیدن به اهداف شخصی با روش‌های «ماکیاولیستی» با نوعی خودشیفتگی و روان‌پریشی خاص حاضرند دست به هر کاری بزنند و در این راه استفاده از هر وسیله و ابزاری را مجاز می‌دانند تا از قافله عقب نیافتند و یا در واقع خودشان را جلو بیاورند.»

- برخلاف اغلب نمایش‌های مردم‌محور با بازیگران مرد در نقش اصلی در این دیار، شما در اغلب کارهای تئاتری‌تان زنان را در مرکز توجه قرار داده‌اید.

- خوب طبیعتاً من به عنوان یک زن نمایشنامه‌نویس و بازیگر، بدون هرگونه عمد و یا تظاهری بهتر می‌توانم بر روی شخصیت‌های زن نمایشنامه‌هایم تمرکز داشته باشم. به‌خصوص در رابطه با مسائلی که زنان با آن روبرو هستند. در همین رابطه شخصیت‌های نمایشنامه‌هایم هم حقیقتی‌تر و چندبعدی‌تر عرضه می‌شوند. اصولاً موضوعی که

مارمولک» (برداشت آزاد از نمایش «تارتوف» مولیر درباره یک روحانی دروغین) در اوایل دهه ۸۰ میلادی در تئاترهای «آف و آف آف برادوی» نیویورک به عنوان بازیگر، دستیار کارگردان و چهره‌پرداز فعالیت داشته است. او برگزارکننده نخستین فستیوال تئاتر کودکان ایرانی در شهر نیویورک است که بعدها به صورت مجموعه‌ای با عنوان «بچه‌های بهار» در لس آنجلس نیز اجراهای موفقی داشت و نهایتاً به صورت «دی وی دی» در دسترس کودکان ایرانی در سراسر جهان قرار گرفت.

فیروزه خطیبی پس از نقل مکان به لس آنجلس در سال ۱۹۸۹ به گروه تئاتر کلاسیک «ویل گیر» در Topanga پیوست و در اواسط دهه ۹۰ میلادی در لس آنجلس با همکاری خلیل موحد دیلمقانی، استاد ادبیات نمایشی، و داریوش ایران‌نژاد بازیگر برجسته ساکن این شهر «کانون تئاتر ایران» را پایه‌گذاری کرده و نمایشنامه‌های بسیاری را با همراهی هنرمندان عضو این کانون در اماکن فرهنگی جنوب کالیفرنیا روخوانی کردند. داستان‌های کوتاه فیروزه خطیبی به زبان انگلیسی در نشریات ادبی از جمله فصلنامه معتبر Review Bombay با عنوان یکی از چهار داستان‌نویس پست مدرن و مطرح امروز ایران به چاپ رسیده است. وی در طول سال‌ها، علاوه بر نوشتن و به روی صحنه آوردن چند نمایشنامه از جمله «ماه در آینه»، درباره قمرالملوک وزیری اولین زن خواننده‌ای که بی‌حجاب و با تاجی از گل روی صحنه «گراند هتل» تهران ظاهر شد، «شاهشکار» درباره میرزا رضا کرمانی آزادخواه دوران ناصری که حاضر به قبول ظلم نشد، «فروغ در تاریکی» گوشه‌ای از زندگی فروغ فرخزاد در دوران زندگی در آلمان و ایتالیا به زبان انگلیسی، و نمایش «شب بود، بیابان بود، فرخزاد بود» درباره زندگی فریدون فرخزاد در ماه‌های قبل از ترک اجباری وطن را نوشته و این روزها با اولین نمایش کمدی- تراژدی خود، «موش و تله»، یکبار دیگر قدم به میدان گذاشته است. با موفقیت دو اجرای اول نمایش «موش و تله» در شهر لس آنجلس، اعضای گروه تئاتر «رهایی»، فیروزه خطیبی نمایشنامه‌نویس و بازیگر، محمدعلی شکیبافر کارگردان، محمدرضا مودنی بازیگر و برنامه‌ساز رادیو و مهدی کاملی

● فیروزه خطیبی: «زن، زندگی، آزادی از دیدگاه من چیزی بالاتر از یک شعار همگانی و در واقع یک شیوه زندگی است که همواره بطور ناخودآگاه در همه جنبه‌های کار و زندگی‌ام انعکاس داشته است.»

بعد از بیش از پنج ماه تمرین و دو بار تأخیر در اجرا به دلیل احترام به جانب‌باختگان انقلاب «زن، زندگی، آزادی»، سرانجام نمایش «موش و تله»، یک یک کمدی- تراژدی ایرانی در غربت، نوشته فیروزه خطیبی روزنامه‌نگار، نمایشنامه‌نویس و بازیگر ساکن لس آنجلس با کارگردانی علی شکیبافر بازیگر و کارگردان تئاتر و دستیار حمید سمندریان و رکن‌الدین خسروی، استادان تئاتر مدرن ایران، در فوریه ۲۰۲۳ در سالن «گیندی آدیوروم» لس آنجلس در حالی به روی صحنه رفت که تمامی بلیت‌های آن چند روز پیش از اجرا به فروش رسیده بود.

این نمایش که به شیوه Farce (نوعی از کمدی که همه عوامل آن غیرمتداول و گاه غیرقابل باور است) نوشته شده، شرایط به شدت خنده‌آور و در عین حال تراژیک زندگی یک زوج هنرمند تبعیدی- مهاجر ایرانی را در اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی در شهر لس آنجلس به تصویر می‌کشد.

نمایش «موش و تله» یک اثر به‌روز، با موضوعات اجتماعی عمیق، یک نمایشنامه فمینیستی و در پی برقراری و دستیابی به حقوق برابر در مسائل سیاسی، اقتصادی، شخصی و اجتماعی است. این نمایشنامه در عین حال آینه‌ای است که با زبان طنز و در شکل یک کمدی تمام‌عیار، مشکلات زندگی در مهاجرت، هویت گمشده ایرانی و شکنندگی یک جامعه‌ی حاشیه‌ای در غربت را منعکس می‌کند.

هما احسان روزنامه‌نگار پیشکسوت، نمایشنامه‌نویس و نقدنویس و یکی از چهره‌های رسانه‌ای شاخص جنوب کالیفرنیا، نمایش «موش و تله» را «اثری در حد لیاقت‌های تماشاگرانی که سال‌هاست در انتظار و حسرت یک کار خوب تئاتری در شهر لس آنجلس بسر برده‌اند» ارزیابی کرده و درباره آن نوشته: «نمایشی که «نه موش بود و نه تله، بلکه بشراتی بود از آغاز موج تازه‌ای از تئاتر به زبان فارسی».

فیروزه خطیبی نویسنده، نمایشنامه‌نویس، داستان‌نویس، بازیگر و کارگردان تئاتر، علاوه بر سه دهه فعالیت هنری در رشته‌های گوناگون تئاتر، به کار روزنامه‌نگاری، نوشتن نقد‌های هنری و برنامه‌سازی رادیوتلوویزیون نیز اشتغال داشته است. او با اغلب نشریات ادبی فارسی‌زبان از جمله «بررسی کتاب، ویژه ادبیات»، «ره آورد»، «جنگ زمان» و «آوای تبعید» و رسانه‌های خبری فارسی‌زبان از جمله رادیو فردا، صدای آمریکا، بی بی سی فارسی و کیهان لندن همکاری داشته و در حال حاضر هم ضمن اجرای برنامه پرسشونده‌ی «هنر و زندگی» در رادیو «همراه» لس آنجلس، به کار ویراستاری کتاب تازه خود، «خاطرات روزهای کروناوی»، و برگزاری نخستین نمایشگاه تک‌نفره آثار نقاشی‌های آبرنگ‌اش مشغول است.

وی فارغ‌التحصیل رشته هنر و ادبیات انگلیسی از «هانتز کالج» نیویورک و هنرآموزخته دوره بازیگری و نمایشنامه‌نویسی در انستیتو تئاتر و فیلم «لی استرازبرگ نیویورک» است و تا پیش از شروع همکاری تئاتری با پدرش پرویز خطیبی، روزنامه‌نگار، طنزنویس، شاعر و فیلمساز، و بازی در نمایش‌های این هنرمند فقید از جمله نمایش موزیکال «عروسی ایران خانم» (نگاهی طنزآلود و سیاسی به تاریخ صد سال گذشته ایران) و «حاجی

جمهوری اسلامی حبيب اسويد شهروند ایرانی- سوئدی را به اتهام «افساد فی الارض» اعدام کرد



حبيب اسويد

گرفت. فعالان حقوق بشر گزارش دادند که روند دادرسی وی عادلانه نبوده و وی وکیل انتخابی نیز نداشته است.

پیشتر محمود امیری مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران گفته بود حبيب اسويد «یکی از قربانیان سیاست گروگان-دیپلماسی جمهوری اسلامی» است. وی در بیانیه‌ای خواستار «واکنش قاطع جامعه جهانی و به خصوص اتحادیه اروپا و کشور سوئد» به این آدم‌ربایی و حکم اعدام علیه این شهروند دوتابعیتی شده بود.

وزارت خارجه سوئد در واکنش به تأیید حکم اعدام حبيب اسويد از سوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی آن را اقدامی «غیرانسانی» خوانده و اعلام کرده بود به دنبال «شفافیت بیشتر» در مورد این موضوع است.

در این میان، دکتر احمدرضا جلالی پزشک و پژوهشگر ایرانی- سوئدی و جمشید شارمهد فعال سیاسی ایرانی- آلمانی از جمله افرادی هستند که با اتهامات امنیتی علیه آنها نیز حکم اعدام صادر شده است.

غزاله شارمهد دختر جمشید شارمهد در توییتی به اعدام اسويد واکنش نشان داده و نوشته «او را ربوندند، او را شکنجه کردند، به خانواده‌اش گفتند ساکت بمانند و امروز او را به قتل رساندند. او را به قتل رساندند... هیچکس اهمیت نداد!» وی خطاب به مقامات بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری نوشت: «قبل از شروع هر سخنرانی بیهوده در مورد محکومیت یا تسلیت، لطفاً به چشمان فرزندان خردسال حبيب نگاه کنید و ببینید آیا می‌توانید به آنها بگویید که تمام تلاش خود را برای نجات جان پدرشان از دست این تروریست‌ها انجام داده‌اید. می‌توانید؟ واقعاً می‌توانید این را به آنها بگویید؟» غزاله شارمهد علاوه بر پدرش برای وضعیت دکتر احمدرضا جلالی نیز که از اردیبهشت ۱۳۹۵ در زندان به گروگان گرفته شده، ابراز نگرانی کرده است.

جمهوری اسلامی با گروگان گرفتن شهروندان خارجی و ایرانیان دوتابعیتی در سفرشان به ایران و نیز کشاندن آنها به کشورهای بی‌گناهی که در آنها امکان ربودن آنان وجود دارد، تلاش می‌کند از کشورهای خارجی اخاذی کرده و گروگان‌ها را با پول و یا مأموران بازداشت‌شده‌ی خود در آن کشورها مبادله کند.

● امروز صبح حکم اعدام حبيب فرج‌الله چعب ملقب به «حبيب اسويد» شهروند ایرانی- سوئدی از رهبران «حرکت النضال» اجرا شد.

● اجرای این حکم خانواده سایر گروگان‌ها را به شدت نگران کرده است. دکتر احمدرضا جلالی پزشک و پژوهشگر ایرانی- سوئدی و جمشید شارمهد فعال سیاسی ایرانی- آلمانی از جمله افرادی هستند که با اتهامات امنیتی علیه آنها حکم اعدام صادر شده است.

● غزاله شارمهد دختر جمشید شارمهد در توییتی به اعدام اسويد واکنش نشان داد. وی در توییتی نوشته «او را ربوندند، او را شکنجه کردند، به خانواده‌اش گفتند ساکت بمانند و امروز او را به قتل رساندند. او را به قتل رساندند... هیچکس اهمیت نداد!» وی خطاب به مقامات بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری نوشت: «قبل از شروع هر سخنرانی بیهوده در مورد محکومیت یا تسلیت، لطفاً به چشمان فرزندان خردسال حبيب نگاه کنید و ببینید آیا می‌توانید به آنها بگویید که تمام تلاش خود را برای نجات جان پدرشان از دست این تروریست‌ها انجام داده‌اید. می‌توانید؟ واقعاً می‌توانید این را به آنها بگویید؟»

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی روز شنبه ۱۶ اردیبهشت گزارش داد حکم اعدام حبيب فرج‌الله چعب ملقب به «حبيب اسويد» شهروند ایرانی- سوئدی از رهبران «حرکت النضال» اجرا شد.

اتهام وی «افساد فی الارض» از طریق طراحی حمله به رژه نیروهای مسلح در اهواز در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۹۷ بود. این مراسم حوالی پادگان «لشکر ۹۲ زهی» اهواز برگزار شد و طی آن شماری تیرانداز که از شب قبل در محل مستقر شده بودند به سمت مردم و نظامی‌ها شلیک کردند.

مقامات جمهوری اسلامی اعلام کردند «حرکت النضال یک گروه تروریستی و تجزیه‌طلب است که چندین عملیات تروریستی را در ایران اجرا و طراحی کردند.»

اسويد مهر ۱۳۹۹ در جریان سفر به ترکیه ربوده شد و سپس وی را به ایران منتقل کردند. وی طی هشت جلسه محاکمه (پنج جلسه در سال ۱۴۰۰ و سه جلسه در سال ۱۴۰۱) صورت

→ امروز تبدیل به یک شعار ملی و همگانی شده یعنی «زن، زندگی، آزادی» از دیدگاه من چیزی بالاتر از یک شعار است و در همه مدارج زندگی برایم نوعی شیوه زندگی بوده است. زندگی در یک خانواده مدرن، هنرمند و هنردوست با مادری بازیگر و پدری نویسنده، از همان کودکی به من آموخت که تفاوتی میان پسر و دختر در خانواده ما وجود ندارد و اگر قابلیت انجام کاری را داشته باشم این فرصت حتماً به من داده می‌شود. حقوق برابر با مرد، آزادی به عنوان یک زن، آزادی در داشتن تفکر زنانه، انتخاب شیوه‌های خاص کار و زندگی با وجود زن بودن، اعتماد به نفس به عنوان یک زن و مسائلی از این قبیل همواره بطور ناخودآگاه در همه جنبه‌های کار و زندگی من انعکاس داشته است. در نمایش «از قمر تا گلشیشه» که چند سال پیش برای روز جهانی زن در لس‌آنجلس به روی صحنه بردم- مونولوگی بود از زبان قمرالملوک وزیری- این زن هنرمند و شجاع، زنی که روی صحنه حجاب از سر برمی‌گیرد و بجای آن تاج گلی بر سر می‌گذارد. این نمایش کوتاه با یک رقص تک‌نفره با طراحی کم‌نظیر آنا جان‌بازیان فقیه به پایان می‌رسید که در آخرین بخش آن رقصنده، روپوش‌اش را از تن می‌درد.

در نمایش «ماه در آینه»، قمرالملوک وزیری در مقابل همسر محرومیت کشیده شخصیت اول نمایش- «ابراخان» موسیقیدان و ویولون‌نواز یهودی، قرار گرفته است. در این شرایط ما دو روی سکه «زن» را بر صحنه نمایش تماشا می‌کنیم. «قمر»، زنی آزاد و بی‌پروا که زندگی‌اش را وقف هنرش کرده و «ماه‌منظر» زنی که او هم عشق به خوانندگی داشته اما به دلایلی که در نمایش مطرح می‌شود، زندگی‌اش را وقف همسر و فرزندان و نگهداری از آنها کرده است. در این نمایش، با مقایسه نقش این دو زن، به ارزش‌ها، اهمیت وجود و جایگاه خاص هر یک از آنها و اصولاً نقش زن در خلقت پی می‌بریم. در نمایش «فروغ در تاریکی» به عجز و درماندگی‌های زنی پی می‌بریم که برای رسیدن به جایگاه خاص خودش به عنوان شاعری مدرن و آزاداندیش، باید طول یک دنیای مردانه خشن، بی‌رحم و عاطفه و مملو از محکمه تشخیص سردبیران، شاعران، منتقدین، پیشکسوتان و حتی سینماگران اطراف خود را بی‌بیماید تا در جایگاه یک زن شاعر و نوگرا مورد قبول جامعه اطراف خود قرار بگیرد. البته نتیجه آنهم همانطور که می‌دانیم یک مجموعه بی‌همتا از شعرهای زنانه فروغ است که «ایمان آورده است به آغاز فصلی سرد» و می‌سراید: «من عروس خوشه‌های افاقی شدم انگار مادرم گریسته بود آن شب چه روشنایی بیهوده‌ای در این دریچه مسدود سر کشید چرا نگاه نکردم؟»

-در نمایش «موش و تله» نیز شما نقش قوی و پر قدرتی برای زن قائل شده‌اید که ابعاد گسترده‌ای دارد و خودتان هم در این نقش بازی می‌کنید.

-بعله، همینطور است. نقش «شهین جوشان»- یک بازیگر قدیمی فیلمفارسی پیش از انقلاب- زنی قوی و قدرتمند اما در عین حال فداکار و ازخودگذشته است. شهین نمایش من نیازی نمی‌بیند که از جوانی، زیبایی و یا حتی قر و غمزه‌های معمول بر روی صحنه‌های تئاتر این شهر بهره‌برداری کند. به نظر من همین خودش اوج شعار «زن، زندگی، آزادی» است. شهین ابعاد گوناگون یک زن ایرانی، دردها، نیازها و فرازجویی‌های هرچند خطیر یک زن واقعی را به ما نشان می‌دهد. شهین زنی است که ادای یک زن را در نمی‌آورد. زنی است که ما بارها با او روبرو شده‌ایم و بین خود ما زندگی می‌کند اما او وجود او را آنطور که بوده و هست ندیده و نشناخته‌ایم. نمایش «موش و تله» من نوعی توهم‌زدایی از مقام و منزلت زن و ادای احترام به عمق شخصیت زن، زندگی و آزادی است.

تجمعات و اعتراضات آموزگاران، بازنشستگان و کارگران؛ صدای اصناف خاموش شدنی نیست



مختلف روی آوردند.»
این قطعنامه افزوده که عمده‌ترین مطالبات معیشتی معلمان عبارتند از:
- اجرای دقیق قانون مدیریت خدمات کشوری برای شاغل و بازنشسته
- اجرای دقیق رتبه‌بندی معلمان مطابق مصوبه اولیه
- بازگشت به اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی
- تامین آموزش با کیفیت و امنیت مدارس به‌ویژه برای دختران دانش‌آموز
- آزادی بی‌قید و شرط همه فعالین در بند
در بخش پایانی قطعنامه نیز تأکید شده بود که شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران اعتراض جامعه معلمان را به موارد زیر اعلام می‌دارد:
۱- بی‌توجهی آشکار به جایگاه علم و معلمان
۲- حذف عملی اصل ۳۰ قانون اساسی
۳- تشدید القای ایدئولوژیک در کتاب‌های درسی
۴- عدم اجرای درست قانون رتبه‌بندی و تبدیل آن از یک عامل تشویق معلمان به ابزاری برای مطیع کردن آنان
۵- انتظار بیش از یک دهه برای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان
۶- عدم اجرای همین قانون نیم‌بند رتبه‌بندی برای بازنشستگان سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱
۷- ایجاد ناامنی روانی و تهدید سلامت جسمی دانش‌آموزان به‌ویژه دختران دانش‌آموز
۸- تداوم پرونده‌سازی و فشارهای امنیتی بر فعالین صنفی تجمع آموزگاران در حالی برگزار شد که در هفته‌های گذشته فعالان صنفی آموزگاران زیر سرکوب و فشارهای شدید امنیتی و تهدید و بازجویی و بازداشت قرار داشتند.
در یک نمونه از این سرکوب‌ها بیش از ۱۲ تن از فعالان صنفی آموزگار و کارگری شامگاه جمعه هشتم اردیبهشت و در حالیکه به دیدار خانواده محمد حبیبی، سخنگوی بازداشت شده کانون صنفی معلمان، رفته بودند با ←

«آموزش رایگان در تمام سطوح و برای کلیه ساکنین کشور» نوشته شده بود.
بر اساس گزارش‌ها در تهران از تجمع آموزگاران مقابل مجلس شورای اسلامی جلوگیری شد. همچنین مأموران حکومتی به تجمع آموزگاران در شهر سمنان نیز حمله کردند.
تجمع سراسری آموزگاران با فراخوانی از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی آموزگاران ایران برگزار شد. این شورا هفته گذشته در بیانیه‌ای با عنوان «پیرامون بزرگداشت مقام معلم» از آموزگاران خواسته بود روز سه‌شنبه، ۱۹ اردیبهشت همزمان با زادروز جبار باغچه‌بان بنیانگذار تئاتر کودکان و آموزش ناشنویان، مقابل مجلس شورای اسلامی در تهران و ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌های مختلف دست به تجمع بزنند.
شورای هماهنگی تشکلهای صنفی آموزگاران ایران همچنین امروز سه‌شنبه متنی به عنوان «قطعنامه پایانی تجمع سراسری معلمان» منتشر کرد و خواستار «اجرای دقیق قانون مدیریت خدمات کشوری برای افراد شاغل و بازنشسته، اجرای رتبه‌بندی معلمان مطابق مصوبه اولیه، بازگشت به اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی، تأمین آموزش با کیفیت و امنیت مدارس به‌ویژه برای دختران دانش‌آموز و آزادی بی‌قید و شرط همه فعالین در بند شد.
در قطعنامه پایانی تجمع امروز آموزگاران آمده که «بی‌توجهی حاکمان به نقش محوری معلمان در آموزش و ضرورت برخورداری آنان از رفاهی نسبی نیز انگیزه‌ای شد برای تلاش‌هایی فردی یا جمعی توسط این معلمان و ادامه دهندگان راهشان در دوره‌های مختلف و البته تقابل متحجران، چه در زیر نقاب دفاع از دین و مذهب، چه صاحبان قدرتی که آموزش را تنها در راستای پرورش افراد مطیع در برابر سیطره آنان می‌خواستند یا ترکیبی از هر دو. از اینرو همداستان قدرت‌طلب در دفاع از نظم و امنیت سلطه‌جویانه، به زندانی کردن، تبعید و حتی شدیدترین اقدامات سرکوبگرانه، کشتن و اعدام، معلمان، در دوره‌های

● تجمع آموزگاران امروز در حالی برگزار شد که در هفته‌های گذشته فعالان صنفی آموزگاران زیر سرکوب و فشارهای شدید امنیتی و تهدید و بازجویی و بازداشت قرار داشتند.
● همزمان با تجمع سراسری آموزگاران، کارکنان راه‌آهن در کرمان اعتصاب کردند، کارگران شهرداری در سرپندر (بندر امام) و آرامستان «بهشت‌زهرا» در تهران در اعتراض به دستمزدهای ناچیز تظاهرات کردند.
● بازنشستگان مخابرات ایران نیز روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ در اعتراض به عدم افزایش حقوق‌ها و مشکلات معیشتی تجمع سراسری در شهرهای مختلف برگزار کردند.
● دولت هیچ برنامه حمایتی از اقشار حقوق‌بگیر به ویژه کارگران و بازنشستگان ندارد و چشم‌انداز اقتصادی کشور نیز نشان از افزایش تورم و شکاف بیشتر میان درآمدها و هزینه‌های خانوار دارد.
آموزگاران ایران امروز سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت در بیش از ۱۲ شهر ایران تجمع سراسری برگزار کردند. همزمان تجمعات اعتراضی دیگری از جمله از سوی کارکنان راه‌آهن و کارگران شهرداری برگزار شد.
صدها آموزگار در ۱۲ شهر مختلف ایران در اعتراضی سراسری صبح امروز سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ در مقابل اداره‌های آموزش و پرورش تجمع کردند. بر اساس گزارش‌ها این تجمعات در شهرهای هرسین، اراک، اهواز، شوش، تربت حیدریه، همدان، اسلام‌آباد غرب (شاه‌آباد)، سمنان، قزوین، تاکستان، کرمانشاه، و جلفا برگزار شده است.
این تجمع سراسری به دو علت مطالبات صنفی آموزگاران و ادامه مسمومیت‌های سریالی در مدارس کشور با تأکید بر شعار «دانش‌آموزان خط قرمز ما هستند» برگزار شد.
در این تجمعات آموزگاران پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آنها عباراتی از جمله «معلم زندانی آزاد باید گردد»، «حملات شیمیایی به مدارس دخترانه متوقف باید گردد» و

حمله ناگهانی مأموران امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شدند.

خدیجه پاک‌ضمیر معلم و همسر محمد حبیبی، کامیار فکور، سروناز احمدی، عسل محمدی، هیراد پیربداقی، آنیسا اسدالهی، ریحانه انصاری‌نژاد، ژاله روحزاد، حسن ابراهیمی، حسن محمدی و نسرین بهمین‌پور از جمله افراد بازداشت شده بودند.

«شورای بازنشستگان ایران» تعداد بازداشت‌شدگان را ۱۲ نفر عنوان کرده و نوشته که «در جریان بازداشت ۱۲ فعال جنبش معلمان هنگام دیدار با خانواده محمد حبیبی در جمعه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۲، سارا سیاهپور، اولدوز هاشمی، کبیری و پروین اسفندیاری مورد ضرب و شتم قرار گرفته که وضعیت قلبی پروین اسفندیاری بد شده و به بیمارستان منتقل می‌گردد.»

فشار بر فعالان صنفی در حالست که تجمعات و اعتراضات اصناف مختلف به ویژه در میان کارگران، بازنشستگان و حقوق‌بگیران همچنان در جریان است.

امروز سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت و همزمان با تجمع سراسری آموزگاران، کارکنان راه‌آهن در کرمان اعتصاب کردند و «بهشت زهرا» در تهران در اعتراض به دستمزدهای ناچیز و مشکلات معیشتی راهپیمایی کردند.

یکی از کارگران آرامستان «بهشت زهرا» تهران گفته که هشت ماه است بیمه‌ها را پرداخت نکرده‌اند و ارزاق عید نوروز و ماه رمضان را پرداخت نکرده‌اند و هیچ کس جوابگو نیست.

اتحادیه آزاد کارگران ایران همچنین از تداوم اعتصاب کارگران و کارکنان خط و ابنیه فنی راه‌آهن کرمان خبر داد. حدود ۴۰۰ کارگر اعتصاب‌کننده خطوط و ابنیه فنی «از بافق تا بم» با «شرکت رضوان درود» کار می‌کنند و کارفرما پاسخگو مطالبات آنان نیست.

در اصفهان نیز تجمع اعتراضی کارگران کاشی اصفهان برگزار شد که در اقدامی نمادین با پهن کردن سفره ناهار و قرار دادن نان و سنگ در آن به وضعیت موجود اعتراض کردند.

بازنشستگان مخابرات ایران نیز روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ در اعتراض به عدم افزایش حقوق‌ها و مشکلات معیشتی تجمع سراسری در شهرهای مختلف برگزار کردند. معترضات در مقابل اداره مخابرات تبریز، زاهدان، بندرعباس، رشت، مشهد، دزفول و زنجان تجمع کرده و شعارهایی از جمله «وعده وعید کافیه، سفره ما خالی» سر دادند.

تجمع بازنشستگان مخابرات در تهران از سوی مأموران جمهوری اسلامی سرکوب شد. به گزارش «اتحادیه آزاد کارگران» در روز نیروهای امنیتی و انتظامی که از صبح زود اطراف ساختمان وزارت ارتباطات تهران و داخل پارک اندیشه را کاملاً قرق کرده بودند، مانع از شکل‌گیری تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات تهران شدند.

در ادامه این گزارش آمده که مأموران حکومتی با حمله به کسانی که برای تجمع آمده بودند، تعدادی را بازداشت کردند. بنا بر این گزارش ۷ نفر از بازنشستگان که در محل پارک اندیشه حضور داشتند نیز بازداشت شدند. این بازنشستگان بازداشتی از جانبازان جنگ نیز هستند.

تجمعات صنفی به دلیل مشکلات اقتصادی از جمله تورم و گرانی، و همچنین سطح پایین دستمزدها در حال گسترش است. دولت هیچ برنامه حمایتی از اقشار حقوق‌بگیر به ویژه کارگران و بازنشستگان ندارد و چشم‌انداز اقتصادی کشور نیز نشان از افزایش تورم و شکاف بیشتر میان درآمدها و هزینه‌های خانوار دارد.

ادامه تورم و گرانی و بلبشوی اقتصادی؛ سنگین‌ترین فرار پول حقیقی بورس از شهر یورماه ۹۹ تا کنون



بنابراین فشار تورم روستایی در پایان سال قبل بیشتر از تورم شهری بوده است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم ماهانه اسفند سال قبل ۷/۴ درصد بوده و این رقم در فروردین ماه سال جاری به سطح ۷/۳ درصد رسیده است. همچنین در اسفندماه ۱۴۰۱ میزان تورم ماهانه خوراکی‌ها ۹/۶ درصد گزارش شده است.

روزنامه «خراسان» در مطلبی با اشاره انتشار گزارش تورمی مرکز آمار ایران نوشته که سرانجام روز گذشته نرخ تورم مرکز آمار پس از وقفه ای بیش از ۴۰ روزه منتشر شد. اگرچه همین آمار می‌هم که منتشر شد، ناقص و خیلی خلاصه است. این در حالیست که تغییر سال پایه از ۱۳۹۵ به ۱۴۰۰ که پیش از این به عنوان دلیل تاخیر در اعلام این نرخ مطرح شده بود، قاعدتا نباید چنین تاخیری را ایجاد می‌کرد. همچنین نرخ تورم بانک مرکزی نیز که توقف اعلام آن از سال ۹۷ توسط دولت سابق مورد انتقاد مسئولان دولت فعلی بود، مدتی است منتشر نشده است.

در ادامه این مطلب آمده که «در کنار مسئله اعلام نرخ تورم با توقف انتشار آمار قیمت مسکن تهران نیز مواجه هستیم، چنان که گزارش‌های ماهانه بانک مرکزی در این باره از یازدهم دی ماه به روز نشده و گزارش‌های ماهانه مرکز آمار در این باره نیز از ۱۶ بهمن به بعد منتشر نشده است. این مسائل در کنار هم نشان می‌دهد که نوعی تشنگی در اعلام آمارها یا شاید نوعی ترس از انتشار آمار وجود دارد.»

محمدرضا رضایی کوچی رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به سانسور آمار تورم فروردین گفته که «دولت باید خودش پاسخ دهد که چرا آمار مربوط به تورم فروردین ماه سال جاری را منتشر نمی‌کند اما این اقدام خوب نیست.»

رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی افزوده که «به این معنی که گرانی مسکن و افزایش قیمت مسکن منجر به این شده که دیگر کسی فکر گذشته را نکند. در حقیقت به دلیل اینکه مسکن ساخته نمی‌شود، قیمت مسکن افزایش پیدا می‌کند و این افزایش قیمت به اندازه‌ای است که کسی

● نان، مرغ، تخم‌مرغ، تن ماهی، میوه و خشکبار و شیر خام از جمله کالاهایی هستند که در روزهای گذشته با افزایش قیمت روبرو شدند.

● مرکز آمار ایران اعلام کرده که میزان تورم سالانه در اسفندماه گذشته به رقم ۸/۴۵ درصد رسیده و رقم تورم سالانه بخش روستایی به ۶/۵۰ درصد رسیده است.

● این دولت نیز بجای آسیب‌شناسی و حل مشکلات موجود در بازار مسکن معتقد است که سوداگران سبب افزایش قیمت‌ها در بازار مسکن هستند.

● امروز و دیروز ۷ هزار و ۶۸۹ میلیارد تومان سرمایه حقیقی از بورس تهران خارج شده و غالب همادها منفی بوده است.

تورم فراینده و افزایش قیمت کالاها و خدمات، به ویژه مواد خوراکی، ادامه دارد. وضعیت بازار مسکن چنان آشفته است که این دولت نیز با بگرویندگی‌هایی تلاش دارد جو روانی بازار را کنترل کند. در این میان، بازار بورس با ثبت رکورد تازه‌ای از فرار پول حقیقی از بازار روبرو شده و در مجموع بیش از هفت هزار میلیارد تومان پول حقیقی از بورس خارج شده است.

در روزهای گذشته موجی از افزایش قیمت مواد خوراکی بار دیگر سبب کوچکتر شدن سفره‌های مردم شده است. نان، مرغ، تخم‌مرغ، تن ماهی، میوه و خشکبار و شیر خام از جمله کالاهایی هستند که در روزهای گذشته با افزایش قیمت روبرو شدند. قیمت دیگر کالاها و خدمات نیز رو به افزایش است. گزارش‌ها از افزایش قیمت و حتی نایاب شدن بلیت هواپیما در برخی خطوط داخلی حکایت دارد.

روند افزایشی تورم موجب شد مرکز آمار ایران بیش از شش هفته آمارهای تورمی کشور را سانسور کند. در پی اعتراضات و انتقادات اما این مرکز روز گذشته اقدام به انتشار گزارشی درباره تورم اسفندماه ۱۴۰۱ کرد. در این گزارش ادعا شده که میزان تورم سالانه در اسفندماه گذشته به رقم ۸/۴۵ درصد رسیده و رقم تورم سالانه بخش روستایی به ۶/۵۰ درصد رسیده است.

در این گزارش، تورم شهری به میزان ۴۵ درصد گزارش شد.

➔ جرأت انتشار آمار واقعی را ندارد.

وضعیت در دیگر بازارهای کشور نیز نشان از نابسامانی شدید اقتصادی دارد. بازار بورس تهران در دو روز بیش از دویست هزار واحد عقب‌نشینی کرد و بزرگترین سقوط تاریخ را در هجدهم اردیبهشت رقم زد. برخی معتقدند بازار تحت تاثیر شایعات است. گفته می‌شود تصمیماتی برای تخلیه هیجان بورس اتخاذ شده و از سوی دیگر برخی نیز این ریزش را مرتبط با اخبار اعلامی در خصوص کاهش سفت و سخت قیمت ارز می‌دانند.

با آغاز فصل جابجایی مستأجران در ایران اجاره‌بهای مسکن

هزار واحد رسید.

در مجموع امروز و دیروز ۷ هزار و ۶۸۹ میلیارد تومان سرمایه حقیقی از بورس تهران خارج شده است. نگاهی به نقشه بازار سهام امروز نشان می‌دهد که سهام شرکت‌های بورسی عموماً در طرف قرمز بازار معامله شدند و تنها ۵۶ نماد در بورس امروز افت قیمتی نداشتند.

گزارش‌ها نشان می‌دهد روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت رقمی معادل ۴۷۰۰ میلیارد تومان پول سهامداران خرد از بازار خارج شد که اینهمه در نوع خود یک رکورد محسوب می‌شود، چرا که چنین چیزی از سوم شهریورماه سال ۹۹ سابقه نداشت. همه



شاخص‌های بورس دیروز به رنگ قرمز درآمدند و شاخص کل ۹۵ هزار واحد ریخت.

ابوذر مشایخی کارشناس بازار سرمایه با اشاره به ریسک بالای بورس گفته که «آنچه در مورد سهام برای بسیاری از مردم اهمیت دارد، این است که باید با ۳۰ درصد نقدینگی‌شان در این بازار حضور داشته باشند و آن را مدیریت کنند تا آسیب زیادی نبینند. این بازار، بازاری پر ریسک است، اما بازارهای دیگر برای حفظ ریال بازارهای کم‌ریسک‌تری هستند.»

ابوذر مشایخی درباره علت خروج پول حقیقی از بورس توسط سهامداران خرد یا همان مردم عادی گفته که «خروج پول از این بازار علل گوناگونی دارد که اکثراً به خاطر اخبار نامتقارن (نرخ دلار، برجام و...) است و مساله بعدی به این موضوع برمی‌گردد که برخی خواستار امنیت بیشتر سرمایه‌های خود هستند و منابع‌شان را به سمت بازارهای خودرو، ملک، طلا یا خارج از کشور می‌برند و این عوامل همیشه از گذشته هم بوده و در سال‌های قبل هم همین روند تکرار شده و این بازارهای موازی در نهایت به یکدیگر وصل هستند.»

خبرگزاری «برنا» نوشته است که به واسطه انتشار صورت‌های مالی شش ماهه شرکت‌ها در روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت در نیمه دوم معاملات بازار افت قیمت سهم‌های سنگین، باعث منفی شدن شاخص کل شد. این گزارش به نقل از کارشناسان تأکید کرده که ارزش سهام برخی از شرکت‌ها در بورس با درباری آنها انطباق ندارد.

همچنین کاهش نرخ ارزهای خارجی مقابل ریال در بازارهای آزاد ایران طی یک هفته گذشته نیز به عنوان عامل دیگری برای کاهش شاخص کل بورس ارزیابی شده است. اینهمه در حالیست که کاهش بیش از پنج درصدی شاخص کل در بازار سهام سبب شده سهامداران تنها به فکر فرار از این بازار قرمز باشند.

قوه قضاییه هم لایحه «حجاب و عفاف» تدوین کرد! حمایت قانونی از «آمران به معروف» و «نیروهای نیابتی»

● به گفته سخنگوی قوه قضاییه این لایحه اکنون در کمیسیون حقوقی و قضایی دولت است و پس از بررسی به هیئت دولت می‌رود تا پس از تصویب به مجلس شورای اسلامی فرستاده و به قانون تبدیل شود.

● قوه قضاییه به دنبال ایجاد سازوکار قانونی برای حمایت از نیروهای نیابتی شامل بسیجی‌ها و لباس شخصی‌ها به اسم حمایت از آمران به معروف است تا بدین ترتیب به آنها مشروعیت حقوقی نیز ببخشد.

● آمران به معروف افراد لباس شخصی و بسیجی هستند و به تازگی در پی اجرای طرح «حجاب و عفاف» در سطح شهرها و اماکن عمومی مستقر شده و به شکل «نیروهای نیابتی» حکومت در جامعه عمل می‌کنند.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی نیز در طرحی موازی با طرح مجلس شورای اسلامی، لایحه‌ای را با عنوان «عفاف و حجاب» در ۹ ماده تدوین و به دولت ارائه کرده است. در پی سیاست‌های جدید جمهوری اسلامی برای سرکوب زنان و ایجاد فضای امنیتی-پلیسی در جامعه، قوه قضاییه هم لایحه‌ای با عنوان «عفاف و حجاب» تدوین و به دولت ارائه کرده است.

مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه امروز سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ در جمع خبرنگاران گفت پیش‌نویس لایحه «عفاف و حجاب» در ۹ ماده در معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه تهیه، پس از تصویب غلامحسین محسنی اژه‌ای ریاست قوه قضائیه به دولت ارسال شد.

به گفته سخنگوی قوه قضاییه این لایحه اکنون در کمیسیون حقوقی و قضایی دولت در دست بررسی است و پس از بررسی به هیئت دولت ارسال خواهد شد تا پس از تصویب به مجلس شورای اسلامی فرستاده و به قانون تبدیل شود.

خبرهایی از تصویب لایحه «عفاف و حجاب» در قوه قضاییه از هفته گذشته مطرح شده بود. طی روزهای گذشته حسن نوروزی نماینده مجلس شورای اعلام کرده بود که لایحه‌ای در رابطه با موضوع حجاب در دولت در حال بررسی است که بزودی به مجلس ارسال خواهد شد. هنوز جزئیاتی در مورد محتوای این لایحه منتشر نشده و مشخص نیست که این ۹ ماده چه موضوعاتی را شامل می‌شود.

غلامحسین محسنی اژه‌ای رییس قوه قضاییه هفته گذشته از تدوین لایحه‌ای برای حمایت از فرهنگ حجاب و عفاف در این قوه خبر داده و گفته بود نظر سران دیگر



به معروف» بوده و سعی کردند تصویری از یک «بسیجی» و «امر به معروف» از او ارائه دهند.

مقامات حکومتی همچنین مراسم تشییع جنازه‌ای به سبک و سیاق جمهوری اسلامی برای او برگزار کرده و او را بسیجی معرفی نمودند. این مراسم به شکل گسترده در رسانه‌های حکومتی بازتاب یافت.

تأیید شورای نگهبان و ارجاع به دولت و قوه قضاییه، به اجرا درآمد.

این طرح به طور رسمی از ۲۶ فروردین امسال آغاز شده که جدا از کارگزاری هزاران دوربین تشخیص چهره در نقاط مختلف شهرها و مستقر کردن «نیروهای نیابتی» برای سرکوب و مدیریت فضای جامعه، صدها مکان تفریحی،

قوای جمهوری اسلامی نیز درباره این لایحه گرفته شده است.

غلامحسین محسنی اژه‌ای یک ماه پیش و در سخنانی در شورای اداری استان البرز نیز گفته بود که «حل مسائل فرهنگی با بگير و ببند هزینه بالایی دارد و در کنار موضوعات صیانتی و حقوقی، اساس مسائل فرهنگی را باید



مادر حمیدرضا اما چند روز پس از جان باختن فرزندش در گفتگو با صداوسیما جمهوری اسلامی، موضوع بسیجی بودن او را رد کرد و گفت: «چون حمید دختر ۱۵ ساله داشت نمی‌توانست چنین صحنه‌ای را تحمل کند. غیرتش اجازه نداد دختر مردم را ببرند. او نه بسیجی بود، نه جهادی بود؛ انسان بود. شرف داشت. انسان بود. سر بلندم کرد.»

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضائیه، حمیدرضا الداغی را «شهید نهی از منکر» نام داد و حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران، با انتشار بیانیه‌ای عنوان کرد که تلاش‌های، به گفته او، «شیطانی و فریبکارانه دشمن» در ترویج «منکر» و تخریب «معروف» به ثمر نخواهد نشست. خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران جمهوری اسلامی حتی مدعی شده بود که حمیدرضا الداغی چهاردهمین شهیدی است که در استان خراسان رضوی جان خود را در راه امر به معروف و نهی از منکر از دست می‌دهد!

در ادامه پرونده شهیدسازی از حمیدرضا الداغی، آیت الله محمدی لائینی امام جمعه ساری گفته بود: «در این روزها شهیدانی را در حوزه امر به معروف و نهی از منکر همچون شهید حمیدرضا الداغی تقدیم کرده‌ایم، تصریح کرد: او شهید راه حفظ ناموس و عفاف و حجاب شد، و همه مشاهده کردند در مشهد برای این شهید عزیز چه تشییع باشکوهی انجام شد.»

او با اشاره به اینکه مردم به سهم خود از شهدا تجلیل و تکریم به عمل می‌آورند گفته بود که «اما دستگاه قضایی که باید برخورد لازم را داشته باشد مقداری کند و شل عمل می‌کند؛ برای چیزی که عیان است و فیلم آن وجود دارد تاخیر در مجازات بی‌دلیل است؛ دستگاه قضا باید هم‌پای مردم حرکت کند و این افراد را به سزای عملشان برساند.»

گردشگری، رستوران، کافه و مرکز خرید نیز به بهانه رعایت نشدن حجاب توسط زنان پلمب شده است.

به نظر می‌رسد اکنون قوه قضاییه به دنبال ایجاد سازوکار قانونی برای حمایت از نیروهای نیابتی شامل بسیجی‌ها و لباس شخصی‌ها به اسم حمایت از آمران به معروف است تا بدین ترتیب به آنها مشروعیت حقوقی نیز ببخشد.

هفته گذشته نیز آیت الله محمدی لائینی امام جمعه ساری در خطبه‌های نماز جمعه بر لزوم حمایت از «آمران به معروف» تأکید کرده و گفته بود که «همه ما می‌بایست ضمن پرداختن به تکلیف الهی امر به معروف و نهی از منکر، از آمران به معروف و ناهیان از منکر نیز حمایت کنیم.»

جمهوری اسلامی حتی تا «شهیدسازی» برای برجسته کردن «آمران به معروف» پیش رفت. هفته گذشته خبری درباره جان باختن یک مرد ۴۶ ساله در سبزوار در دفاع از دختری جوان که مورد مزاحمت خیابانی چند نفر قرار گرفته بود منتشر شد. بر اساس گزارش‌ها حمیدرضا الداغی، ساعت ۹ شب هشتم اردیبهشت به دنبال دخترش در کلاس می‌رفت که با ایجاد مزاحمت چند مرد جوان برای یک دختر روبرو شد. حمیدرضا الداغی در حمایت از این دختر جوان با آنها درگیر شد و بر اثر اصابت ضربات چاقوی افراد مزاحم جان خود را از دست داد.

در ویدئوهای منتشر شده از دوربین‌های مدار بسته در محل کشته شدن حمیدرضا الداغی، چند مرد جوان دیده می‌شوند که دختری جوان را احاطه کرده و با چاقو او را تهدید می‌کنند. با ورود آقای الداغی در دفاع از زن جوان و شروع درگیری، این افراد با چاقو چند ضربه به کمر، دست و سینه او می‌زنند.

رسانه‌های جمهوری اسلامی به سرعت از این خبر سوء استفاده کردند و مدعی شدند حمیدرضا الداغی «شهید امر

فرهنگی حل کرد. اگر بخواهیم مسائل فرهنگی را اساساً انضباطی و کیفری و بگير و ببند حل کنیم هزینه بالایی خواهد داشت. قوه قضائیه برای مسئله عفاف و حجاب از همه ظرفیت‌های قانونی استفاده خواهد کرد.»

هر چند رئیس قوه قضاییه بر «مسائل فرهنگی» در زمینه مبارزه با بی‌حجابی تأکید کرده که سخنگوی قوه قضاییه در سخنان امروز خود از تشکیل «شعب ویژه» برای حمایت از «آمرین به معروف» در سراسر کشور تأکید کرده که «هیچ کسی اجازه جلوگیری از انجام امر به معروف و نهی از منکر توسط افراد را ندارد.»

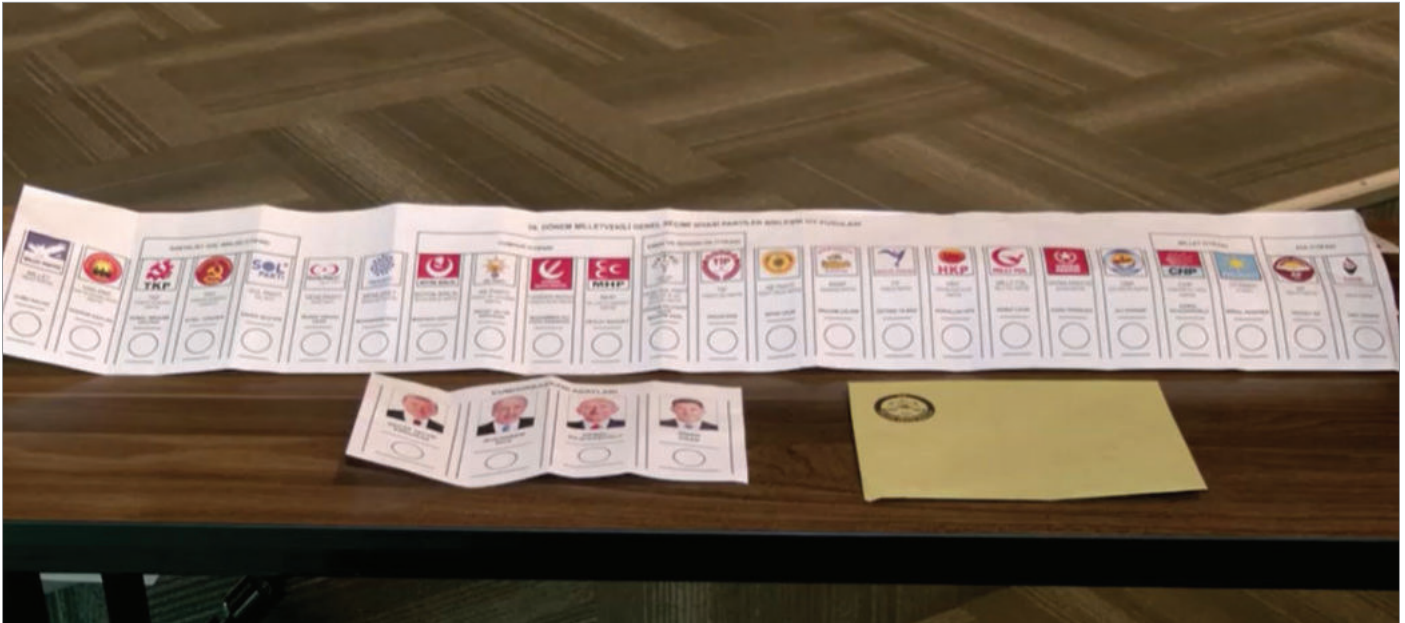
آمران به معروف که غالباً افراد لباس شخصی و بسیجی هستند و به تازگی در پی اجرای طرح «حجاب و عفاف» در سطح شهرها و اماکن عمومی مستقر شده و به شکل «نیروهای نیابتی» حکومت در جامعه عمل می‌کنند طی هفته‌های گذشته برخوردهای خشن و همراه با برخورد فیزیکی با شهروندان انجام داده‌اند. مردم نیز در مقابل با آنها درگیر و به آنها اجازه دخالت در شخصی‌ترین انتخاب و امور زندگی از جمله نحوه پوشش خود را نمی‌دهند.

با آغاز سال جدید خورشیدی مجلس شورای اسلامی طرحی با عنوان «حجاب و عفاف» را تدوین کرده که به سرکوب و برخوردها با زنان به بهانه بی‌حجابی سازوکار قانونی ببخشد.

بر اساس جزئیاتی که از طرح «عفاف و حجاب» با هدف آنچه «زندگی عقیفانه» منتشر شده زنان «بی‌حجاب» یا «بدحجاب» به انواع مجازات‌های نقدی و غیرنقدی از جمله ضبط گواهینامه و پاسپورت و جریمه نقدی ۵۰۰ هزار تا ۳ میلیون تومان محکوم می‌شوند.

قابل توجه اینکه طرح عفاف و حجاب در عمل بدون طی کردن مراحل و تشریفات قانونی، از تصویب در مجلس تا

انتخابات ترکیه؛ شکست احتمالی اردوغان نویدبخش تضعیف اسلام سیاسی در منطقه خواهد بود



اصلی کارزار انتخاباتی‌اش را روی مسائل داخلی ترکیه گذاشته است. این امر بسیار طبیعی هم هست، زیرا ترک‌ها هستند که باید رهبر آینده خود را انتخاب کنند. ولی اگر شما توجه داشته باشید می‌بینید که کشورهای غربی بطور کلی از کمال قلیچداراوغلو رهبر این ائتلاف پشتیبانی می‌کنند. در حالی که پوتین و شی جین‌پینگ، اردوغان را ترجیح می‌دهند. این نکته به هرحال جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه را بعد از انتخابات تا حدودی نشان می‌دهد.

البته بیشتر کارشناسان احتمال می‌دهند که انتخابات به دور دوم بکشد. در ترکیه تا قبل از شمارش آرا بسیاری از احتمالات می‌توانند غلط از آب درآیند. ولی در اوضاع و احوال کنونی بر مبنای چندین نظرسنجی قلیچداراوغلو پیشتاز انتخابات است.

ائتلاف دیگری که برضد اردوغان تشکیل شده «ائتلاف کار و آزادی» نام دارد که دربرگیرنده «حزب کارگر ترکیه» و «حزب دموکراتیک خلق‌ها» است. این ائتلاف نیز از نامزدی کمال قلیچداراوغلو حمایت می‌کند.

-میزان اختلاف آرای پیش‌بینی شده چقدر است؟

-محبوبیت قلیچداراوغلو کمی بیشتر از پنجاه درصد است. ولی باید در نظر داشته باشیم که درصد بالایی از رأی‌دهندگان هنوز مردد هستند و اینها در حدود ۱۵ درصد دارندگان حق رای را تشکیل می‌دهند. از کل جمعیت حدوداً ۸۵ میلیونی ترکیه ۶۳ میلیون واجد حق رای هستند و ۱۵ درصد از این تعداد رقم بالایی است. از طرف دیگر، ۱۳ میلیون از دارندگان حق رای زیر ۲۵ سال هستند. از ۶۳ میلیون دارنده‌ی حق رای ۶ میلیون رای هم «رای اولی‌ها» است. این ۶ میلیون همان نسلی است که به آن نسل Z می‌گویند. اینها به احتمال قوی به اردوغان رای نخواهند داد، زیرا به دنبال چهره‌ای جدید هستند. ولی فراموش نکنیم که رقیب اردوغان هم چهره چندانی جالبی برای این رای‌دهندگان جوان نیست. البته دو نامزد دیگر هم هستند، یکی «محرم اینچه» و

گذاشت. برای بررسی آرایش کنونی نیروها و پیامدهای شکست احتمالی اردوغان با علیرضا مناف‌زاده جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل منطقه گفتگو کردیم.

-آقای مناف‌زاده، آرایش نیروهای سیاسی و ائتلاف‌های کنونی در حال حاضر چگونه است و هر کدام چه اهدافی دارند؟

-از «ائتلاف ملت» شروع کنم که متشکل از شش حزب به رهبری کمال قلیچداراوغلو رهبر حزب جمهوریخواه خلق و برخاسته از اقلیت «علویان» ترکیه است. این حزب سوسیال دموکرات و لائیک است و هم‌اکنون ۱۳۴ کرسی از ۶۰۰ کرسی پارلمان را در اختیار دارد. شهرداران ۱۱ شهر از ۳۰ شهر بزرگ ترکیه وابسته به این حزب هستند. دومین حزب این ائتلاف، «حزب خوب» به رهبری خانم مرال آکشیر است که حزبی راست‌گرا، ملی‌گرا و لائیک است و ۳۶ نماینده در پارلمان کنونی دارد. حزب اسلام‌گرای «سعادت» به رهبری تیل قارامُلا اوغلو سومین حزب این ائتلاف است. چهارمین حزب «ائتلاف ملت»، «حزب آینده» به رهبری احمد داووداوغلو نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه پیشین ترکیه است. پنجمین حزب ائتلاف هم حزب «دموکراسی و پیشرفت» با نام کوتاه (دوا) به رهبری علی باباجان است. ششمین و کوچک‌ترین حزب تشکیل‌دهنده «ائتلاف ملت»، حزب دموکرات به رهبری گولتکین اویسال است.

«ائتلاف ملت» پیش از هر چیز به دنبال تغییر اساسی سیاسی در سطح ملی و در نظام سیاسی ترکیه است. این ائتلاف در پی بازگرداندن نظام کنونی ترکیه به نظام پارلمانی است که اردوغان آن را در سال ۲۰۱۷ با یک referendum برنامه‌ریزی شده به نظام ریاست جمهوری تبدیل کرد. به قول قلیچداراوغلو می‌توان تصمیمات مهم سیاسی را بر عهده یک نفر گذاشت. ولی تاکنون معلوم نیست که اگر این ائتلاف در انتخابات پیروز شود چه تغییر اساسی در سیاست خارجی ترکیه ایجاد خواهد کرد زیرا «ائتلاف ملت» تکیه‌ی

علیرضا مناف‌زاده جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل منطقه: «ائتلاف ملت پیش از هر چیز به دنبال تغییر اساسی سیاسی در سطح ملی و در نظام سیاسی ترکیه است. این ائتلاف در پی بازگرداندن نظام کنونی ترکیه به نظام پارلمانی است که اردوغان آن را در سال ۲۰۱۷ با یک referendum برنامه‌ریزی شده به نظام ریاست جمهوری تبدیل کرد.»

«بیشتر کارشناسان احتمال می‌دهند که انتخابات به دور دوم بکشد. در ترکیه تا قبل از شمارش آرا بسیاری از احتمالات می‌توانند غلط از آب درآیند. ولی در اوضاع و احوال کنونی بر مبنای چندین نظرسنجی قلیچداراوغلو پیشتاز انتخابات است.»

«محبوبیت قلیچداراوغلو کمی بیشتر از پنجاه درصد است. ولی باید در نظر داشته باشیم که درصد بالایی از رأی‌دهندگان هنوز مردد هستند و اینها در حدود ۱۵ درصد دارندگان حق رای را تشکیل می‌دهند. از کل جمعیت حدوداً ۸۵ میلیونی ترکیه ۶۳ میلیون واجد حق رای هستند و ۱۵ درصد از این تعداد رقم بالایی است. از طرف دیگر، ۱۳ میلیون از دارندگان حق رای زیر ۲۵ سال هستند. از ۶۳ میلیون دارنده‌ی حق رای ۶ میلیون رای هم «رای اولی‌ها» است. این ۶ میلیون همان نسلی است که به آن نسل Z می‌گویند. اینها به احتمال قوی به اردوغان رای نخواهند داد، زیرا به دنبال چهره‌ای جدید هستند. ولی فراموش نکنیم که رقیب اردوغان هم چهره چندانی جالبی برای این رای‌دهندگان جوان نیست.»

«شکست احتمالی اردوغان، شکست اسلام سیاسی در ترکیه خواهد بود و این ضربه مهلکی به اسلام سیاسی در کل منطقه خواهد زد زیرا ترکیه به هرحال کشوری نیرومند در منطقه است.»

یکشنبه ۱۴ ماه مه ۲۰۲۳ انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان ترکیه برگزار می‌شود. نتیجه‌ی این انتخابات، به گفته‌ی کارشناسان نه فقط در ترکیه بلکه در کل منطقه بسیار تعیین‌کننده است و تاثیرات مهمی برجای خواهد

از جمله می‌خواهد روابط ترکیه را با ارمنستان عادی‌سازی کند تا از تنش‌های که سالیان دراز است بین دو کشور وجود دارد کاسته شود. ارمنستان هم نیاز دارد دولت معتدلی در ترکیه سر کار بیاید تا از طریق آن با جهان ارتباط پیدا کند. همین موضع‌گیری «اتلاف ملت» باعث می‌شود که اقلیت‌های قومی، که تعدادشان در ترکیه زیاد است، طرفدار قلیچداراوغلو باشند.

ولی مهم‌تر از همه آن است که شکست احتمالی اردوغان، شکست اسلام سیاسی در ترکیه خواهد بود و این ضربه مهلکی به اسلام سیاسی در کل منطقه خواهد زد زیرا ترکیه به هر حال کشوری نیرومند در منطقه است. وقتی آدمی مثل اردوغان و حزب «عدالت و توسعه»، که همواره تأکید بر موازین و قواعد اسلام و سنت‌های اسلامی کرده‌اند، شکست بخورند، این شکست می‌تواند نویدبخش افول اسلام سیاسی در ایران هم باشد؛ هرچند که در ایران خوشبختانه مقاومت مردم چنان است که رژیم همچنان مجبور به عقب‌نشینی گام به گام شده است به ویژه در مقابل زنان که مقاومت جانانه‌ای می‌کنند. رژیم ایران در تحمیل حجاب اجباری بر زنان با مشکلی جدی روبروست تا جایی که این وضع در داخل رژیم نیز شکاف ایجاد کرده است.

با توجه به این نکات آیا می‌توان نتیجه گرفت که جمهوری اسلامی خواهان انتخاب مجدد اردوغان باشد؟

مسئله کمی پیچیده‌تر از این است. می‌دانید که ایران سر مسئله کریپتو زنگزور که جمهوری آذربایجان و ترکیه اصرار دارند از خاک ارمنستان بگذرد و آذربایجان را به نخجوان و ترکیه وصل کند مشکل اساسی دارد. اردوغان هم شدیداً از علی‌یف حمایت می‌کند، در حالی که ایران مشکلی اساسی با جمهوری آذربایجان سر این مسئله دارد. ولی موضوع اصلی همان افول اسلام سیاسی با شکست اردوغان است که برای جمهوری اسلامی به مراتب خطرناک‌تر است. توجه کنیم که در تونس هم «راشد غنوشی» اسلام‌گرا و رهبر «حزب النهضة» را دستگیر کردند و دم اسلام سیاسی را با اقتدار قیچی کردند. از سوی دیگر، در عربستان سعودی شاهد تحولاتی هستیم که حکومت آن کشور به نوعی از سلفی‌گری و وهابیت دور می‌شود. بن سلمان به تدریج اسلام سیاسی را کنار می‌گذارد و می‌کوشد نظام سیاسی خود را بر مبنای دولت-ملت بنا کند. امروز بن سلمان در گفتارهایش بیشتر به تاریخ عربستان و نبطی‌ها و آثار باستانی آن تمدن در اردن ارجاع می‌دهد. یعنی روایتی از تاریخ عربستان ارائه می‌کند که به نوعی «تاریخ ملی» است. حتی فعالیت «پلیس اخلاق» را- که همان «امر به معروف و نهی از منکر» و «گشت ارشاد» جمهوری اسلامی در ایران است- محدود کرده و مردان و زنان می‌توانند در یک فضا در کنار هم ظاهر شوند. سختگیری در مورد حجاب و اینگونه محدودیت‌ها کم و بیش از میان رفته و اسلام سیاسی در آنجا هم پس می‌نشیند. همه اینها دست به دست هم می‌دهند تا اسلام سیاسی در منطقه تضعیف شود و می‌توان گفت که به آخر عمر خود نزدیک می‌شود. البته این پایان ناگزیر بود، زیرا اسلام سیاسی یک جریان «آناکرونیک» است که با انقلاب اسلامی در ایران دنیا را بهم ریخت. تمام جنگ‌ها و فجایعی که در دهه‌های گذشته در منطقه و حتی در جهان شاهد بوده‌ایم نتیجه‌ی این انقلاب بود. شما اگر ریشه‌یابی کنید می‌بینید که ظهور القاعده، داعش و طالبان هم با انقلاب ۵۷ در ایران ارتباط داشت. این جریان ایدئولوژیک- سیاسی انگار دارد به آخر عمر خودش نزدیک می‌شود. به نظر می‌رسد شکست احتمالی اردوغان نویدبخش، تسریع‌کننده و کاتالیزور این پایان خواهد بود.

رهبرش یک خانم به نام «مرال اکشر» است خواهد رسید. این حزب به شدت لائیک، ناسیونالیست و «نژادپار» است که نباید با نژادپرست اشتباه شود. یعنی اعتقاد دارد که پیشرفت‌های بشری را نژادهای خاصی رقم می‌زنند.

مسئله دیگر موضوع هویت در ترکیه است که به مراتب از کشورهای منطقه و حتی ایران شدیدتر است. درست است که ما در ایران جریان‌های هویت‌طلب داریم. ولی به هر حال در نهایت همه خودشان را ایرانی می‌دانند. ولی وقتی شما کشوری تاسیس می‌کنید و اسمش را ترکیه می‌گذارید که در آن همه باید خودشان را ترک بدانند، مسئله هویت شکلی بسیار خشونت‌آمیز به خود می‌گیرد. شما به ارمنی، یونانی، یهودی، کرد، زازا و لاز (که قومی در گرجستان و پیرامون آن در ترکیه هستند) یا به پیروان ادیان دیگر غیر از اسلام حنفی، می‌گویید ترک هستید و مجبورشان می‌کنید خود را ترک بدانند. اما در صد سال اخیر، این اقوام به هر حال خودشان را آنطور که هستند تعریف کرده‌اند و تمام مشکلات هویتی در ترکیه از همین اجبار و خشونت سرچشمه می‌گیرد. به



دکتر علی‌رضا منافزاده

همین دلیل است که اردوغان به دنبال عثمانی‌گری رفت برای اینکه به آنها بگوید که شما عضوی از یک امپراتوری بزرگ هستید و نه عضوی از یک دولت-ملت! البته ما در ایران هم مشابه این مشکل را داریم که دولت-ملت در آغاز قرن بیستم از مدل شکل‌گیری دولت-ملت در فرانسه گرفته‌برداری شد. کسروی می‌گفت «یک درفش، یک زبان، یک دین». این دکتربین با شکست مواجه شد. ما در ۱۲۰ سال اخیر متوجه شدیم که این دکتربین به یکپارچگی ایران و ایرانیان خدمت نمی‌کند. برای همین است که می‌گوییم امروز ما باید برویم به دنبال یک الگوی دولت-ملت جدید در ایران و بطور کلی در منطقه خودمان، به ویژه در ترکیه. می‌دانید که در آنجا نیز از شکل‌گیری دولت-ملت در فرانسه الگوبرداری کردند و به نظر می‌رسد این مدل فقط در فرانسه موفق شد. تقریباً تمام کشورهای منطقه مانند عراق و سوریه و مصر دنبال این الگو رفتند ولی به نتیجه‌ی مطلوب نرسیدند.

بنابراین، با پیروزی کمال قلیچداراوغلو معلوم نیست که این مشکل چگونه حل خواهد شد زیرا از یکطرف با حزب «خوب» ائتلاف کرده و از طرف دیگر از حمایت «حزب دموکراتیک خلق‌ها» برخوردار است و همانطور که گفتیم احتمالاً وعده‌هایی نیز به آنها داده است. این دوتا را چگونه می‌توان با هم آشتی داد معلوم نیست.

ولی یک چیز مسلم است و آن اینکه این ائتلاف به دنبال همگرایی و سازگاری با دنیای غرب و همسایگان ترکیه است.

دیگری «سینان اوغان» که به احتمال زیاد برای جوانان جذاب‌ترند. سینان اوغان رهبر حزب راست افراطی است که به «حرکت ملی» معروف است و در راس ائتلافی به نام «نیاکانی» قرار دارد. از همین اسم بر می‌آید که این جریان به راست افراطی تعلق دارد. کارشناسان معتقدند که این وضع ممکن است به نفع اردوغان تمام شود. یعنی جوانان به این دو رای بدهند و از رای کمال قلیچداراوغلو کم شود. ولی در عین حال بین ۱۵ تا ۲۰ درصد رای‌دهندگان کردها هستند که نامزد مستقلی معرفی نکرده‌اند و به احتمال زیاد، بر مبنای پیش‌بینی‌ها، به قلیچداراوغلو رای خواهند داد. «حزب دموکراتیک خلق‌ها» از نامزدی قلیچداراوغلو حمایت کرده و حتماً وعده‌هایی به آن حزب داده شده است.

گفتیم حضور سینان اوغان و محرم اینجه، رهبر «حزب مملکت» باعث خواهد شد که انتخابات به دور دوم کشیده شود و در دور دوم هواداران این دو به احتمال قوی به قلیچداراوغلو رای خواهند داد. البته باید در نظر بگیریم که اگر ائتلاف حزب «عدالت و توسعه» با نامزدی اردوغان بتواند اکثریت پارلمانی را کسب کند احتمال دارد اردوغان در مرحله دوم دست به تاکتیک‌هایی بزند که پیروز شود. ولی اردوغان نقاط ضعف زیادی نیز دارد. او از همال ابتدا با اتکاء به عنصر اقتصاد و موفقیت در این عرصه به قدرت رسید و توانست اینهمه سال زمام امور ترکیه را در دست داشته باشد. ولی امروز اوضاع اقتصادی ترکیه بسیار خراب است. تورم بسیار بالاست و بر مبنای آمارهای معتبر کسری بودجه دولت در سه ماه اول سال ۲۰۲۳ نزدیک به ۱۴ میلیارد دلار بوده است. کاهش ارزش لیر نیز همچنان ادامه دارد. لیر ترکیه تنها در سال گذشته ۳۰ درصد از ارزش خود را در برابر دلار آمریکا از دست داده است. نقطه ضعف دیگر اردوغان مدیریت ضعیف او بعد از زلزله ۶ فوریه است که به قربانی شدن بیش از ۵۰ هزار نفر در ترکیه انجامید. این زلزله ضربه شدیدی به اعتبار اردوغان زده است. می‌دانید که بیشتر شرکت‌های ساختمانی و ارائه‌دهنده‌ی خدمات معماری شهری جزو شبکه‌ی حامی «حزب عدالت و توسعه» و خود اردوغان هستند. در این زلزله معلوم شد که این شرکت‌ها برای کسب سود بیشتر ضوابط ایمنی لازم را از نظر ساختمان‌سازی رعایت نکرده‌اند و بخش عمده‌ی فاجعه‌ای که روی داد نتیجه آسیب‌پذیر بودن ساختمان‌ها بوده است. دولت در امدادسانی به زلزله‌زدگان هم بسیار تأخیر داشت و این به اعتبار اردوغان لطمه بزرگی زد.

پیامدهای شکست احتمالی اردوغان چه خواهد بود؟

کارشناسان معتقدند که اگر قلیچداراوغلو پیروز شود مجبور است با «ژرف دولت» یعنی الیگارشی مالی، سیاسی، اداری و حتی مافیای ترکیه همزیستی کند. اضافه کنیم که Deep State در انگلیسی ترجمه اصطلاح ترکی Derin Dev است که برای معادل آن در فارسی می‌توانیم از «ژرف دولت» استفاده کنیم.

دیگر آنکه اگر قلیچداراوغلو پیروز شود معلوم نیست «اتلاف ملت» چقدر می‌تواند دوام یابد زیرا او برای دریافت پشتیبانی وعده‌هایی به احزاب تشکیل‌دهنده ائتلاف و احتمالاً به «حزب دموکراتیک خلق‌ها» داده است. علاوه بر این، خودش از علویان ترکیه است و این سؤال پیش می‌آید که بعد از پیروزی او علویان ترکیه- که همیشه زیر سرکوب اهل سنت حنفی بوده‌اند- آیا از آزادی‌های بیشتری برخوردار خواهند شد؟ و این مسئله‌ی مهمی است هرچند که تعداد علویان در ترکیه برخلاف سوریه چندان زیاد نیست. یا اینکه ما می‌دانیم بعد از پیروزی چه سهمی نصیب رهبر حزب «خوب» که از احزاب تشکیل‌دهنده «اتلاف ملت» است و



عکس هفته | تاجگذاری چارلز سوم پادشاه انگلستان
شنبه ۶ آوریل ۲۰۲۳